**بیش از 355**

**پیشگوئیِ تحقق یافتهء قرآنی**

**و چند عنصر اعجازیِ دیگر**

**از : جمال گنجه ای**

**شناسنامه کتاب**

**نام کتاب : بیش از 355 پیشگوئی تحقق یافته قرآنی و چند عنصر اعجازی دیگر**

**نویسنده : مهندس جمال گنجه ای**

**تاریخ عرضه مجازی : زمستان 94**

[**www.tafsir.jamal-ganjei**](http://www.tafsir.jamal-ganjei)

[**jamalganjei@gmail.com**](mailto:jamalganjei@gmail.com)



**فهرست**

|  |  |
| --- | --- |
| **صفحه** | **موضوع** |
| **5** | **مقدمه** |
| **7** | **انواع پیشگوئی های قرآنی** |
| **11** | **وعده های تحقق یافته در سوره ها** |
| **96** | **تحلیل** |
| **100** | **فایده این مطالب؟** |
| **101** | **اعجاز قرآن چیست و وجوه آن کدام است؟** |
| **103** | **غلط نشدن هیچ مطلب قرآنی** |
| **105** | **عدم اختلاف** |
| **109** | **هدایت کنندگیِ دائمیِ بشر** |
| **137** | **از این قلم** |

**1**

**مقدمه تاریخچه مانند**

در سال 1347 که وارد دانشگاه صنعتی شدم جوّ دانشگاه در دست آتئیستها بود ، و ویترینی که ارائه میدادند جذاب ، و مخالف آموزه هایی بود که من از دین می شناختم.

برآیند این وضع با ذهنیات مذهبی سنتی من این بود که تصمیم گرفتم تکلیفم را با خویش روشن کنم .

آنقدر مطالعه داشتم که بدانم این پروسه از راه های فلسفی و یا عرفانی به جائی نمیرسد زیرا فلاسفه دائما سخن یکدیگر را نقض و رد میکنند و تجربه های عرفانی هم قابل انتقال به غیر نیست .

آنقدر زمینه مذهبی داشتم که بدانم مسلمانان اعجاز قرآن را راهی برای کسب اطمینان و دفع شک میدانند و مصمم شدم این راه را بروم و نتیجه را - هرچه شد - بپذیرم .

یکبار با زحمت کل قرآن را با دقت و تانّی به کمک مطالعه همزمان ترجمه های مرحومان ابوالقاسم پاینده و (ترجمه -زیرنویس) کاظم معزی خواندم و برایم جالب بود که در قرآن چیزهای زیادی دیدم که با پیش زمینه ذهنی امثال من تفاوت آشکار داشت و این مرا مصرّتر کرد ، بار دوم یا سومِ چنین مطالعه ای بود که تصدیق کردم قرآن بالاتراست از اینکه بتواند کار بشر باشد و در این تقریبا سه بار مطالعه دقیق قرآن یک چیز توجه مرا به خود جلب کرد و آنهم زیادیِ تعدادِ پیشگوئی های قرآنی بود که درست در آمده بود .

و از آن پس بود که دیگر قرآن برایم به عنوان «تنها منبع مطلقا حق» تلقی شد و همهء چیزهای دیگر به عنوان «منابعی که باید با قرآن چِک شوند» درآمد و از آن پس دیگر قرآن از دستم نیافتاد، شروع میکردم ، ادامه میدادم، به آخرش میرسیدم، و باز هم از اول شروع میکردم.

یادم می آید چند ماه قبل با یکی از دوستان که خودش دستی بلند در اموری که آن را دینی مینامند دارد ، گفتگوئی داشتم و میگفتم تقریبا 1200 سال است که سیره ابن هشام ماخذ کسانی است که میخواهند چیزی در باره تاریخِ آن 23 سالِ نزول وحی بنویسند ، در حالیکه بسیار از آن لحاظ فقیر است و بهتر است مطالبی که ناظر به آن دوره خاص است از خود قرآن استخراج شود .

واکنش آن دوستم این بود که «آخه قرآن که مطلب تاریخی نداره»

هرکس دیگری که چنین نظری بیان میکرد موجب تعجبم نمیشد ولی از او انتظار نداشتم .

حقیقت این است که دوستم در این نظر تنها نیست و کلیه علما و فضلای برهه طولانیِ زمانیِ از سیره ابن هشام تاکنون که بالغ بر تقریبا 1200 سال است [[1]](#footnote-1) ، و چنین تاریخی بوجود نیاورده اند با او همنظر بوده اند .

چون زمینه را خالی دیدم ، علیرغم بضاعت مزجاتِ علمی خویش چنین کتابی را به وجود آوردم که فقط مستند به قرآن است و هم اکنون در سایتی که در انتهای کتاب معرفی شده موجود و در دسترس است و بالغ بر بیش از 230 صفحه است (با قلم ریز) که تازه حاوی کمی از بسیار و مشتی از خروار میباشد و اگر میخواستم حق مطلب را برسانم شاید به سه برابر حجم فعلی خویش بالغ میشد .

دوستم وقتی که کتاب مذکور را دید و چند صفحه ای خواند اولین چیزی که گفت این بود که نمیدانسته از قرآن اینقدر اطلاعات تاریخی در باره آن دوره 23 ساله قابل استخراج است .

هنگامیکه میخواستم این کتاب را شروع کنم ، همان دوستم گفت ایندفعه چیزی نمیگویم زیرا با توجه به خطای قبلی مطمئن هستم که پیشگوئی های تحقق یافته قرآن خیلی بیشتر از آن است که تصور میکنم و فقط امیدوارم این کتاب بزودی تمام شود و بتوانم آن را ببینم و از آن استفاده معنوی ببرم .

**2**

**انواع پیشگوئی های قرآنی**

هرچند که ما به قوانین حاکم بر جهان آشناتر باشیم، می­توانیم پیش­بینی­های درست­تری از حوادث آینده بنمائیم.

مثلاً با تکیه بر دستاوردهای علمی می­توانیم با دقت خیلی زیاد خسوف و کسوفِ از حالا تا حتی ده هزار سال آینده را با دقتی در حد ثانیه پیشگوئی کنیم و درست هم در بیاید.

این قدرت ما محصول علمی است که نسبت به پدیده­های نجومی پیدا کرده­ایم.

هر قدر که علم ما دقیق­تر باشد، پیش­بینی ما نیز دقیق­تر خواهد بود.

در مورد حوادث اجتماعی و سیاسی و تاریخی نیز همینطور است.

جامعه بشری هم قوانینی دارد. هر چند که علم ما نسبت به آن بهتر و دقیق­تر باشد، می­توانیم پیشگوئی­های بهتری داشته باشیم.

البته کشف قوانین مکانیک و نجوم از قوانین مربوط به تمدن­های بشری و ظهور و سقوط حکومت­ها و امثال آن­ آسان­تر است.

همچنین پیشگوئی­های کلیِ بلندمدت در مورد جوامع بشری آسان­تر است از پیشگوئی­های کوتاه­مدت . بطوری که حتی می­توان گفت پیشگوئی­های کوتاه­مدت یعنی پیشگوئی­های حوادثی که ظرف دو سه سال یا ده سال آینده رخ خواهد داد فعلاً غیرممکن است.

و آدم عاقل در صورتیکه بخواهد راجع به حوادث کوتاه­مدت آینده صحبت کند، کلماتی مانند «احتمالاً» و «شاید» و «ممکن است» را بکار خواهد برد و پیشگوئی قطعی و حتمی نخواهد کرد.

در زمان ما دو واقعه مهم اتفاق افتاد. یکی وقوع انقلاب در ایران (1357) و دیگر فروپاشی ابرقدرت شوروی (1990)

این دو واقعه خیلی به این زمان (1394) نزدیک است. یکی حدود سی و پنج سال قبل از آن است و دیگری حدود بیست و شش سال. این دو واقعه آنقدر به زمان ما نزدیک است که میلیون­ها نفر می­توانند حوادث و اظهارنظرهای مربوط به ماه­ها و حتی روزهای قبل از وقوع قطعی آن­ها را به یاد بیاورند. اشخاص هستند و از آن مهم­تر، روزنامه­های آن روزها هم موجود است.

اگر به خاطرات اشخاص یا روزنامه­ها مراجعه شود، به وضوح معلوم خواهد شد حتی اعقل عقلا هم، پیشگوئی صریحی نکرده­اند که این دو واقعه وقوع خواهد یافت.

البته اظهارنظرهای کلی و پیشگوئی­های غیردقیق وجود داشت. مثلاً اینکه حکومت شاه به این صورت که هست نمی­تواند ادامه یابد و در آینده شاهد تغییراتی خواهد بود. یا اینکه حکومت شوروی برای ادامه حیات خود نیاز به اصلاحات جدی دارد و به این صورت که هست، نمی­تواند بعنوان یک ابرقدرت در صحنه جهانی وجود داشته باشد.

اما کسی یک سال قبل از وقوع انقلاب در ایران پیشگوئی وقوع آن را (که یکسال دیگر حکومت شاه ساقط خواهد شد) نکرده و همچنین است راجع به فروپاشی شوروی.

اگر کسی پیدا بشود و این قبیل پیشگوئی­هایی بکند و پیشگوئی­هایش درست هم در بیاید، او باید به یک منبع علمی غیر از علومی که بشر در دست دارد دسترسی داشته باشد.

و قرآن چنین است.

در قرآن پیشگوئی­های زیادی راجع به حوادث آینده وجود دارد که در آن، چه حوادث بلند مدت و چه حوادث کوتاه مدت پیشگوئی شده و همه هم درست در آمده **و حتی یک مورد هم خطا نداشته است.**

از آن غیر ممکن­تر، «پیشگوئی­های کِشدار» است.

مثلاً اینکه پیشگوئی شود فلان جریان یا فلان مکتب از بین نخواهد رفت. آن جریان و آن مکتب در بین مردم وجود دارد و مخالفانِ کسی که این پیشگوئی را کرده نیز وجود دارند و هر روز مترصد این هستند که ببینند آن جریان و آن مکتب کی از بین می­رود و هر روز و هر هفته و هر ماه و هر سال که بگذرد و آن جریان و یا آن مکتب هنوز از بین نرفته باشد، دلیل تازه­ایست بر صدق ادعای آن پیشگو.

خلاصه اینکه سخت­ترین پیشگوئی­ها آنهائی است که در حوزه مسائل اجتماعی و تاریخی صورت گیرد و از میان آنها، سخت­ترینِ آنها، «پیشگوئی­های کِشدار» است و پس از آن، سخت­ترین پیشگوئی­ها، پیشگوئی­های بسیار کوتاه­مدت (در حد چند ماه) است و پس از آن، سخت­ترین پیشگوئی­ها، آنهائی است که بخواهد وقایع آینده را در حد چند سال آینده پیشگوئی کند.

در درجه بعدی پیشگوئی­های در حد چند دهه است.

اما پیشگوئیِ بیش از چند دهه دوباره سخت می­شود.

ذیلاً پیشگوئی­های مربوط به جوامع انسانی را به ترتیبِ مشکل بودن لیست   
می­نماییم :

جالب است بدانیم که قرآن کریم در همه این سطوح پیشگوئی­هائی نموده و همگی آنها درست در آمده است.

مثلاً بعنوان ذکر نمونهء پیشگوئی­های کشدار فرموده که ما خودمان این قرآن را فرستادیم و خودمان هم حافظ آن هستیم و چنانکه ملاحظه می­فرمائید تاکنون این پیشگوئی درست در آمده است و هر روزی که می­گذرد بر تعداد اوراق سربلندی این پرونده افزوده می­شود. یا اینکه فرموده اگر تمام بشر جمع شوند و بخواهند سوره­ای مانند سوره­های قرآن بیاورند نخواهند توانست و این نیز پیشگوئیی است که تاکنون درست درآمده است و هر روز که بگذرد برگی بر اوراق پرونده صحت این ادعا افزوده خواهد شد و اینک که سال 1437 هجری است بیش از 1430 سال است که از این پیشگوئی گذشته و این پرونده 514800 برگ زرین به خود دیده است. و نیز مثلاً آن پیشگوئی که مسیحیان «همیشه» بالاتر از یهودیان خواهند بود.

همچنین قرآن کریم در بخش پیشگوئی­های مربوط به بیش از صد سال آینده نیز پیشگوئی­های متعددی دارد که در سوره­های صف، مائده، نور، توبه و جاهای دیگر آمده که شرح هر یک را در جای خویش در این کتاب خواهیم دید.

همچنین در بخش مربوط به پیشگوئی چند ماه آینده چندین مورد تحقق­یافته دارد مثلاً در سوره توبه «چهار ماه» به مشرکان مهلت داده در حالیکه پایه­های حکومتی اسلام آن­قدرها محکم نبود زیرا در جنگ حنین که چند روز بیشتر با نزول آیه مربوط فاصله نداشت رشته کار مسلمانان گرچه پاره نشد اما به موئی رسید. و یا اینکه پس از صلح حدیبیه وعده «پیروزی نزدیک و غنائمی که خواهید گرفت» داده شد که فوراً تحقق یافت.

در بخش مربوط به پیشگوئی چند سال آینده نیز آیه­های 2 و 3 سوره روم مثال خوبی است و موضوع منحصر به آن هم نیست که هر یک را در جای خویش عرض خواهیم کرد.

همچنین است در مورد پیشگوئی­های مربوط به چند دهه آینده که مورد آن در قرآن کریم بسیار زیاد و کاملاً متعدد است که هر یک را در جای خویش خواهیم داد.

در هر حال ذکر این نکته لازم است که هیچ کتابی وجود ندارد که در آن اینهمه انواع متنوعِ پیشگوئی شده باشد و همه­اش هم درست در آمده باشد و از این لحاظ، هیچ کتابی با قرآن کریم حتی با فاصله بسیار زیاد نیز قابل مقایسه نمی­باشد. و این ، یکی از قویترین دلایل اعجاز قرآن است .

**3**

**روش کار این کتاب**

طرز کار ما آسان و شبیه کتاب «تاریخ نزول وحی» این قلم است ، در آنجا قرآن را به ترتیب نزول خواندیم و هر جا که مطلب و قرینه ای دیدیم که ما را قادر میکرد در باره اوضاع و احوال آن روز ها حدس هایی بزنیم آن را نوشتیم و اینجا هم هرجا که یک وعده محقق شده دیدیم می نویسیم . همانطور که ذیلا می بینید :

**این را هم بگویم که در متن ذیل وعده های به تحقق پیوستهء صریح را با حروف درشت و پرُ (بولد) ، و آنهایی که پیشگوئی بطور تلویحی بوده، را ، با حروف نازک کارکرده ایم .**

**4**

**وعدهء تحقق یافته در سوره ها**

**سوره ضحی**

**1 - در آیه های 4 و 5 صریحا به آنحضرت وعده میدهد که وضع آینده ات بهتر از وضعی خواهد بود که شروع کرده ای و خداوند بزودی عطائی خواهد نمود که موجب رضایتت خواهد گردید .**

**چنانکه همگان میدانند با بالا گرفتن کار آنحضرت و بلند آوازه شدنِ موضوع دعوتش تدریجا این وعده تحقق یافت و تا پایان عمر شریفش ادامه داشت .**

**سوره انشراح**

**2 - در آیه های 5 و 6 به آنحضرت دلداری میدهد که درست است که کارت سخت به نظر می آید ولی در بطن این سختی آسانی نهفته است .**

**چنانکه دیده شد این وعده در تمام مدت رسالت آنحضرت دائما تحقق می یافت و کار آنحضرت دائما رو به آسانی پیش میرفت .**

**سوره لیل**

**3 و 4 - بزودي بر تو ميخوانيم و فراموش نخواهي کرد (6) مگر آنچه را که خدا بخواهد که او به آشکار و نهان داناست (7) و آسانی را برایت فراهم خواهیم کرد (8)**

وقوع مطلب هر دو وعده مطرح شده در آیه­های 6 و 8 واضح است و نیاز به شرح و بسط ویژه­ای ندارد.

**سوره شمس**

**5 - قسم به خورشید و نور پراکنی­اش(1) و قسم به ماه هنگامیکه آنرا دنبال می­کند(2)**

در آیه­های فوق در عبارت «دنباله­­روی­اش» که در مورد ماه در رابطه با خورشید ذکر شده، دو نکته دیده می­شود: یکی اینکه عملاً می­بینیم ماه «دنبال» خورشید ظاهر می­شود، دیگر اینکه اگر به معنی ریشه کلمه عربی آن یعنی «تلاوت» توجه کنیم ، خواهیم دید هم معنی با «خواندن» است.

در مفهوم «خواندن» هم این نکته هست که خواننده، چیزی را «دنبال می­کند» و «می­گیرد» و «جذب می­کند»

با این توضیحات، در قرآن، در بیش از 1400 سال پیش، در رابطه با ماه، این نکته به صراحت ذکر شده که ماه در مورد چیزی که از خورشید می­گیرد «دنباله­رو» آن است. و این چیزیست که بعدها فیزیکدان­ها و علمای نجوم به آن رسیدند و گفتند نور خورشید از خودش است (منیر است) و نور ماه از خورشید است (مستنیر) است .

**سوره طارق**

**6 - در آیه های 15 تا 17 به آنحضرت وعده میدهد که توطئه های مخالفانش به جائی نخواهد رسید و چندان طول نخواهد که آنحضرت موفق خواهد شد .**

**چنانکه از تاریخ اسلام واضح است این پیشگوئی نیز محقق گشت .**

**سوره علق**

**7 - نه! (چنين نپندارند) در صورتيکه بس نکنند حتمأ موي پيشاني شان را گرفته و ميكَشيم (15) پيشاني دروغگوي خطاکارشان را (16) پس آنان هم ميبايد همگنان خويش را بخوانند (17)**

**با توجه به آیات قبل، در این آیات به کافران هشدار می­دهد که یا دست از آن کارهایشان بکشند یا با آنها برخورد خواهد شد. برخوردی شدید. در آن برخورد، آنها برنده نخواهند بود. حتی اگر از تمام امکانات خود نیز استفاده کنند.**

**در این آیات وعده لطیفی در خصوص پیروزی نهائی نهضت پیامبر(ص) و شکست مخالفان اسلام هست که چنانکه می­دانیم حوادث تاریخی در جهت تحقق آن بوده و** **این پیشگوئی تحقق یافته است .**

نکته لطیف این است که سوره علق جزء اولین سوره­های نازله می­باشد و پیامبر و پیروان او بسیار کم و بسیار ضعیف بودند و این پیشگوئی در چنان شرایطی صورت گرفته است.

**سوره قریش**

**8 - در آیه 3 پیش بینی ای دارد که این مردم مکه که مهمترین طایفه شان قریشی ها بودند ، می باید خدایی را که تو به سوی او دعوت میکنی پرستش کنند .**

**چنانکه میدانیم این پیش بینی به تحقق پیوست .**

**سوره تکاثر**

**9 - در آیه های 3 و 4 وعده میدهد که «بزودی» علم خواهند یافت (که روش های کودکانه ناپسندی را پی گرفته اند)**

**البته برخی مفسران این قید زمان را به زمانِ پس از مرگ تفسیر کرده اند که البته به** نظر **این قلم خطا است و ما در تفسیر خویش به آن پرداخته ایم** ولی در اینجا به آن نمی پردازیم .

چنانکه در تفسیر خویش گفته و شرح داده ایم ، معنیِ این «بزودی» زمانِ فتح مکه است که آن مردم نیز با سایر مسلمانان همراه شده و «علمِ حاصل از ایمان» یافتند.

**سوره فجر**

10 - در پاراگرافِ حاویِ آیات 6 تا 14 به آنحضرت دلداری داده و تلویحا شکست مخالفانش و موفقیت اورا وعده میدهد . چنانکه میدانیم این پیشگوئی محقق شد .

**سوره نجم**

11 - شبیه به آنچه که در سوره فجر عرض کردیم در آیه های 29 و 30 سوره نجم نیز هست .

12 - باز هم شبیه به آنچه در سوره نجم قبلا عرض کردیم در آیه های 33 و 34 و 35 (با پشتیبانی آیات 36 تا 56) دیده میشود .

**سوره کافرون**

13 - بگو هان اي کافران! (1) عبادت نمي کنم آنچه را عبادت مي کنيد (2) و شما نيز عبادت کننده آنچه من عبادت مي کنم نيستيد (3) و من هم عبادت کننده آنچه شما عبادت مي کنيد نيستم (4) و شما نيز عبادت کننده آنچه من عبادت مي کنم نيستيد (5) دين شما براي خودتان باشد و دين من هم براي خودم (6)

محکمی لحن و تحقیری که در بطن این نوع خطاب به کافران نهفته است، نشان­دهنده این است که گوینده این سخنان (خداوند) به آینده بهتری مطمئن بوده که این قدر متین و محکم و روشن و صریح اعلام مواضع نموده و چون واقعیات آینده نیز حکایت از تحقق موارد آن داشته، لذا کل این سوره نیز در عداد پیشگوئی­های تحقق­یافته است.

**سوره اعلی**

**14 - در آیه 6 به آنحضرت وعده میدهد که نزول وحی را بر او ادامه خواهد داد و او آن را فراموش نخواهد کرد .**

**15 - در آیه 8 به آنحضرت وعده میدهد که انجام رسالتش به آسانی برایش میسر خواهد گردید .**

**هر دوی این پیشگوئی ها تحقق یافت .**

**سوره مزمل**

**16 - و مرا با تکذيبگران صاحب نعمت واگذار و اندكي به آنان مهلت ده (11)**

**در آیه فوق به پیامبر این نوید را می­دهد که «پس از مهلت کمی» این «مکذبان صاحب نعمت» در همین دنیا جریمه خواهند شد یعنی یا هلاک خواهند شد یا شکست خواهند خورد یا نعمتشان را از دست می­دهند و خلاصه به وضعی می­افتند که دیگر این اثر فعلی را نخواهند داشت.**

**چنانکه واقعیت­های تاریخی نشان می­دهد، این پیشگوئی تحقق یافت .**

**17 تا 20 - در آیه 20 این سوره وعده های خیلی دلگرم کننده ای به آنحضرت میدهد ، مثلا اینکه:**

**1 – وحی قرآن برتو تکمیل خواهد شد**

**2 – وضع مادی پیروانت خوب خواهد شد**

**3 – موقعیت پیروانت از ضعف به قوت ارتقاء خواهد یافت**

**چنانکه میدانیم این پیشگوئی ها نیز به تحقق پیوست .**

**سوره قلم**

**21 - و تو شخصيتي عظيم داري (4) پس به زودي خواهي ديد و آنها نيز خواهند ديد (5) که کدامتان مفتون ميباشيد (6)**

**تحقق یافتن پیشگوئی «و آنها نیز خواهند دید» واضح است .**

**22 - در آیه 16 پیش گویی نموده که فعالانِ مخالف آنحضرت بشدت مغلوب خواهند شد .**

**23 - همچنین در آیه های 44 و 45 خداوند به آنحضرت قول حمایت داده ، نیز در آیه 52 وعده جهانی شده دعوتش را داده است .**

**هر سه این پیشگوئی ها محقق شده است .**

**سوره غاشیه**

24 - در آیه های 21 و 22 به آنحضرت وعده حمایت داده و ضمنا برای روش کارش نیز حدودی را تعریف فرموده است و این یک پیشگوئی تلویحی است که محقق هم شده است .

**سوره نباء**

**25 - نه! بزودي خواهند دانست (4) باز هم نه! بزودي خواهند دانست (5)**

**دو بار تأکید بر اینکه «بزودی خواهند دانست» با توجه به متن عربی «سیعلمون» چنین معنی می­دهد که «بزودی علم پیدا خواهند کرد»**

**با توجه به آیات بعد، معلوم می­شود موضوع راجع به قیامت و آخرت است.**

**بطوریکه می­دانیم چند سالی نگذشت که عقیده به قیامت در ذهن عموم آن مردم و سپس در مدتی کوتاه در ذهن میلیون­ها نفر دیگر، رسوخ پیدا کرد و لذا این دو آیه نیز جزء پیشگوئی­های تحقق یافته گردید.**

**سوره طور**

26 - در آیات 29 تا 31 به تایید آنحضرت می پردازد و تلویحا شکست مخالفانش را پیشگوئی میکند .

**27 - در آیه 34 به تحدی می پردازد که اینهم به نوعی پیشگوئی ناتوانی مخالفان آنحضرت است .**

**28 - در انتهای آیه 42 مخالفان آنحضرت را «مغلوبِ بالقوه» ارزیابی میکند.**

29 - در آیات 45 تا 49 ضمن تایید آنحضرت ، او را تلویحا پیروز نهایی پیشگوئی میکند .

**سوره واقعه**

**30 - در آیه 77 آنچه را بر آنحضرت نازل شده «قرآن» نامیده ، و این در حالی است که در زمان نزول این سوره هنوز بیش از 3626 کلمه بر آنحضرت فرود نیامده و هنوز به 5% حجم قرآن نیز بالغ نشده بود (چیزی را که 5% چیزی است که بعدا خواهد شد ، به نامِ حالتِ کمال یافتهء آن نامیدن ، یک پیشگوئیِ تحقق یافته واضح است)**

**31 - در آیه 80 فراگیر و جهانی شدن قرآن را پیشگوئی نموده است .**

**32 - در آیه های 75 و 76 میگوید اهمیت ستارگان بیش از این است که شما فکر می­کنید و حداکثر اهمیت آنها را در لذت بردن شبانه از نظاره آنها یا جهت­یابی برای مسافرت­های خود می­دانید بلکه اهمیت آنها بالاتر است.**

**33 - در آیه 75 به «مختصات» ستارگان اشاره نموده که موضوعی است هم سهل و هم ممتنع.**

**سهل بودن آن واضح است، اما ممتنع بودن آن از اینجا فهمیده می­شود که امروز بزرگترین مراکز علمی و هوشمندترین دانشمندان و گران­ترین ابزارها و سیستم­های علمی دارند روی این موضوع کار می­کنند و در آیه 76، درک اهمیت آنرا به «علم» مشروط کرده است که بعد از بیش از هزاز سال اتفاق افتاد.**

**سوره دهر**

**34 - در آیه 23 آن حجم قلیل نازل شده از وحی را قرآن نامیده که مطابق آنچه در سوره واقعه گفته ایم یک وعده و یک پیشگوئیِ مشخص و واضح است .**

35 - در آیات 24 تا 28 ضمن تایید آنحضرت تلویحا وعده موفقیتش را داده و راهکارش را نیز به او نموده است .

**سوره قیامه**

**36 و 37- آنگاه بيان آن نيز بر عهده خود ماست (19)**

**اگر به متن سوره مراجعه فرمائید خواهید دید که موضوع مورد بحث، قرآن است و معنی آیه فوق این است که بیان آن یعنی بیان معانی قرآن بر عهده ما (یعنی خداوند) است.**

البته آن روز که این آیات داشت نازل می­شد هنوز اوایل نزول وحی بود و هنوز بیش از 95 درصد حجم قرآن نازل نشده بود، که خداوند در این آیه، هم وعده تکمیل تنزیل وحی را داده، و هم وعده بیان و تفسیر آن را.

اینک که بیش از چهارده قرن از نزول این آیه می­گذرد، می­بینیم هر دو پیشگوئی بخوبی تحقق یافته است.

**38 - در آیه 4 فرموده قادر به پرداختکاري سر انگشتان انسان نيز هستيم .**

**امروز با توجه به علوم روز و توجه به بحث­های ژنتیک و DNA و «شبیه­سازی» و غیره معلوم شده است که در صورت مساعد بودن شرایط عمومی برای تجدید حیات، پیدایش مجدد انسان، بطور کامل، در صورتیکه حتی جزء بسیار کوچکی نیز از بدن او به نوعی موجود باشد، دور از ذهن نیست.**

**حتماً توجه دارید که کشف این واقعیت که خطوط سرانگشتان هر کس یکی از مشخصه­های منحصر به فرد خود اوست و هیچ دو نفری خطوط سرانگشتانشان مساوی نیست، تاریخی کمتر از صد سال دارد و لذا آیه فوق از هر دو لحاظ متضمن پیشگوئی تحقق یافته می­باشد.**

**سوره انشقاق**

**39 - در آیه 6 «انسان» را مخاطب قرار داده ، و این مبین این نکته است که صاحب قرآن پیامهای قرآنی را «جهانی» تلقی میکرده ، و این چیزی است که خیلی دور از دایره درک مخاطبانِ آنروزی بوده است ، و این را نیز به عنوان یک پیشگوئیِ محقق شده تلقی میکنیم .**

**سوره ق**

**40 و 41 - در آیه 1 با وجود اینکه تنها حدود 5% از حجم کتابی که دردست داریم نازل شده بود اسم آن را طوری برده که ما امروز میفهمیم که منظور چه بوده است و قبلا هم در این مورد عرضی تقدیم کرده ایم و بنا نداریم که در اینجا تکرار کنیم .**

**در همان آیه برای قرآن صفت مجید را بکار برده ، که این نیز نوعی وعده است که تحقق یافته ، زیرا ارجمندی قرآن در نزد مسلمانان که واضح است ، بهتر است توجه کنیم که قرآن نزد غیر مسلمانان نیز محترم و ارجمند است .**

**42 - در آیه 2 به عجیب بودن رسالت (ونیز ماده مهم موضوع رسالت که خبر دادن از آخرت باشد) از نظر منکران آن اشاره فرموده ، و در آیه 5 علتِ این تعجب را برطرف شدنی تلقی کرده ، که دیدیم همینطور هم شده ، زیرا تفریبا 20 سال بعد که مکه فتح شد همان اشخاص ، این مطالب را قبول کرده بودند ، و این نیز از پیشگوئی های تحقق یافته است .**

**43 - در آیات 39 تا 45 ضمن تایید آنحضرت ، راهکارهای عبادتی به آنحضرت توصیه میکند و ضمنا میفرماید که تو از این مطلب عبور خواهی کرد و چنانکه دیدیم آنحضرت به این موج غالب شد .**

**44 - در آیه آخر نیز به مجموعِ آنچه تا این موقع از وحی بر آنحضرت نازل شده (حدود 5%) را قرآن نامیده (بنا بر استدلالی که قبلا کرده ایم) یک پیشگوئی تحقق یافته است .**

**45 - در آیه 6 آسمان رافاقد «فروج» قلمدادکرده ، عبارت مذکور امروز (که اواخر سال 2009 میلادی است) کاملاً مفهوم است.**

**ببینید فقط یک سوراخ که در لایه اوزون بوجود آمد چه اختلالات و چه بیماریهایی ایجاد کرد و آنگاه تصور کنید اگر «چند تا سوراخ»، در «چند تا از لایه­ها» وقوع می­یافت، چه فاجعه­هائی به بار می­آمد.**

**موضوع سوراخ در لایه اوزون و اختلالاتی که در زندگی بشر ایجاد نموده، چیزیست که سی سال بیشتر سابقه ندارد و طرح چنین مطلبی در هزار و چند صد سال قبل یکی از قوی­ترین پیشگوئی های قرآنی می­باشد.**

**سوره مدثر**

**46 - بزودي به او سختي ميرسانيم (17)**

**بهتر است خواننده گرامی دو سه آیه قبل و بعدِ آیه فوق را نیز مطالعه نماید.**

**این آیه از لحاظ وجود پیش­بینی ضعفِ قریب­الوقوعِ فکری در جبهه بزرگان و رهبرانِ مکذبان یکی از روشن­ترین و واضح­ترین پیش­بینی­هایی از این نوع است و تحقق یافتن آن نیز معلوم است و لذا این آیه نیز در زمره پیشگوئی­های تحقق یافته می­باشد.**

**47 - در آیه 31 پیشگوئی هایی در باره ایمان مومنان و اهل کتاب دارد که درستی آنها نیز بعدا وقوع یافته است .**

**48 - در آیه 36 «بشر» را مخاطب قرآن قلمداد فرموده که از این لحاظ که مخاطب های قرآن را فراتر از آن عده قلیلی که در هنگام نزول این آیه مومن بوده اند ، پیشگویی محقق شده میباشد .**

**سوره نازعات**

**49 - در آیه 35 باز هم «انسان» را مخاطب قرآن قلمداد فرموده و مطابق استدلالی که قبلا کرده ایم ، این یک پیشگوئی تحقق یافته است .**

**سوره نوح**

**50 - در آیه 16 ماه را «روشنایی» و خورشید را «چراغ» نامیده که تعریف بسیار لطیفی است و نشان می­دهد که نور و حرارت خورشید از خودش است. اما راجع به ماه، هیچ اشاره­ای به این ندارد که خود ماه تولید کننده نور و حرارت باشد .**

**سوره قمر**

**51 تا 54- چهار بار از کلمه قرآن استفاده نموده و مطابق استدلالی که قبلا گفته ایم ، این از نوع پیشگوئی های تحقق یافته است .**

**55 - در آیه 45 پیشگوئی فرموده که «جمع»یتِ مخالفان آنحضرت به تفرق خواهد گرایید که چنین نیز شد .**

**سوره ذاریات**

56 - در آیه های 55 و 54 ضمن تایید آنحضرت و تشویق به پیگیری ماموریتش تلویحا موفقیتش را پیشگوئی میکند .

**57 - آیه 59 فوق خبر از شکست کفار می­دهد و چنانکه بعدها اتفاق افتاد، موضوع این آیه هم تحقق یافت.**

**سوره فیل**

58 - در این سوره شکست مخالفان فعالش را تلویحا پیشگوئی میکند .

**سوره بروج**

59 - در آیات 4 تا 7 رفع ظلمِ مخالفان فعال نسبت به مومنان پیرو آنحضرت را تلویحا وعده میدهد .

**60 و 61- در آیه 21 دو وعده دارد که یکی اتمام نزول قرآن و دیگری موقعیت ارجمندی خواهد بود که مردم در ارزیابی هایشان به آن اذعان خواهند نمود که هردو پیشگوئی محقق شد.**

**سوره تبّت (مسد)**

**62 - زيانکار شد دستان ابولهب و (باز هم) زيانکار شد (1) ثروتش و آنچه کسب کرده بود به دردش نخورد (2)**

**این دو آیه می­گوید دستاوردهای ابولهب به نتیجه نمی­رسد و خودش هم هلاک می­شود و مال و ثروت و زن و پسرانش و قبیله­اش و اعتبار اجتماعیش هیچکدام بدرد او نخواهد خورد. البته واقعیت­های تاریخی، تحقق این پیشگوئی را ثابت کرد.**

چنانچه می­دانیم، هر چه در تاریخ به عقب می­رویم، اهمیت فرد کمتر و اهمیت قوم و قبیله و سن و سال بیشتر و بیشتر می­شود.

ابولهب فرزند عبدالمطلب و پس از فوت او یکی از کاندیداهای اصلی ریاست در جامعه آنروزی حجاز بود که دعویِ پیامبریِ رسول اکرم(ص) خواب خوش او را آشفته کرد و او در ساحت دعوت جدید، رویاهای ریاست و زعامت خود را یکسره نابود شده دید، و لذا بطور جدی و خستگی­ناپذیر وارد عرصه تخریب و کارشکنی علیه دعوت اسلام شد و هیچ لحظه­ای و فرصتی را برای توطئه و تخریب فروگذار نکرد و از تمام ظرفیت­های بالفعل و بالقوه خانواده و قبیله­ای خود نیز استفاده کرد اما چنانکه   
واقعیات تاریخی نشان داد، او هیچ موفقیتی بدست نیاورده و آن وعده­ها درست   
در آمد. در حالیکه جنبش اسلام، بسیار نوپا، بسیار ضعیف، بسیار آسیب­پذیر، و جریان اشرافی­گری بسیار ریشه­دار، بسیار جا افتاده و بسیار قوی بود.

در هر حال، این پیشگوی روشن واضح که بالاخره هم درست درآمد، یکی دیگر از مواردِ اعجازی تحقق پیشگوئی­های قرآنی است.

**سوره معارج**

**63 - در آیه 19 ذکری از «انسان» فرموده و مطابق استدلالی که قبلا عرض کرده ایم ، این نشانه ای است از آنکه قرآن مخاطبان خویش را فراتر از مخاطب های اولیه میدانسته است .**

64 - در آیات 36 تا 44 تلویحا به ضعف ساختاریِ اردوگاه مخالفان آنحضرت و اضمحلال شان اشاره نموده است .

65 - در آیه 47 بطور صریح، به «توسعه جهان» نظر دارد، و فیزیک فضایی امروز و نظریه Big Bang، نیز، با آن هم­جهت است. مقایسه کنید زمال نزول این آیه را (هزار و چند صد سال قبل) با زمان مطرح کردن نظریه Big Bang (حدود دویست سال قبل)

**سوره جن**

66 - این سوره به گونه ای پرحجم ، تلویحا مقبولیتِ عام یافتنِ دعوت آنحضرت را نوید میدهد .

**سوره کوثر**

**67 - البته آن خير کثير فزاینده را به تو داده­ايم (1)**

**قرآن، وحی، حضرت فاطمه سلام­الله­علیها، واسلام، همه اینها می­توانند از مصادیق «خیر کثیر فزاینده» باشند. و چنانکه در واقعیت­های تاریخی ملاحظه شد، خداوند همه این مصادیق «خیر کثیر فزاینده» را به پیامبر (اکرم) داد و این آیه نیز در زمره پیشگوئی­های تحقق یافته قرار گرفت.**

**سوره دخان**

**68 - پس چشم براه باش که آنان نيز چشم براهند (59)**

**اینک پیامبر در راه رسالت خویش که هدف آن مردم و بلکه معمولی­ترین مردمان است، با موانعی رو به روست و رؤسا و نخبگان و اصطلاحاً «بزرگان» جامعه مانع رسیدن پیام پیامبر به مردم هستند زیرا پیام او متضمن مطالبی است که با منافع آنها برخورد دارد. لذا «چشم براه باش» راجع به پیامبر به این معنی است که کارت را ادامه بده، یعنی پیامت را برسان و منتظر اثربخشی فوری آن نباش و اثربخشی را به ما واگذار و بدون اینک عجله­ای داشته باشی، منتظر آن باش، اما «آنها نیز چشم براه هستند» به این معنی است که آنها بخاطر منافع خویش کمر همت را بسته­اند که جلوی تو و پیام تو را بگیرند و این بساط وحی را جمع کنند و چشم به راه نابودی تو و رسالتت هستند. بنابراین این سوره متضمن پیشگوئی پیروزی پیامبر بر مخالفان عنود و لجوج خویش است که چنانکه می­دانیم وعده مذکور محقق شده و این آیه را نیز در عداد معجزات قرآنی در آورد.**

**سوره زخرف**

**69 - پس، از ايشان در گذر و سلامي بگو و بزودي خواهند دانست (89)**

**جمله «بزودی خواهند دانست» در صورتیکه آیات قبل ملاحظه شود متضمن پیشگوئی پیروزی پیامبر اکرم(ص) بر کفار و مکذبان و مخالفان است و می­دانیم که تحقق یافته است.**

**70 - در آیه 5 وعده میدهد که این پروسه ارسال وحی به این علت که مخالفان اینهمه مخالفت سنگین میکنند تعطیل نخواهد شد و دیدیم که نشد.**

71 - در آیه های 41 تا 43 به آنحضرت دلگرمی میدهد که از توطئه های آنها نگران نباشد و فقط روی رسالتش تمرکز کند .

72 - در آیه 83 به آنحضرت میفرماید به اینها (فعالانِ مخالفت با رسالتت) اهمیتی نده و در آیه 89 همین مفهوم را تکرار میکند و با دو داستان مربوط به دو پیامبر سابق تلویحا پیشگوئیِ موفقیتِ آنحضرت مینماید .

**سوره فصّلت**

**73 - در آیه 42 در باره قرآن پیشگوئیی به این مضمون میکند که کسی نخواهد توانست هیچ موضوعی از آن را به باطل نسبت دهد که نوعی تحدی است و تاکنون که بیش از هزار و چهارصد سال میگذرد درستی آن خدشه ای نپذیرفته است .**

74 - در آیه 43 تلویحا میفرماید ایرادات آنها سست است و تو به کار خودت برس .

**75 - در آیه 53 وعده میدهد آیاتی از حقانیتت را چه در زمینه آفاقی و چه زمینه انفسی ارائه خواهد نمود که این خیلی زود درست در آمد و آیه انفسی در فتح مکه که مردم دستجمعی مسلمان شدند واقع شد ، و نمونه ای از آیات آفاقی این بود که اسلام از محدوده مکه خارج شد و قلمروهای جغرافیایی بزرگی را تسخیر نمود .**

**76 - در آیه 11 که گفته : سپس به آسمان که دودي بود پرداخت و به آن و به زمين گفت چه از روي ميل و چه از روي اجبار بسويم بيائيد. گفتند با ميل و رغبت آمديم .**

**«آسمان» در آیه فوق به مفهوم «غیرزمین» است و لذا به کل جهان قابل تعمیم می­باشد و «دود» با توجه به اینکه مخاطب، عامی بوده است، همان تعبیری است که «گاز» برای متخصص علوم فیزیک نجوم دارد.**

**و قرآن در آیه فوق در بیش از 1400 سال قبل سخنی گفته که در کمال درستی است و امروز هم هیچ دانشمندی نمی­تواند با آن مخالفتی کند.**

**سوره جاثیه**

**77 - در آیه 14 به آنحضرت توصیه میکند به پیروانش بگوید نسبت به مخالفان نظر مدارا داشته باشند ، و از اینجا نوعی نوید فهمیده میشود که مخالفان همینطور مسلط نمی مانند و شما برنده خواهید بود و این پیشگوئی درست در آمد .**

78 - در آیه 18 ضمن تایید آنحضرت تلویحا او را برنده و ماندگار معرفی میفرماید .

**سوره احقاف**

79 - در آیات 29 تا 32 به موردِ طلب و موردِ رغبت بودنِ پدیده وحی – حتی از سوی موجوداتی از نوع متفاوت از انسان – اشاره نموده و تلویحا این پیشگوئی را نموده که چیزی نخواهد گذشت که این پدیده از سوی شما انسانها نیز مقبول و مطلوب تلقی گردد.

80 - در آیه 35 آنحضرت را به صبری بیش از سابق فرا میخواند و این هم به نوعی تلویحی پیشگوئی موفقیت برای آنحضرت است .

**سوره مومن**

**81 - در آیه های 4 و 5 ضمن تایید آنحضرت به او دلگرمی میدهد که خداوند نمیگذارد فعالان مخالفانش از حدمعینی جلوتر بروند .**

82 - در آیه های 55 و 56 ضمن تایید آنحضرت او را به ادامه رسالتش توصیه و پیشگوئیِ عدم موفقیت فعالان مخالفت با او را میدهد .

83 - در آیه های 77 و 78 بازهم بر موضع فوق تاکید میفرماید .

**سوره یس**

**84 - در آیه 2 با نام بردن از آن مقداری از وحی که تا زمان نزول این سوره نازل شده به «قرآن» ، پیشگوئی نموده که موضوع رسالت آنحضرت دچار انقطاع نخواهد شد .**

85 - در آیات 3 تا 5 با قوت آنحضرت را تایید و تلویحا پیشگوئی موفقیتش را می فرماید.

86 - در آیه 76 آنحضرت را به صبر بیشتر توصیه میکند که این نوعی از پیشگوئی موفقیت اوست .

**87 - در آیه 38 که میفرماید : و خورشيد که بسوي قرارگاه خويش در جريان است. اين برنامه ريزي آن پيروزمند داناست .**

**مطابق نظر قدما که زمین را ثابت و خورشید را طلوع­کننده از مشرق و غروب­کننده در مغرب زمین تصور می­کردند، طبعاً خورشید حرکت دیگری که عبارت باشد از «حرکت بسوی قرارگاه خویش» نداشت.**

**مطابق نظر علمائی مانند کپلر و گالیله و امثالهم که فرض مسطح بودن زمین را باطل و فرض کرویت آن را جایگزین نمودند، آنها نیز حرکتی از نوع حرکت بسوی قرارگاه خویش برای خورشید عنوان نکردند.**

**این فیزیک کیهانی جدید است که برای خورشید یک مدار حرکتیِ معینی قائل است که مربوط به این دویست و پنجاه سال اخیر است چه برسد به علم زمان نزول این آیات. و لذا این آیه نیز از پیشگوئی های علمی قرآنی است.**

**سوره شورا**

**88 - در آیه های 7 و 8 حوزه ماموریت آنحضرت را بازهم برای او تعیین فرموده و استدلال کرده که چرا او می باید رنج این رسالت را بازهم بدوش بکشد ، و در این نویدی واضح وجود دارد .**

89 - در آیه 15 ، با توجه به 14 آیه قبل از آن مجددا آنحضرت را مامور میفرماید ، و در این ، یکنوع پیشگوئی هم مستتر است .

**90 - در آیه 38 رفتاری استراتژیک را برای پیروان آنحضرت توصیه نموده ، و در این پیشگوئیِ روشنی دایر بر تقویت اوضاع و احوال آنها نهفته است .**

**سوره سباء**

**91 - در آیه 31 باز هم کلمه قرآن را بکار برده ، و این ، چنانکه قبلا هم چند بار دیده ایم ، پیشگوئی واضحی است .**

**سوره مؤمنون**

**92 - پس آنها را تا مدتي در گرفتاري شان واگذار (54)**

**از این نوع بیان فهمیده می­شود که قرآن برای پیامبر اکرم(ص) پیروزی   
قریب­الوقوع پیشگوئی نموده است که چون وقایع تاریخی، صحت پیش­بینی مذکور را تایید نموده، این آیه نیز در عداد پیشگوئی­های تحقق یافته می­باشد.**

93 - ذکر داستان نوح در آیات 23 تا 30 نوعی نوید تلویحی خلاصی از مشکلات را متضمن است .

94 - نیز ذکر فلسفه تاریخ در آیات 31 تا 44 همین پیشگوئیِ تلویحی را در بر دارد .

95 و 96 - همچنین ذکر داستان موسی و عیسی (ع) در آیات 45 تا 52 .

**97 تا 99 - سه بار تکرار و تاکید در سه جائی که «سیقولون» را بکار برده که ناظر به تغییر اعتقاداتشان پس از فتح مکه است (آیه های 85 و 87 و 89) پیشگوئیِ صریح است دایر بر اینکه بزودی عقاید آنها در جهت اصلاح عوض خواهد شد ، و چنانکه دیدیم شد .**

**سوره ابراهیم**

**100 - در آیه 1 وعده فرموده که مردم بوسیله این کتاب به جاده پسندیده عالی منتقل خواهند شد .**

**101 - در آیه 47 با تاکید میفرماید مبادا فکر کنی خداوند وعده اش را عملی نخواهد کرد که این خودش یک پیشگوئی محقق شدهء روشن است .**

**سوره اسراء**

**102 و 103 - بگو اگر جن و انس مجتمع شوند که مانند اين قرآن را بياورند نخواهند آورد حتي اگر بعضي شان بعضي ديگر را ياري کنند (88)**

**چنانکه می­دانیم، (و اینجا جای شرح و یا اثبات آن نیست) این سوره در حدود سال هفتم بعثت نازل شده و لذا هنوز اوائل نزول وحی بوده است و در هنگام نزول آن هنوز قسمت اعظم سوره­ها نازل نشده بود و در این سوره دو پیشگوئی تحقق یافته است:**

**1- جریان وحی ادامه خواهد یافت بطوریکه پروسه ایجاد چیزی بنام «قرآن» تکمیل خواهد شد.**

**2- «قرآنِ» مورد بحث دارای چنان مقام بالائی خواهد بود که قدرت کل آحاد بشر و جن برای ارائه چیزی مانند آن نارسا خواهد بود.**

**و چنانکه می­دانیم این دو وعده تاکنون محقق شده است.**

**البته این پیشگوئی از نوع «پیشگوئی کِشدار» است و هر روزی که بگذرد و قسمت دوم آن هنوز محقق باشد، برگ دیگری بر کتاب قطور تحقق­یافتگی آن افزوده می­شود.**

**104 - در آیه 9 مجموع نزولات وحی را قرآن نامیده و چنانکه قبلا گفته ایم ، این نیز از نوع پیشگوئیِ تحقق یافته است .**

105 - آیات 22 تا 39 حاوی نوعی از قانون اساسی و قانون مدنی است و در ذات خود پیام استقرار و ماندن و ماندگاری دارد و پیشگوئی مهمی است که محقق هم شده است .

**106 - در آیه 41 باز هم کلمه قرآن را بکار برده است .**

**107 - در آیه 70 با جمله لقد کرمنا بنی آدم یک پیشگوئی فرموده که امروز نمونه های تحققش را در اینهمه سازمان های حقوق بشر و حقوق زنان داریم می بینیم .**

108 - در آیات 73 تا 77 و نهی شدید از هرگونه مداهنه و مماشات با فعالان مخالفان این وعده را تلویحا داده که دستِ بالاتر از آنِ تو است .

109 - در آیات 78 تا 81 نسخه یک رژیم عبادتیِ سنگینی برای آنحضرت پیچیده که معنی آن این است که برای موفقیت (که تلویحا حاوی وعده و پیشگوئی است) باید این کارها را کنی .

**110 - در آیه 82 بازهم کلمه قرآن را بکار برده است (که شرحش را قبلا داده ایم)**

**سوره هود**

**111 - در آیات 12 تا 14 تحدی فرموده (اگر فکر میکنید این پیامبر این حرفها را از خودش در آورده ده سوره مانند این سوره ها بیاورید . . . ) که این یک پیشگوئیِ ممتد و کِشدار است که آوازه اش هم تا حالا در فضای ذهنی همگان طنین می اندازد و تا کنون مدعیی به این تحدی پاسخ نداده است .**

**با این بیان، سوره­های قرآن، رسماً بعنوان معجزه پیامبر اکرم(ص) معرفی گردیده است.**

**البته می­دانیم که این مبارز­طلبی هرگز پاسخ نیافت و این دو آیه نیز در زمره پیشگوئی­های تحقق یافته قرار گرفت.**

112 تا 117 - در آیات 25 تا 104 داستانهای پیامبرانی مانند نوح و هود و صالح و ابراهیم و لوط و شعیب و موسی و پیروزی آنها بر خصم را آورده و در این پیامهای مکرر و موکد حاوی پیشگوئیِ «تو موفق میشوی» وجود دارد .

**113 - در آیات 109 تا 115 باز هم پیشگوئی هایی از نوع «کوچکترین تردیدی نداشته باش» و «محکم و استوار باش» و « این رژیم عبادی را در پیش گیر» دارد که تحقق نتیجه همه آنها دیده شده است .**

**114 - و منتظر باشيد که ما نيز منتظريم (122)**

**اگر آیات قبل از آیه 122 را ملاحظه فرمائید چنین فهمیده می­شود که آیه 122 متضمن وعده شکست مخالفان و تکذیبگران و کافران است و چنانکه واقعیات تاریخی نشان داد این وعده نیز تحقق یافته است.**

**سوره شعراء**

**115 - در آیات 3 تا 6 علاوه بر تایید لزوم ادامه وحی (که تلویحا حاوی وعده موفقیت آنحضرت است) با ذکر کلمه «فسیاتیهم» صراحتا وعده میدهد که فعالانِ مخالفانِ آنحضرت (بزودی «خبرهایی») - از موفقیتِ آنحضرت را دریافت خواهند کرد .**

**و تکذيب کردند پس بزودي اخبار آنچه که مسخره اش ميکردند بسويشان خواهد آمد (6)**

**آیه فوق که حاوی یک پیشگوئی می­باشد، با توجه به واقعیات بعدی تاریخی، چون محقق شده، در عداد معجزات تاریخی می­باشد. گرچه غیر از آیه 6 کل این سوره نیز وعده و پیشگوئی است اما آیه 6 در این معنی کاملاً صریح است.**

116 - در آیات 12 تا 67 با ذکر موفقیت حضرت موسی تلویحا به آنحضرت نیز وعده موفقیت میدهد .

117 - در آیات 69 تا 104 با ذکر موفقیت حضرت ابراهیم تلویحا به آنحضرت نیز وعده موفقیت میدهد .

118 - در آیات 105 تا 122 با ذکر موفقیت حضرت نوح تلویحا به آنحضرت نیز وعده موفقیت میدهد .

119 - در آیات 123 تا 140 با ذکر موفقیت حضرت هود تلویحا به آنحضرت نیز وعده موفقیت میدهد .

120 - در آیات 141 تا 159 با ذکر موفقیت حضرت صالح تلویحا به آنحضرت نیز وعده موفقیت میدهد .

121 - در آیات 160 تا 175 با ذکر موفقیت حضرت لوط تلویحا به آنحضرت نیز وعده موفقیت میدهد .

122 - در آیات 176 تا 191 با ذکر موفقیت حضرت شعیب تلویحا به آنحضرت نیز وعده موفقیت میدهد .

در بقیه سوره :

123 تا 126 – با تایید منبع وحی به آنحضرت

2 – با تشریح علل کفر فعالانِ مخالفت با آنحضرت

3 – با ارائه راهکارهایی برای مقابله با موانع

4 – با توصیف برخی از رفتارهای فعالان کفر

تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد .

**سوره یونس**

**127 - آیه 15 شامل تحدی راجع به قرآن است که یکنوع پیشگوییِ دایر بر ناتوانیِ آنان به شرکت در این مبارزه هم هست که درست هم درآمده است .**

**128 - آیه های 37 و 38 نیز تحدی است .**

**در آیه فوق کافران را دعوت می­کند که مگر شما نمی­گوئید پیغمبر قرآن را از خودش در آورده و به خدا نسبت داده؟ اگر چنین باشد که یک نفر بشر بتواند چنین مطالبی را از پیش خود بگوید، غیر از او کسان دیگر نیز قادر به این کار می­باشند. پس در این صورت شما هم باید قادر به این کار باشید. لذا اگر حرفتان درست است شما هم لااقل سوره­ای مانند آن بیاورید.**

**از آنجا که از آن تاریخ تاکنون به این مبارزه­طلبی پاسخی داده نشده این آیه نیز یکی از پیشگوئی­های تحقق یافتهء می­باشد.**

**جالب اینکه در سوره اسراء برای «کل قرآن» مبارز­طلبی شده و در سوره هود به ده سوره تخفیف داده و در این سوره تخفیف را زیادتر کرده و فقط به یک سوره اکتفا کرده است.**

**این دو پیشگوئی از نوع پیشگوئی­های کِشدار است و تحقق یافتن آن­ها هنوز هم ادامه دارد.**

129 - آیات 71 تا 74 ذکر داستان حضرت نوح است که در آن از قول نوح میگوید تمام زورتان را علیه من جمع کنید و هر کاری که میتوانید بکنید ، این تلویحا این نکته را دارد که مخالفان آنحضرت نخواهند توانست رسالت او را دچار وقفه یا بیشتر از آن کنند و چنانکه دیدیم همینطور هم شد .

130 - آیات 75 تا 93 راجع به حضرت موسی است که فرعون خواست او را مورد تعرض قرار دهد ولی خودش نابود شد و تلویحا این پیام را دارد که ای فعالان کفر ! شما که از فرعون بالاتر نیستید و نمیتوانید کاری کنید .

**131 - آیه 103 به وضوح و صراحت پیشگوئی نجات را میکند و چنانکه دیده شد به تحقق پیوست.**

132 - در آیه 109 تلویحا وعده موفقیت میدهد زیرا میگوید صبر کن و خدا بهترین حاکم است.

**133 - در آیه 5 میفرماید : هموست که خورشيد را تابان و ماه را درخشان قرار داد و آن را چنان برنامه ريزي کرد که منزلهائي داشته باشد. تا شمارش سال ها را بدانيد. خداوند آن را جز به حق نيافريد. و او نشانه ها را براي مردمي دانا شرح ميدهد .**

**تعبیری که در آیه فوق راجع به خورشید و ماه شده، یک پیشگوئی علمی است زیرا در حدود پانزده قرن قبل ماه را فرع بر خورشید دانسته است.**

**سوره انبیاء**

134 - در آیات 9 تا 15 میفرماید مکذبان پیشین را اینگونه از میدان بدر کردیم که این وعده ای و پیشگوئیِ تحقق یافته ایست که در مورد دشمنان آنحضرت و پیروانش نیز چنین خواهد شد .

در آیه های 34 و 35 تلویحا توطئه قتل آنحضرت را برملا نموده و به او میگوید زندگی و مرگ به دست کسی غیر از خدا نیست و تلویحا وعده میدهد که آنها موفق نخواهند شد .

**135 - در آیه 44 وعده میدهد که روز به روز از حوزه نفوذ و تاثیر فعالان مخالف تو کاسته میشود ، و چنانکه دیدیم چنین شد .**

136 تا 144 - در آیات 48 تا 91 (14) نفر از پیامبران پیشین را نام می برد که چگونه آنها را یاری نموده و موفقشان کرده ، با این پیام تلویحی که در مورد تو و پیروانت نیز چنین خواهد بود .

145 - در آیه 105 در موضوعی تلویحیِ نزدیک به صریح وعده موفقیت به گفتمان آنحضرت میدهد .

**146 - در آیه 107 وعده روشنی میدهد که دین تو به حصار های مکه محصور نخواهد ماند.**

**147 - در آیه 30 میفرماید : آيا کافران توجه نمي كنند که آسمانها و زمين پيوسته بود و ما آنها را باز کرده و از آب همه چيز را زنده کرديم، و ايمان نمي آورند؟(30)**

**توجه خوانندگان گرامی را به نظریه «انفجار عظیم» (Big Bang) که امروزه در علم فیزیک یک نظریه جا افتاده و پذیرفته­ای است جلب می­کنیم.**

**در این آیه می­فرماید جهان در ابتدا «پیوسته» بود، بعداً «باز» شد.**

**آیا آیه فوق بهترین بیان ساده نظریه «انفجار عظیم» نیست؟**

**148 - در آیه 104 میفرماید : روزي که آسمان را در هم بپيچيم مانند در هم پيچيدن طومارهاي نوشته. همانطور که آفرينش نخستين را آغاز كرديم آنرا باز مي گردانيم که البته انجام دهنده اش هستيم (104)**

**از آیه فوق فهمیده می­شود که در «آفرینش اول» آسمان «بسته» بود، و بعداً «باز» شد. بعبارت دیگر باز هم همان نظریه «انفجار عظیم» را در اینجا هم می­بینیم.**

**149 - در آیه 32 میفرماید : و آسمان را سقفي محفوظ نموديم اما آنها از آياتش رويگردانند.**

**با توجه به مخاطب­های آن روزی، منظور از «آسمان»، «آنچه بالای سر ما دیده می­شود» است. اما امروز، در درجه اول «کره هوا»و در درجه دوم و سوم و چهارم کل منظومه شمسی و کهکشان راه شیری و بالاخره کل جهان مصادیق آن هستند.**

**کمترین چیزی که امروز از این آیه می­فهمیم خاصیت «سقف»یِ کره هواست که مانع از برخورد اجرام آسمانی سرگردان است و اگر آن نبود در هر ثانیه میلیون­ها شی ریز و درشت سرگردان به زمین اصابت می­کرد و پیدایش حیات در روی زمین ناممکن می­گردید.**

**150 - در آیه 30 میفرماید : آيا کافران توجه نمي كنند که آسمانها و زمين پيوسته بود و ما آنها را باز کرده و از آب همه چيز را زنده کرديم، و ايمان نمي آورند؟**

**امروز دو چیز برای ما واضح است:**

**1- منشاء حیات، آب است.**

**به این معنی که حتی گیاهان و جانوران موجود در خشکی نیز ریشه­شان «حیات دریائی» است.**

**2- منشاء ادامه حیات نیز آب است.**

**چیزی که بطور قاطع می­توان گفت این است که لااقل نکته اول تا همین دویست و پنجاه سال پیش شناخته شده نبود چه رسد به مخاطب­های روزهای نزول این آیه.**

**سوره صافات**

151 - در آیات 74 تا 79 باذکر داستان نوح تلویحا میگوید که همانطور که نوح موفق شد و روشش مستقر گردید تو نیز موفق خواهی شد .

152 - در آیات تا 109 موضوعی مشابه را با ذکر داستان ابراهیم بیان میکند .

153 - در آیات تا 114 تا 120 موضوعی مشابه را با ذکر داستان موسی و هارون بیان میکند.

154 - در آیات تا 123 تا 131 موضوعی مشابه را با ذکر داستان الیاس بیان میکند.

155 - در آیات تا 133 تا 138 موضوعی مشابه را با ذکر داستان لوط بیان میکند .

156 - در آیات تا 139 تا 148 موضوعی مشابه را با ذکر داستان یونس بیان میکند .

**157 تا 160 - آیات 171 تا 182 صراحتا دارای این وعده هاست :**

**1 – پیامبران یاری خواهند شد (آیه 172)**

**2 – نیروهای الهی پیروزِ نهائی خواهند بود (آیه 173)**

**3 – ای پیامبر ! پس از مدتی کوتاه موفق خواهی شد (آیه 178)**

**4 – موفقیت تو آنقدر نزدیک است که معاصرانت آن را خواهند دید (آیه 179)**

**161 - در آیه های ذیل میفرماید : البته آسمان دنيا را به زينت ستارگان آراستيم (6) و از هر شيطان سرکشي محفوظ داشتيم (7)**

**اشاره به اینکه «آسمان دنیا» (یعنی نزدیک­ترین آسمان) را به زینت ستارگان آراستیم و آن را «وسیله حفاظت» قرار دادیم حاوی نکته­هائی علمی است که برای آن زمان کاملاً دور از دسترس و دور از ذهن بوده است.**

**بعبارت دیگر «آسمان دنیا» که قابل انطباق با «کره هوا» است و «حافظ بودن» آن امروزه کاملاً روشن است و اگر قدرت بازدارندگی آن نبود هر سنگ آسمانی و هر «جِرم سرگردان»ی که از نزدیکی­های جو زمین عبور می­کرد، برحسب قانون جاذبۀ عمومی نیوتن جذب جرم بزرگتر یعنی زمین گشته و با سرعت فزاینده به زمین سقوط می­کرد.**

**در این صورت اهل زمین در هر ثانیه در معرض «بمباران دائمی» میلیون­ها جرم کوچک و بزرگ موجود در فضای لایتناهی می­گردیدند و به این ترتیب امکان تشکیل حیات در روی این کره در همان آغاز از بین می­رفت.**

**بنابراین یکی از مهمترین عللی که در روی کره زمین حیات پیدایش یافت این است که چتر محافظی دور تا دور کره زمین را گرفته است.**

**با توجه به اینکه مدت علم بشر به همه این مطالب کمتر از دو قرن و نیم است، در می­یابیم که ذکر این نکته در بیش از چهارده قرن پیش یک پیشگوئی مهم و بزرگ و واضح علمی است.**

**سوره ص**

**162 - اينان لشکري شکست خورده هستند و از (نوع همان) احزاب (قبلي و هلاک شده) ميباشند (11)**

**163 - و البته خبرش را پس از چندي خواهيد دانست (88)**

**در این دو آیه دو پیشگوئی واضح شده است که چنانکه دیدیم هر دو نیز بعداً به وقوع پیوسته است. زیرا هم کافران و مکذبان در جنگ­های متعدد شکست خوردند و اردوگاهشان به کلی مضمحل شد (پیشگوئی تحقق­یافته مربوط به آیه 11) و در عین حال کار اسلام هم بالا گرفت و خبرش در همه جا منعکس گردید (پیشگوئی مربوط به آیه 88)**

**در آیه 1 کلمه قرآن را نام برده و چنانکه قبلا استدلال کرده ایم ، این یک پیشگوئی تحقق یافته است .**

164 - در آیات12 تا 14 به اضمحلال اقوام فعال در مخالفت پیامبران سابق اشاره نموده و این پیشگوئیی تلویحی است که ای پیامبر اوضاع به همین صورتی که فعلا هست نمیمانَد.

165 - در آیات 17 تا 26 به آنحضرت توصیه بذل حوصله نموده و باذکر داستان یک پیغمبر که شاه هم بود همان پیشگوئیِ تلویحی فوق را بصورتی متفاوت تکرار نموده است .

166 - در آیات 30 تا 40 به آنحضرت توصیه بذل حوصله نموده و باذکر داستان یک پیغمبر دیگر که شاه هم بود همان وعده تلویحی فوق را بصورتی دیگر تکرار نموده است .

167 - در آیات 41 تا 48 با ذکر یک نمونه عالیِ یک مرد صبور که به پاداشی بزرگ رسید همان وعده تلویحی را به نحوی دیگر تکرار فرموده است .

**168 - در آیه 87 پیشگوئیِ تحقق یافته ای هست مبنی بر اینکه مخاطب های قرآن منحصر در مردم مکه نخواهد ماند .**

**سوره قصص**

**169 - در آیه 5 وعده ای داده که امروز تحقق آن را بسیار بیشتر می بینیم تا 1400 سال قبل .**

170 - در آیات 7 تا 42 در داستان حضرت موسی و ضعف مطلق او و پیروانش و قوت مطلق فرعون و پیروانش و پیروزی او بر فرعون ، تلویحا این پیشگوئی نهفته است که : وضع شما هم به این منوال نمیماند و هنگام پیروزی شما هم میرسد .

171 - در آیات 76 تا 84 نظیره سازیی مطرح نموده که طی آن این پیشگوئیِ تلویحی را دارد که وضع شما بهبود خواهد یافت و دشمن شما از صحنه خارج خواهد گردید .

172 - در آیه 86 با ذکر یک نعمت عظیم که به آنحضرت اِنعام شده ، تلویحا این وعده را دارد که ما همان صاحب نعمتیم و نعمت های دیگری نیز در راه است .

173 - در آیه های 87 و 88 با نهی شدید از کوچکترین سعی برای نزدیک شدن به فعالان مخالفت با آموزه های وحی ، تلویحا این پیشگوئی را دارد که دست تو بالاتر است و لزومی ندارد به آنان کوچکترین امتیازی بدهی .

**سوره نمل**

**174 - در آیه 1 مجموع آنچه که تا زمان نزول این سوره نازل شده را قرآن نامیده و چنانکه قبلا دلیلش را گفته ایم در این یک پیشگوئیِ تحقق یافته هست .**

175 - در آیات 7 تا 14 اشاره به قولی که به یکی از پیامبران سابق داده شده و آن تحقق یافته ، میکند ، و در این ، این وعده تلویحی نهفته هست که در مورد تو نیز همینطور خواهد بود .

176 - در آیات 15 تا 44 داستان دو پیامبر – شاه را نقل و تلویحا میگوید تو را هم میتوانیم موفق کنیم .

177 - در آیات 45 تا 58 داستان دو قوم از اقوام پیشین را نقل میکند که خیلی خیلی بد رفتار بودند و مضمحل شدند و در آن این وعده تلویحی هست که رفتار قوم تو نیز تغییر خواهد کرد .

**178 - در آیه 72 وعده ای مبنی بر تغییر اوضاع فعالانِ مخالفانش وجود دارد.**

**179 - در آیه 76 مجددا کلمه قرآن را بکار برده که گفتیم این یک وعده محقق شده است.**

180 - در آیه 79 به زبانی تلویحیِ نزدیک به صریح به او وعده موفقیت داده است .

**181 - در آیه 92 باز هم کلمه قرآن را ذکر نموده است .**

**182 - در آیه 93 به صراحت وعده ای داده که در هجرت و در روز فتح مکه همگان دیدند .**

**سوره مریم**

183 - در آیات 2 تا 15 الطاف الهی که به یک پیامبر فرعی از شریعت حضرت موسی شده را ذکر نموده و از آن تلویحا این پیشگوئی درک میشود که ای پیامبر تو در نزد ما از آن بزرگوار کمتر نیستی و در مورد تو نیز الطاف ما پی در پی بسویت نازل خواهد شد .

184 - در آیات 16 تا 33 لطف اعجازیِ الهی در مورد یک دختر عابده ذکر شده و از آن بوی این وعده تلویحی الهی استشمام میشود که ای پیامبر تو در نزد ما از او کمتر نیستی و در مورد تو نیز الطاف ما پی در پی بسویت نازل خواهد شد .

185 - در آیات 41 تا 58 الطاف الهی که در مورد 4 پیامبر ذکر شده ، و از آن تلویحا این وعده درک میشود که ای پیامبر تو در نزد ما از آن بوی این وعده تلویحی الهی استشمام میشود که ای پیامبر تو در نزد ما از او کمتر نیستی و در مورد تو نیز الطاف ما پی در پی بسویت نازل خواهد شد .

**186 - در آیه 66 با بکار بردن کلمه انسان این وعده را میدهد که مخاطب های آنحضرت محصور و منحصر در اهالی مکه نیست بلکه مخاطب های او از مکیان تجاوز نموده و کل جهان انسانیت را پوشش خواهد داد ، که البته امروز نسبت به روز نزول این آیات تحقق قسمت بزرگی از این پیشگوئی را می بینیم .**

**سوره یوسف**

187 - قصه یوسف چیست؟برادرانی که بر برادرشان حسد میورزند و تا آنجا پیش می روند که او را بکشند ، تا اینکه یکی شان (که خون پیغمبرزادگی اش به جوش می آید میگوید نه بابا گناه دارد ! چرا بکشیدش؟ توی یک چاهی بیاندازید شاید بعضی ها پیدایش کردند ! ) و خلاصه اینکه برادرشان را تا حد مرگ می آزارند و او سر از جای دیگر در می آورد و – تقریبا – شاه میشود و برادران سابق سر تعظیم و تسلیم خم میکنند که بله حق با تو بود و ما خطاکاریم.

آیا داستان پیامبر ما غیر از این بود؟

کسانی که همه جور او را به خوبی می شناختند بارها کمر به قتل او نبستند؟ به انواع طرق سعی درخاموشی صدایش نکردند؟تا نهایتِ امکاناتشان عرصه را براو و دوستدارانش تنگ نکردند؟

تا اینکه زد و یک طوری شد و او از جایی دیگر سر در آورد و شاه شد و به دار و دیارش برگشت و برادران سابق سر تعظیم و تسلیم فرو آوردند که تو راست میگفتی و ما خطاکاریم .

بله ، داستان های قرآنی (وبطور کلی هر متن قرآنی) آن روزها که داشت نازل میشد به منظور ایجاد سرگرمی نازل نشده ، و امروز هم که قرن ها از نزولش میگذرد ، و فردا که قرن های بیشتری از نزولش گذشته خواهد بود ، خواننده را باید به این فکر بیاندازد که چرا خداوند این مطالب را فرموده؟

منظور خداوند در آن روز های نزول سوره یوسف این بود که به پیامبر – ص - و مسلمانان بگوید کمی دیگر صبر کنید ، شماهم یوسف وار پیروزمندانه به آنها باز خواهید گشت ولی مانند آنان نباشید .

**سوره حجر**

**188 - در آیه 1 از قرآن نام برده که چنانکه قبلا دیده ایم یک وعده تحقق یافته است .**

**189 - در آیه 2 مطلبی را پیشگوئی کرده که چیزی نگذشت که درستی آن معلوم شد .**

**این سوره که در سال پنجم قبل از هجرت نازل شده** (ر.ک. ترتیب وتاریخ نزول سوره ها – از این قلم – درسایت) **در آیه مذکور گفته که عده زیادی از کافران آرزو داشتند که کاش میتوانستند مسلمان شوند . درستی این سخن در فتح مکه معلوم شد که مردم فوج فوج مسلمانان شدند و بدیهی است که حرکت جمعی بدون مقدمه انجام نمی پذیرد و مقدمه اش از نزول این سوره شکل گرفته بوده و ظرف چند سال آنقدر عمیق و وسیع شده که به فوج فوج مسلمان شدنِ جمعی (پس از رفع مانع) منجر شده است .**

**190 - در آیه 9 میفرماید : البته ما خودمان آن پند را فرستاديم و خودمان هم نگهدارش خواهيم بود .**

**تا وقتی که قرآن وجود دارد، هر روزی که بگذرد و قرآن وجود و اعتبار خویش را همچنان داشته باشد، و به آن ادامه دهد، درست در آمدن پیشگوئیِ موجود در آیه فوق نیز، دائماً تازه­تر و تازه­تر می­گردد.**

**این پیشگوئی از نوع پیشگوئی­های کِشدار است و تحقق یافتن آن هنوز هم ادامه دارد.**

191 - در آیات 51 تا 56 الطافی را که به حضرت ابراهیم شده به یاد می آورد با این پیشگوئیِ تلویحی که ای پیامبر برای تو نیز الطاف خودمان را منظور کرده ایم که به وقتش ارائه میکنیم .

191 و 192 - در آیات 57 تا 84 سرگذشت دو قوم از اقوام پیشین را ذکر کرده که اصرار در تکذیب و نافرمانی پیامبرشان سبب اضمحلالشان شد ، و در این یک پیشگوئیِ تلویحی نهفته است که ای پیامبر فعالان مخالفان تو نیز بزودی تغییر رویه خواهند داد یا مضمحل خواهند گردید .

**193 - در آیه 95 میفرماید : که ما البته تو را از شر مسخره کنندگان کفايت ميکنيم .**

**می­دانیم که پیامبر را در ابتدای رسالتش مسخره می­کردند.**

**در بین آنها کسانی بودند که قدرت شعر و خطابه داشتند. و آن روزها هم شعر و خطابه وسیله مهمی بود که صاحبش را در رسیدن به مقصود کمک می­کرد.**

**چنانکه دیدیم پیامبر اکرم(ص) از همه خطراتی که رسالتش را تهدید می­کرد به سلامت گذشت و این هم یکی از آن موارد بود و لذا آیه فوق نیز در عداد پیشگوئی­های تحقق یافته می­باشد.**

194 - در آیه 87 توجه آنحضرت را به این نکته جلب میکند که چه نعمت عظیمی از سوی خداوند دریافت کرده و در این ، وعده ای تلویحی نهفته است که باز هم از الطاف الهی بهرمند خواهد بود .

195 - در بقیه سوره راهکارهای رفتاری و عبادی به آنحضرت ارائه میفرماید که معنی آنها این است که تو را موفق میکنیم .

**196 تا 198 - درآیه 19 میفرماید : و زمين را گسترانديم و در آن لنگرهائي قرار داديم و از هر چيزي موزون در آن رويانديم .**

**در آیه فوق سه پیشگوئی علمی تحقق یافته وجود دارد:**

**1- زمین را کشیدیم.**

**2- در آن لنگرهائی قرار دادیم.**

**3- از هر چیزی موزون در آن رویاندیم.**

**البته باید دانست که منظور از «زمین» (با توجه به مخاطب­های آنروزی این آیه) قسمت «خشکی» زمین بوده است و لذا هر سه این موارد که دو تای اول به علم زمین­شناسی و سومی به زیست­شناسی مربوط می­شود، و امروز جزء بدیهیات است، در آن روزها علم هیچ عالمی به آن­ها نمی­رسیده، و لذا این آیه جزء پیشگوئی­های تحقق یافته بوده و در عداد معجزات قرآنی می­باشد.**

**توضیح اینکه «زمین را کشیدیم» اشاره است به آن قسمتی از عمر زمین که رویه آن کاملاً مذاب بود و در اثر «باران»های طولانی مدتِ آن مرحله، قسمتی از سطح آن که در اثر فعل و انفعالات آتشفشانی، موادی غیر از آب را در بر می­گرفت، کم­کم از حالت مذاب به حالت خمیری مانند در آمده، و در اثر نیروی گریز از مرکز از حالت توده­ای کِش آمده، و مسطح شده، و قسمت خشکی کره زمین را که اصل قاره­ها می­باشد ساخته است.**

**آن قسمتی که می­فرماید «و در آن لنگر­هائی قرار دادیم»، اشاره به کوه­هاست که قسمتی از آنها که در بیرون قرار دارند، نزدیک به یک هفتم قسمتی هستندکه داخل زمین قرار دارند و نقشی شبیه به لنگر را دارند که مانع از جدائی نقاط خشکی از یکدیگر می­شوند و اگر کوه­ها نبودند و پوسته زمین یکنواخت بود، زلزله­ها و گسل­ها آنقدر زیاد می­شد که هیچ تمدنی روی زمین شکل نمی­گرفت.**

**و آن قسمتی که می­فرماید «و از هر چیزی موزون در آن رویاندیم» اشاره به توازن و تعادل کلی در «زنجیره غذائی» است که بحثی است بسیار شیرین و امروز بکلی جا افتاده و روشن است اما در آن روزها کاملاً ناشناخته بود و اساساً متمدن­ترین مردم آن روزها نیز، از این نوع مطالب کاملاً بیگانه بودند.**

**سوره طه**

**199 - در آیه 2 باز هم از کلمه قرآن برای نامگذاری بر مجموع آنچه تا کنون نازل شده ، استفاده نموده که این یک وعده تحقق یافته است .**

200 - در آیات 9 تا 79 به آن قسمت از داستان موسی و فرعون می پردازد که موسی با دست خالی به مصاف بزرگترین تمدن آنروز جهان رفت و پیروز شد و در این یک پیشگوئیِ تلویحی نهفته است که تو نیز موفق خواهی شد .

201 - در آیات 80 تا 99 به آن قسمت از داستان بنی اسرائیل می پردازد که از دست فرعونیان نجات یافتند اما بد رفتاری پیشه کردند و در این تلویحا این پیشگوئی نهفته است که بزودی نجات خواهید یافت .

**202 و 203 - در آیه های 113 و 114 دو پیشگوئی تحقق یافته هست :**

**1 – اسم قرآن را آورده و این یک وعده تحقق یافته است ، که یعنی تو اینقدر در رسالت میمانی که نزول قرآن تکمیل شود .**

**2 – در باره ادامه رسالتش به او نوید داده که اضطراب نداشته باش و طمانینه پیشه کن و تقاضای رشد نفسانی کن .**

204 - در آیات 129 تا 134 وعده ای تلویحی نهفته است که حوصله کن و چنین عبادت کن و . . .

**205 - در آیه 135 میفرماید : بگو همگي منتظرند، شما هم منتظر باشيد پس بزودي خوهيد دانست که اهل جاده درست چه کساني هستند و هدايـت يافته کيست .**

**در آیه فوق جمله «پس بزودی خواهید دانست ...» از جمله وعده­های تحقق یافته می­باشد.**

**سوره انعام**

**206 - البته چيزي که تکذيب کردند حقي بود که بسويشان آمده بود پس بزودي خبر آنچه را که استهزايش ميکردند خواهند شنيد(5)**

**در آیه فوق به وضوح خبر از پیروزی «قریب­الوقوع» مسلمانان می­دهد. چنانکه می­دانیم این پیروزی، «بزودی» بوقوع پیوست زیرا سوره انعام در زمانی نزدیک به هجرت نازل شد و لذا این آیه در عداد پیشگوئی های تحقق یافته قرآنی قرار دارد.**

**207 - در آیه 19 به عنوان مجموع نزولات وحی تا زمان نزول این سوره از کلمه قرآن استفاده نموده که چنانکه دیدیم این یک پیشگوئیِ تحقق یافته است.**

208 - در آیات 33 تا 26 به او میگوید آنها تو را تکذیب نمیکنند و در حقیقت آیات الهی را تکذیب میکنند و به نتیجه کار پیامبران سابق بنگر که بر این موضوع صبر کردند و نهایتا هم پیروز میدان بودند ، در این نیز یک وعده تلویحی دایر بر موفقیت آنحضرت وجود دارد .

209 و 210 - در آیات 74 تا 90 دو وعده تلویحی وجود دارد :

1 – داستان ابراهیم که سرانجام پیروز میدان همو بود ، با این وعده تلویحی که سرانجام تو نیز چنین خواهد بود .

2 – الطاف غلیظی که ابراهیم از سوی خداوند دریافت کرد ، با این وعده تلویحی که ذریه تو نیز مانند ابراهیم ذریه طیبه خواهد بود .

211 - در آیه 108 یک رفتار استراتژیک به مسلمانان می آموزد و چنین رفتاری متعلق به کسانی است که موضوع را بلند مدت می بینند و در این این وعده تلویحی نهفته است که شما برقرار خواهید بود .

**212 - در آیه های 116 و 117 که آنحضرت را از امتیاز دادن به خصم منع میکند پیشگوئیِ موفقیت آنحضرت نهفته است .**

**213 - در آیه 135 که میگوید «هر کاری که از دستتان بر می آید انجام دهید» پیشگوئیِ تحقق یافته ای هست که دیدیم آنها نتوانستند مانع استقرار گفتمان آنحضرت شوند .**

**214 - در آیه 125 میفرماید : اگر خداوند بخواهد كسي را هدايت کند سينه اش را براي (پذيرش) اسلام باز مي کند و اگر بخواهد گمراه کند سينه اش را تنگ و سخت مي کند گوئي که دارد به آسمان صعود مي کند. خداوند به اين روش عذاب را بر كساني كه ايمان نمي آورند بر مي گمارد.**

**مطلبی که در آیه فوق در رابطه با «تنگی نفس در ارتفاعات» آمده، با توجه به تاریخ نزول قرآن و نوع مخاطب­های آن روزی و اینکه کوهنوردی و صعود به ارتفاعات به هیچ روی با آن میزان علم آن مخاطب­ها سنخیتی نداشته یکی از معجزات علمی قرآنی است.**

**زیرا در آن زمان بالن و هواپیما اختراع نشده بود و تا صد و پنجاه سال پیش نیز کسی به قله اورست صعود نکرده بود تا کسی بتواند با این صراحت نفس تنگی حاصل از صعود را که در نتیجه کاهش تراکم اکسیژن در طبقات بالاتر جوی است مطرح کند.**

**سوره اعراف**

**215 - در آیات 26 تا 136 که با تاکید و تکرار کلمه «بنی آدم» را بکار برده دارد میگوید مخاطبانت منحصر به این اهالی مکه نخواهد ماند بلکه تمام انسانها را متوجه خویش خواهد نمود .**

216 - در آیات 59 تا 64 با ذکر داستان قوم نوح که آنحضرت و پیروانش نجات و فعالان مخالفانش اضمحلال یافتند ، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد .

217 - در آیات 65 تا 72 با ذکر داستان قوم عاد که پیامبرشان و پیروانش نجات و فعالان مخالفانش اضمحلال یافتند ، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد .

218 - در آیات 73 تا 79 با ذکر داستان قوم ثمود که پیامبرشان و پیروانش نجات و فعالان مخالفانش اضمحلال یافتند ، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد .

219 - در آیات 80 تا 84 با ذکر داستان قوم لوط که پیامبرشان و پیروانش نجات و فعالان مخالفانش اضمحلال یافتند ، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد .

220 - در آیات 85 تا 93 با ذکر داستان قوم شعیب که آنحضرت و پیروانش نجات و فعالان مخالفانش اضمحلال یافتند ، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد .

221 - در آیات 103 تا 137 با ذکر داستان موسی و فرعون که آنحضرت و پیروانش نجات و فرعون و فرعونیان اضمحلال یافتند ، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد.

222 - در آیات 138 تا 162 که به داستان بنی اسرائیل پس از نجاتشان می پردازد و بدرفتاریهایشان را نکوهش میکند تلویحا دارد به مسلمانان وعده نجات میدهد وبه آنان هشدار میدهد مبادا شماهم پس از نجات مانند آنان کنید .

223 - در آیات 163 تا 171 با نکوهش عده ای از بنی اسرائیل که از ترفند «کلاه شرعی» استفاده کرده بودند تلویحا دارد به مسلمانان وعده نجات میدهد و ضمنا آنها را از ارتکاب «کلاه شرعی» برحذر میدارد .

224 - در آیات 175 تا 179 با نکوهش رفتار آن عالِم بنی اسرائیلی تلویحا دارد به مسلمانان وعده نجات میدهد و ضمنا علماءآنها را از ارتکاب «دین فروشی» برحذر میدارد .

225 - در آیات 199 تا 206 که آنحضرت را به ندید گرفتن رفتارهای فعالان مخالف و صبر و در پیش گرفتن رفتارهای عبادی خاص توصیه میکند این وعده مستتر است که این اوضاع و احوال تو و پیروانت در جهت مطلوب تان تغییر خواهد کرد .

**سوره کهف**

**225 - در آیه 1 که فرموده هیچ اعوجاجی در قرآن نیست ، یک پیشگوئی است که بیش از 14 قرن است درستی آن پذیرفته شده است.**

226 - در آیه 6 که آنحضرت را از درگیر شدن بیش از حد با موضوع رسالتش منع میکند این پیشگوئی نهفته است که تو فقط پیام را برسان و تاثیرش را به ما واگذار و در بطن این توصیه وعده موفقیت آنحضرت نهفته است .

227 - در آیات 9 تا 26 با ذکر داستان اصحاب کهف تلویحا به آنحضرت و پیروانش میگوید که خداوند کار خویش را پیش می برد ولو اینکه شما نتوانید کار خاصی کنید و در این مطلب وعده پیروزی جبهه آنحضرت و پیروانش نهفته است .

228 - در آیه 28 که حاوی توصیه صبر و توجه بیشتر به اعضاء جبهه خودی است این پیام نهفته است که این ایام به پایان خواهد رسید و تو و پیروانت موفق خواهید شد .

229 - در آیات 83 تا 102 داستان مرد مومنی را که حتی پیغمبر هم نبود ، ذکر میکند که چگونه به اوج قدرت و ثروت رسید و آندو را در راه صحیح مورد استفاده قرار داد ، و این داستان وعده ای تلویحی است که ای مسلمانان وضع شما هم از حالت موجود به حالت مطلوب تغییر خواهد کرد .

**230 - در آیه 25 میفرماید : در غارشان سيصد سال ماندند و نُه سال بر آن افزودند.**

**تفاوت بین سال­های شمسی و قمری در هر 300 سال 9 سال است. یعنی هر 300 سال شمسی 309 سال قمری است.**

**تهیه تقویم دقیق به حدی از درجات علمی نیاز دارد که جهان تا قبل از «عمر خیام نیشابوری» فیلسوف و ریاضیدان دوره سلجوقی و پیدایش تقویم جلالی به آن نرسیده بود و لذا ذکر چنین مطلبی نوعی پیشگوئی علمی است که بیش از 400 سال در انتظار ماند تا تحقق یابد. و لذا از معجزات علمی قرآنی است.**

ضمناً برای تنوع، این چند سطر ذیل را از ویل دورانت داشته باشید: «گاه شماری آتن حاکی از آن است که این مردم در علم نجوم چندان پیشرفتی نداشتند. در بین یونانیان یک تقویم عمومی و مشترک موجود نبود» (نقل از صفحه 80 یونان باستان از مجموعه تاریخ تمدن ویل دورانت)

**231 - در آیه 18 میفرماید : و آنها را بيدار مي پنداشتي در حاليکه خوابيده بودند و ما آنها را به راست و چپ ميگردانديم و سگشان دو دست خود را بر آستانه (غار) گشوده. اگر بر آنان درمي آمدي بحالت فرار روي ميگرداندي و از آنها پر از ترس ميشدي.**

**نکته­ای که در این قسمت از آیه است یک نکته علمی پزشکی در حوزه پرستاری است. و اگر اینطور نبود که آنها به چپ و راست گردانده شوند، ماندن آنها بمدت طولانی در یک حالت ثابت سبب پوسیدگی و فساد قسمت­هائی از بدن آنها می­گشت. (موضوعی که به «زخم بستر» معروف است)**

**این موضوع نیز از آندسته موضوعاتی است که جزء کشفیات دویست و پنجاه سال اخیر است و برای آن روزها کاملاً ناشناخته بوده و لذا جزء پیشگوئی­های تحقق­یافته علمی است.**

**سوره فرقان**

**231 - در آیه 1 که مخاطب های قرآن را منحصر به مکه ای ها ندانسته، حاوی یک پیشگوئی محقق شده است .**

**232 - در آیه 30 برای مجموع نزول وحی تا زمان نزول این سوره کلمه قرآن را بکار برده که در این یک پیشگوئی محقق شده است .**

**233 - همچنین است در مورد آیه 32**

**234 - در آیه 33 میفرماید : برای تو مثلی نمیزنند (مانند همان شاعر و کاهن و مجنون و مفتری و امثال آن که راجع به آنحضرت میگفتند) مگر اینکه ما در باره تو حق و تفسیر بهتر (مانند پیامبر آخر الزمان و خاتم الانبیاء و گل سر سبد آفرینش و فخر بشر و امثال آن** که آنچه خداوند گفتهحق است و آنچه بشر گفته تفسیر است**) می آوریم که این یک وعده تحقق یافته است .**

235 - در آیات 35 تا 40 عاقبت برخی اقوام هلاک شده پیشین را آورده ، و در این ، پیشگوئیِ تلویحی موفقیت آنحضرت مستتر است .

236 - در آیه 52 که آنحضرت را از هرگونه کوتاه آمدن در مقابل کافران منع کرده ، و برعکس، توصیه به «جهادا کبیرا» فرموده ، پیشگوئیی در آن مستتر است که موفق خواهی شد.

237 - در آیات 63 تا 77 چِک لیستی آورده که دارندگان آن صفات ، کیفیت انسانی بالا و والائی دارند و خود درج این چک لیست نوعی پیشگوئی است که در حال تحقق دائمی است .

**سوره سجده**

**238 - در آیه 21 عذابی را به فعالان کفر وعده داده که قبل از «بزرگترین عذاب» (آخرت) بر سرشان خواهد آمد ، و چنانکه دیدیم در (جنگ بدر و فتح مکه) عذابِ شکست مفتضحانه را تجربه کردند .**

239 - در آیات 23 تا 25 با اشاره به پیروزی موسی بر فرعون تلویحا پیشگوئیی نموده که تحقق یافت .

240 - در آیه 26 با اشاره به اقوام پیشین که در مقابل پیامبرانشان چنان رفتارهایی پیشه کرده بودند تلویحا پیشگوئیی نموده که دیدیم تحقق یافت .

241 - در آیه 30 که به آنحضرت توصیه میکند به آنها اهمیتی نده ، تلویحا وعده ای داده که موفق خواهی شد .

**سوره زمر**

**242 - در آیه 8 با نام بردن از انسان ، این وعده تلویحی را دارد که مخاطبان قرآن محصور و منحصر در مکه ای ها نخواهد ماند .**

**243 - در آیه 28 قرآن را بدون اعوجاج معرفی نموده و این موضوع در این بیش از 14 قرن معارضی نداشته است .**

244 - در آیه 36 تلویحا میفرماید که آنها نخواهند توانست آسیبی به تو بزنند که همینطور هم شد .

**245 - در آیه 49 کلمه انسان را ذکر کرده و چنانکه قبلا دیدیم در این موضوع یک پیشگوئیِ محقق شده هست .**

246 - در آیه های 64 تا 66 اگر دقت شود تندیی بکار رفته که فقط از کسانی بر می آید که از موضع خویش مطمئن میباشند و تلویحا پیشگوئیِ موفقیت آنحضرت را میکند .

**سوره لقمان**

**247 - در آیه 14 از کلمه انسان استفاده نموده و در این وعده ای است که مخاطبان قرآن محصور و منحصر در مکه ای ها نخواهد ماند .**

**248 - در آیه 10 میفرماید : آسمانها را بدون ستونهائي که ببينيدشان آفريد و در زمين لنگرهائي انداخت تا مبادا شما را بلرزاند و از هر گونه جنبندگان در آن گسترد و از آسماني آبي فرستاديم و در آن از هر گونه روئیدنیِ باارزشي رويانديم .**

**آیه فوق که به «ستون­های نامرئی آسمان­ها» اشاره می­کند یک پیشگوئی علمی است و همچنین «لنگرهای زمینی» نیز .**

**در آیه فوق بطور وضوح برای آسمان­ها ستون­هایی را فرض نموده اما فرموده شما آن را نمی­بینید. که این سخن حتی امروز هم در کمال درستی است. هنگام نزول این آیه، نه تنها علم اعراب بلکه علم متمدن­ترین نقاط آن روز زمین نیز به حدی نبود که بتوانند چنین سخنی را درک کنند و هنوز بیش از هزار سال به بیان نظریه جاذبه عمومی نیوتن مانده بود.**

**سوره عنکبوت**

**249 - در آیه 8 کلمه انسان را ذکر کرده و چنانکه قبلا دیدیم در این موضوع یک پیشگوئی تحقق یافته نهفته است .**

**250 - در آیه 11 با ذکر کلمه منافقین بطور روشن وعده پیروزی داده ، و این اولین بار است که این کلمه در قرآن استفاده میشود و معنی آن این است که در تاریخ نزول این سوره (که سال دومِ قبل از هجرت باشد) عده ای بدون اینکه معتقد به پیامهای آنحضرت باشند به او گرویدند ، و این به این علت بود که آنها در این نهضت «آینده»ای میدیدند و برای خویش از نمد این آینده کلاهی میخواستند . و چنین نیز شد .**

251 - در در آیه های 14 و 15 با ذکر داستان نوح و غالب شدن او بر خصم و اضمحلال خصم تلویحا وعده میدهد که ای پیامبر تو موفق خواهی شد .

252 - در آیه های 16 و 17 با ذکر موفق شدن ابراهیم تلویحا به آنحضرت وعده موفقیت میدهد .

253 - در آیات 26 تا 35 باذکر داستان لوط و قومش و موفقیت او و اضمحلال جبهه مخالفش تلویحا این وعده را میدهد که تو موفق و مخالفانت شکست خورده خواهند بود .

254 - در آیه های 36 و 37 همین پیشگوئی تلویحی را با اشاره به داستان شعیب و قومش داریم .

255 - در آیه 38 شبیه به همین را با اشاره به عاد و ثمود دارد .

256 - و در آیه های 38 و 39 در باره فرعونیان .

**257 - در آیه 69 با بیانی روشن پیشگوئی موفقیت آنحضرت را کرده است .**

**سوره نحل**

258 - در آیه 36 با اشاره به اقوام مکذب پیشین و اضمحلال آنها به آنحضرت وعده رفع مشکل داده است .

**259 - در آیه 37 به آنحضرت در چارچوب «مالهم من ناصرین» وعده ای داده و دیدیم که محقق شده است .**

**260 - در آیه 41 توصیه ای به مهاجرت شده ، و دیدیم مهاجرتی با توفیق زیاد به وقوع پیوست .**

261 - در آیه 90 با نزول مهم ترین قانون اساسی اجتماعات بشری تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را داده است .

**262 - در آیه 98 با ذکر کلمه قرآن وعده داده که تعالیم وحی تا تکمیل آن ادامه خواهد یافت .**

263 - در آیه 106 تاکتیک تقیه را به مسلمانانِ تحت فشار مباح اعلام کرده و در این نکته ای است که از آن وعده تلویحی موفقیت مستفاد میشود .

**264 - در آیه 110 قول بهروزی و موفقیت به مسلمانان مهاجر داده و چنانکه میدانیم به این وعده عمل شده است .**

265 - در آیات 120 تا 122 با تجلیل از ابراهیم و ذکر موفقیت هایش تلویحا قول موفقیت به آنحضرت نیز داده است .

266 - در آیه های 123 و 125 او را بر دین ابراهیم ذکر کرده و به او نشان داده که تاکیدش در دعوتش بر چه باشد ، و در این وعده ای نهفته است .

**267 - در آیه 126 به مسلمانی که هجرت کنند اجازه مقابله به مثل در عوض تعرضات احتمالیِ خصم را داده ، و در این ، این پیشگوئیِ تحقق یافته هست که شما هجرت خواهید کرد و مورد پیگیری و تعرض قرار خواهید گرفت اما آنقدر قوی خواهید بود که مقابله به مثل کنید .**

**268 - در آیات 127 و 128 ضمن دلداری به آنحضرت و اینکه به پشتیبانی الهی وعده اش داده ، وعده موفقیت به او – با توجه به اتفاقات بعدی که همه در باره آن میدانند - روشن است .**

**سوره روم**

**269 – در آیات 2 تا 4 میفرماید : روم مغلوب شد (2) در نزديک ترين سرزمين. و همانها پس از شکستشان بزودي غالب ميشوند (3) ظرف سالهائي اندک. زمام امور چه قبل (از آن) وچه بعد (از آن) بدست خداست. و مومنان در آنروز شاد ميشوند (4)**

**امپراطوری روم شرقی، بیزانس، که مرکز آن همان استانبول فعلی بوده ، شکست خورده بود و مسلمانان نسبت به سرنوشت آن کشور که هر چه باشد پادشاه آن مسیحی بوده، علاقمندتر بوده­اند (تا طرف مقابل که به نظر آنها مشرک بوده) و این شکست روحیه مسلمانان را پائین آورده بود. در قرآن در این آیه ها خبر از پیروزی قریب­الوقوع رومیان «فی بضع سنین» (یعنی در کمتر از ده سال) داده شده است. و ما برای واقع شدن این پیروزی و درست در آمدن این وعده، علاوه بر دلایل تاریخی، همین یک دلیل عقلی برایمان بس است که اگر اینطور نشده بود، امروز صدای خنده و مسخره کفار و منافقان و ملحدان حتی از پس این چهارده و اندی قرن، گوش­مان را پاره می­کرد.**

**هم مسلمانان برای تحقق این وعده الهی روزشماری می­کردند و هم کفار و منافقین حساس بودند که اگر این وعده عملی نشود خوب دستاویزی برای آنها پیدا می­شود تا اساس اسلام را مورد تخریب قرار دهند.**

**اما در سال نهم پس از نزول این آیه، این پیروزی محقق گشت. و کفار و منافقین یکبار دیگر سرخورده گردیدند.**

**پیش­بینی به این روشنی، آنهم با ذکر مدت، آنهم درباره چیزی که مسلمین هیچ اثر و نقشی در تحقق آن نداشتند، غیر از آنکه به مبدأ امر نسبت داده شود راه عقلی دیگری ندارد.**

270 - در آیه 47 عاقبت اقوام پیشین را که بر کفر و تکذیب اصرار میورزیدند ذکر کرده و تلویحا پیشگوئیِ رفع شرک و کفر و موفقیت آنحضرت را نموده است .

271 - در آیه های 52 و 53 به آنحضرت دلداری میدهد که تو پیامت را برسان و به تاثیرش کاری نداشته باش و به این ترتیب تلویحا وعده میدهد که موفق خواهی شد .

**272 - در آیه 58 از کلمه قرآن برای مجموع نزولات وحی تا این زمان استفاده میکند و در این یک وعده محقق هست زیرا هنوز خیلی (بیش از ده سال ، که پایان عمر شریفش باشد) مانده که نزول قرآن پایان پذیرد .**

273 - در آیه 60 به آنحضرت توصیه صبر نموده و در این یک وعده مستتر است که موفق خواهی شد .

**274 - در آیه 41 میفرماید : در خشکي ودريا، به سبب آنچه که مردم انجام داده اند، فساد پيدا شده، تا سزاي قسمتي از آنچه را که انجام داده اند به آنان بچشانيم، شايد باز گردند.(41)**

**این آیه بیش از هزار و چهارصد سال است که در قرآن وجود دارد اما امروز با توجه به بحث­های زیست­محیطی که از پنجاه سال اخیر به این طرف کم­کم مطرح شده و اینک به اوج جلب توجه­کنندگی خویش رسیده، گوئی آیه فوق دارد بهتر فهمیده می­شود.**

**برای این نگارنده خیلی جالب است بداند قدماً از این آیه چه می­فهمیده­اند.**

**راجع به «فساد»ی که در قسمت مربوط به «زمین» پیدا شده، می­توان خیلی توجیهات مختلف، مثلاً ظلم­ها، جنایت­ها و غیره، ابراز نمود اما در قسمت مربوط به «دریا» چطور؟**

**حداکثر قدمت این مشکلات زیست­محیطی که در دریاها پیش آمده، شصت سال هم نمی­شود. لذا این آیه حتی تا صد سال قبل هم مفهوم نبود.**

**این همه سفرنامه­های مختلف از ابن­بطوطه و ناصر خسرو و مارکوپولو گرفته تا جهانگردان قرون جدید و پس از آنها کاشفین قرون حاضر مانند ماژلان و کاپتان کوک و دیگران، هیچکدامشان درباره «فسادی که در دریاها ظاهر شده» کوچکترین صحبتی نکرده­اند. با توجه به آلودگی زیست­محیطی که در قرن بیستم در دریاها پیدایش یافت که از نشتِ نفتِ نفتکش­ها، و ریزش آبهای رودخانه­هائی که فاضلاب­های صنعتی قبلاً در آنها ریخته می­شود، حادث می­گردد کم­کم عبارت «و دریا»ی آیه فوق نیز مفهوم شد.**

**لذا آیه فوق از لحاظ اشاره به «فساد در دریا» کاملاً نو، و کاملاً «امروزی»، و در عداد پیشگوئی­های تحقق یافته علمی است.**

**سوره رعد**

275 - در آیه های 6 و 7 معجزه خواهی بیجای آنها را مورد نکوهش قرار میدهد و در این نوع کلام نوعی وزانت و اطمینان نهفته است با القاء این نکته که موضع تو صحیح است و اهمیتی به بهانه جوئی های آنان مده و تلویحا پیشگوئیِ موفقیت آنحضرت را در خویش دارد .

**276 - در آیه 17 ضمن مثالی که زده ، تصدیق صدق دعوی آنحضرت را به گذشت زمان موکول کرده که دیدیم درست در آمد .**

277 - در آیه 27 نیز کلامی آورده که شبیه چیزی است که در مورد آیه های 6 و 7 گفتیم.

**278 - در آیه 31 که میگوید خداوند وعده اش را به تحقق میرساند ، وعده های سابق خویش را مورد تاکید قرار میدهد و این نیز وعده تحقق یافته دیگری است به آن حضرت که تو را موفق میکنیم .**

**279 - در آیه 37 آنحضرت را از اینکه کوچکترین نرمشی (در مطالب اعتقادی) در مقابل آنان نشان دهد برحذر میدارد و در این نیز وعده ای دال بر موفقیت آنحضرت در آینده است .**

**280 - در آیه 43 به تحدی می پردازد که اگر در تعالیم این پیامبر شک دارید غیر از خداوند به «کتابِ آسمانی شناس»ها مراجعه کنید ، و در این نوع محاجّه تایید آنحضرت و وعده تلویحی دال بر موفقیت آنحضرت نهفته است.**

**281 - در آیه 2 میفرماید : آسمانها را بدون ستونهائی که ببینید برپا کرد .**

**شرح مختصری از شبیه به این آیه را در ذیل آیه 10 سوره لقمان عرض کردیم.**

**سوره ملک**

**282 - در آیه 3 میفرماید : همو که هفت آسمان را طبقه بر طبقه آفريد. در آفرينش خداي رحمان تفاوتي نمي بيني. چشم بگردان و ببين آيا هيچ ضعف و اختلافي ميبيني؟**

**امروز این موضوع ثابت شده است و از لحاظ متخصصان مربوط واضح است که اجرام آسمانی یعنی ستارگان و سیارات خارج از این مجموعه شمسی نیز از همین عناصری بوجود آمده­اند که ما آنها را می­شناسیم یعنی اینکه همه ستارگان و سیارات و کهکشان­ها از همین عناصر مطرح در جدول مندلیف ساخته شده­اند. و موضوعی که در این آیه مطرح شده اصلاً حتی در حد عالی­ترین جوامع علمی پانزده قرن پیش نبوده و کاملاً «امروزی» است.**

**283 - در آیه 5 میفرماید : البته آسمان دنيا را با چراغ هائي آراستيم و آنها را مايه رماندن شياطين قرار داديم و نيز برايشان عذاب آتش مهيا کرديم.**

**284 - در آیه ستارگان را «چراغ» نامیده که تعبیری است که امروز بهتر فهمیده می­شود زیرا چنانکه می­دانیم ستارگانی که از زمین دیده می­شوند هر کدامشان شبیه خورشید هستند یعنی از خودشان نور و حرارت تولید می­کنند و مانند ماه نیستند که نور را از جسم دیگری گرفته باشند. و ذکر این تعبیر که از لحاظ علوم امروز صد در صد پذیرفته است، در آن روزها یک پیشگوئیِ علمیِ واضح است .**

**سوره حجّ**

قسمتی از این سوره به شهادت محتوایش در قبل از هجرت و بقیه اش در بعد از هجرت نازل شده است .

مسلمانانی که هجرت کرده بودند از لحاظ سران مشرکان مکه ای ، حکم فراری را داشتند و اگر به دست آنها می افتادند دستگیر و آزار میشدند . یکی از آرزوهای ثابت همه مسلمانان و بخصوص عرب های مسلمان شدهء آن روزها بجا آوردن حج بود .

**285 - در آیات 26 تا 37 با شرح و تفصیلی که در مورد احکام حج داده در حقیقت یک پیشگوئی واضح نموده که شما به حج خواهید رفت و این مناسک را انجام خواهید داد.**

**286 تا 288 - در آیات 38 تا 41 به واضح ترین شکلی این موارد را پیشگوئی نموده :**

**1 – پیروزی مسلمانانِ مهاجر**

**2 – حق طلبانه بودنِ دعوا و جنگ شان که منجر به پیروزی مذکور خواهدشد**

**3 – موثر بودنِ مبارزات مذکور در جهت حفظ ایده آل های اصلی**

289 - در آیات 42 تا 45 با نمونه آوردن اقوام پیشین و عاقبت رفتار اصراریِ تکذیبیِ آنها پیشگوئیِ تلویحیِ موفقیت آنحضرت را نموده است .

**سوره بقره**

**290 - در آیه 23 میفرماید : و اگر درباره آنچه بر بنده مان نازل کرديم شکي داريد، سوره اي مانند آن بياوريد، و غير از خداوند گواهانتان را دعوت کنيد اگر راستگو ميباشيد .**

آیه­ فوق ما را به این حقیقت منتقل می­کند:

دشمنان اسلام اعم از داخلی و خارجی، در این بیش از 1400 سال که به انواع و اقسام توطئه­ها و خیانت­ها و جنایت­ها دست زدند و جنگ­های بزرگ به راه انداختند و چه و چه که نکردند، علیرغم آن همه سرمایه­های نظامی و اقتصادی از اجابت این خواسته که به نظر ساده می­آید سر باز زدند. در حالیکه ظاهراً ساختن یک سوره کوچک به نظر چندان مشکل نمی­آید. در این بیش از 1400 سال، این مبارزطلبی که همواره وجود داشته پاسخی نیافته است و هر روز که می­گذرد، کتاب قطور این پیشگوئی تحقق یافته قطورتر می­گردد.

اتحاد شوروی در طول 75 سال سلطه سنگین و سیاه خود که طی آن هزاران مسجد را ویران کرده و صد­ها نفر از علماء و فعالان اسلامی را کشت، با آنهمه قدرت علمی و دانشگاهی و تحقیقی که در اختیار داشت، اگر ساختن سوره­ای مانند یکی از سوره­های قرآن ممکن و عملی بود از آن چشم می­پوشید؟

اسرائیل (و به دنبال آن آمریکا) که علاوه بر تجاوز به اراضی مسلمین و اجرای نقش پلید کنترل شاهرگ حیاتی خاورمیانه (یعنی نفت) به نفع استکبار و به ضرر مردم مسلمان و هدایت پول­های منطقه به جیب اسلحه­فروشان امریکا و اروپا، دائماً با مسلمین درگیر است و خودش هم دچار مشکلاتی جدی است، آیا با استفاده از ظرفیت علمی علماء یهود که در کل دانشگاه­های جهان هستند، در صورتیکه بتوانند سوره­ای مانند یکی از سوره­های قرآن بسازند و باین ترتیب ریشه اسلام را بزنند و هویت مسلمانان را سست کنند، آیا ذره­ای از این کار که ارزش آن از کل زرادخانه­های عالم هم بیشتر است چشم می­پوشند؟ علت اینکه آنها نکردند و اینها نیز نمی­کنند   
این است که آنها نتوانستند و اینها نیز نمی­توانند.

در هر حال این مبارز­طلبی هنوز هم وجود دارد و این میدان هنوز هم باز است و هر روز که بگذرد و این مبارزطلبی بی­پاسخ بماند، دلیل تازه­ای است بر حقانیت صاحب این دعوت و نیز صحت محتوای آن. این مورد نیز از نوع پیشگوئی­های کِشدار است که سنگین­ترین نوع آن می­باشد.

**291 - در آیه های 144 و 145 میفرماید : البته ما روچرخاندنت را در آسمان ميديديم. پس تو را بسوي قبله اي که دوست ميداري برميگردانيم.پس روي خويش را بطرف مسجدالحرام کن و هر جا که بوديد روي خويش را به همان طرف کنيد و البته اهل کتاب ميدانند که آن حق،و از جانب پروردگارشان است و خداوند از آنچه ميکنند غافل نيست (144) و اگر همه معجزات را هم براي اهل کتاب مي آوردي از قبله تو پيروي نميکردند، و تو هم از قبله آنها پيروي نميکردي، و بعضي از آنها هم تابع قبله بعض ديگر نميشدند. و اگر پس از علمي که بسويت آمده، از خواسته هاي آنها پيروي کني البته از ظالمان خواهي بود (145)**

موضوع تغییر قبله که در آیات 144 تا 150 آمده، یکی از آن آیات واضح الهی است که تا همین صد سال پیش نیز از نظر ریاضی­دانان و محاسبان کاملاً مفهوم نشده بود. بطور خلاصه موضوع این است که در وسط یکی از نمازها پیامبر(ص) از آن جهتی که داشت نماز می­خواند منحرف شد و تقریباً نیم دور کامل چرخید. آن حضرت پس از پایان نماز جهت جدید را بعنوان جهت قبله اعلام و توضیح داد که این تغییر جهت بر مبنای وحی و توسط جبرئیل صورت گرفته است.

این جهت تثبیت شد و آن مسجد الان بعنوان مسجد قبلتین (مسجد دو قبله­ای) معروف است.

چیزی که حائز اهمیت است این است که پیامبر(ص) در آن روز یعنی بیش از 1400 سال قبل، چگونه فهمید که آن جهتی را که انتخاب کرده رو به کعبه است؟

مدینه با مکه حدود 180 کیلومتر فاصله دارد و بین آن­ها کوه­ها و تپه­هاست و راه مسافرتی بین آن دو نیز جاده اتوبانی مستقیم مهندسی نبود بلکه راهی بود مالرو و پر پیچ و خم که جهت­یابی را غیرممکن می­کرد.

امروز که امکانات نقشه­برداری هوائی و ماهواره­ای فراهم شده است، دیگر معلوم است که قبله مسجد قبلتین صحیح است و امتداد قبله­اش واقعاً از کعبه می­گذرد. اما حتی صد سال قبل نیز این امر اثبات نشده بود و ریاضی­دانان و محاسبان، پس از محاسبه با روش­های خویش مقدار قابل توجهی انحراف می­دیدند که آن را این طور توجیه می­کردند که چون موضوع وحی در کار است ما با قلب خویش قبول می­کنیم که خط صحیح همان است اما از لحاظ ریاضیات و روش­های محاسباتی که با آن کار می­کنیم چاره­ای نداریم جز اینکه بگوئیم این خط از کعبه نمی­گذرد.

تا اینکه حدود 70 سال قبل یک ریاضی­دان ایرانی بنام سردار کابلی با محاسبات مفصل ثابت کرد که خط قبله مسجد قبلتین صحیح است و از کعبه می­گذرد.

این موضوع در آن روزها پوشش خبری وسیعی یافت و شاه سعودی نیز جایزه نفیسی به آن مرحوم داد که موضوع در مطبوعات آن روزها منعکس است.

اینک صرفنظر از همه این مطالب چند واقعیت در پیش روی خویش داریم:

1- مسجد قبلتین و خط قبله آن، امروز موجود است.

2- این خط قبله درست همان خطی است که پیامبر(ص) روی آن نماز خواند و اعلام نمود این جهت، جهت کعبه است. زیرا مردم از لحاظ شدت اهمیتی که به نماز و نیز به آثار پیامبر می­دادند، این جهت را با دقت حفظ کردند و لذا بطور قطع این جهت فعلی، همان جهتی است که پیامبر(ص) نشان داده بود و مساجد بسیار زیادی در همان جهت بر پا شد و قبله­گذاری گردید.

3- بطور قطع می­دانیم که میزان اطلاع مردم آن روزها از ریاضیات و دسترسی آنان به وسائل مهندسی در مقایسه با امروز در حد بسیار ابتدائی بود.

4- با آن مقدار اطلاعات ریاضی و وسایل مهندسی حتی در متمدن­ترین نقطه کره زمین نیز کسی نمی­توانست از مدینه خطی بکشد و بگوید این از کعبه می­گذرد.

5- امروز با عکس­های هوائی و ماهواره­ای معلوم شده که آن خط صد در صد درست است.

نتیجه­ای که از مجموع این واقعیت­ها گرفته می­شود این است که این نیز یکی دیگر از پیشگوئی­های علمی تحقق یافته واضح قرآنی است.

برای اینکه یک تصوری از عظمت مطلب داشته باشید، توجه شما را به وضعیت علوم و امکانات اندازه­گیری و نقشه­کشی و محاسبات و نقشه­برداری چهارصد سال پس از این واقعه جلب می­کنیم.

تصویری را که ملاحظه می­فرمائید، مربوط است به نقشه جغرافیائی زمین که در سال 420 هجری کشیده شده و شما از روی آن حدس بزنید که در هنگام نزول آیات قبله (یعنی 420 سال قبل از پیدایش این نقشه) وضعیت علوم و امکانات نقشه­کشی و نقشه­برداری در کل جهان در چه حدودی بوده! و چگونه امکان دارد، با این مقدار اطلاع از علوم و فنون، آدمی یک جهت­گیری بکند که فقط پس از 1400 سال بعد که علوم و فنون و ابزارهای مهندسی پیشرفت کرد درستی آن ثابت شود و بعدها که تکنولوژی ماهواره­ای هم پیدایش یافت، مجدداً تایید شود؟

جز وحی، و وصل بودن به یک منبع علمی غیر از منابع عادی بشری این جهتگیری عالی، چه توجیه دیگری می­تواند داشته باشد؟

****

**شکل (1): نقشه دریاها آن گونه که در کتاب التفهیم بیرونی (تألیف 420) آمده است.**

**موزه بریتانیا، 8349، برگ 58**

**292 - در آیات 2 تا 20 که در باره کافران دو آیه و در باره منافقان 16 آیه سخن گفته بخوبی پیشگوئی نموده که خطر منافقان بارها بزرگتر و مهمتر از منافقان است .**

**293 - در آیه های 154 و 156 پیشگوئیی راجع به جنگ و کشته شدن برخی و مشکلات پسا جنگ وجود دارد که تحقق آنها واضح است .**

**294 - در آیه 158 پیشگوئیِ بزودی امکانِ تشرف به حجِ مسلمانان (بخصوص مهاجران که فراری محسوب میشدند و در صورت شناسایی در مکه جانشان در خطر قرار میگرفت) دیده میشود که تحقق آن واضح است.**

**295 - در آیات 190 تا 195 به واضح ترین وجه پیشگوئی یک جنگ مهم را نموده که تحقق یافتن آن واضح است .**

**296 - در آیات 196 تا 203 پیشگوئی به حج رفتن مسلمانان را نموده که تحقق آن واضح است .**

**297 - در آیه های 205 و 206 ریاست یافتن منافقان و خرابی به بار آمدن در اثر آن را پیشگوئی فرموده ، که تحقق یافتن آن نیز واضح است .**

**297 - در آیه های 216 تا 218 پیشگوئی واضحی در باره جنگی قریب الوقوع دارد .**

298 - در آیات 243 تا 254 با نظیره سازی یکی از جنگهای آزادیبخش پیشگوئیِ وقوع چنین جنگی را برای مسلمانان نموده و بخصوص نابرابر بودن دوجبهه را بخوبی ترسیم نموده که این به نوعی آماده سازیِ ذهنی مسلمانان برای جنگ بدر تلقی میشود.

299 - آیات 261 تا 274 نیز در همین جهت ارزیابی میشود .

**سوره عادیات**

300 - کل آیات مهیج سوره عادیات نیز در جهت آماده سازی ذهنی برای جنگ قریب الوقوع و پیشگوئی تلویحی آن ارزیابی میشود .

**سوره صف**

301 - در آیات 5 تا 8 تلویحا پیشگوئی غالب شدن تعالیم آنحضرت را بر سایر گفتمان ها میدهد .

**302 - در آیه 9 میفرماید : اوست که رسولش را با هدايت و دين حق فرستاد تا آن را بر همه دين ها غالب گرداند، گرچه مشرکان بدشان بيايد.**

**هنوز پیامبر(ص) وفات نیافته بود که تمام مناطق مشرک­نشین جغرافیای آن روز اعراب، به اسلام گرویدند و آن حضرت خودشان تحقق این پیشگوئی را دیدند.**

**303 - در آیه 13 به وضوع پیشگوئی یک پیروزی جنگی نزدیک را به پیروان آنحضرت ارائه میکند که با توجه به ترتیب و تاریخ نزول به غیر از جنگ بدر تطبیق نمیشود .**

**سوره محمد**

**304 - در آیه 2 میفرماید : و آنانکه ايمان و عمل صالح داشته و به آنچه بر محمد نازل شده، که همان حق از جانب پروردگارشان است، باور داشته اند بديهاي آنها را پوشاند و وضعشان را اصلاح کرد .**

**انتهای آیه فوق به وضوح متضمن یک «پیشگوئی» است که دیدیم پس از جنگ بدر درست در آمد.**

**305 - در آیات 4 تا 9 یک جنگ کامل و تمام عیار را پیشگوئی میکند که در آن پیروزی کامل و بی تردید از آن مسلمانان خواهد بود که چند روز بعد در جریان جنگ بدر درست در آمد .**

**306 - در آیه 13 به روشنی پیشگوئی شکست جبهه مخالف آنحضرت را نموده است که درست در آمدنش را دیدیم .**

307 - در آیه های 16 تا 18 تلویحا پیشگوئی نموده که منافقان چه نوع رفتارهایی خواهند داشت و چه عاقبتی در انتظارشان خواهد بود .

308 - در آیه های 20 تا 32 نیز مطالبی در همان موضوع فوق دارد اما اندکی مشروح تر از آن .

**سوره انفال**

309 - در آیه 39 پیشگوئی میکند که جنگ های دیگری نیز در کار خواهد بود و تا از بین رفتن «فتنه» ادامه خواهد یافت .

310 - در آیه 45 نیز پیشگوئی مشابهی دارد که شامل قسمت اول مورد قبل میشود.

311 - در آیات 56 تا 71 چند بار پیشگوئی دارد که پس از جنگ بدر بازهم جنگ هایی خواهد بود و لذا شما چنین و چنان کنید .

311 - همچنین است در آیه 72 .

**سوره حشر**

**312 - در آیه 10 پیشگوئیِ تحقق یافته ای دارد در باره ادامه مهاجرتِ مسلمانانِ مهاجرت نکرده که درست در آمدن آن واضح است .**

**312 - در آیات 11 تا 17 پیشگوئیِ تحقق یافته ای دارد در باره طرز رفتار منافقان ، که درست بودنش بعدا درک شد .**

**سوره منافقون**

**313 - در آیات 1 تا 3 در باره طرز کار و طرز رفتار منافقان پیشگوئی دارد که از این سوره تا آخر نزول وحی تدریجا درست در آمدن آنها آشکار شد.**

**314 - در آیه های 7 و 8 پیشگوئیِ مخالفت آشکار منافقان با آنحضرت را دارد که خیلی زود به صحت پیوست .**

**سوره آل عمران**

**315 - در آیه 12 میفرماید : به کافران بگو بزودي مغلوب ميگرديد و بسوي جهنم محشور ميشويد و چه جايگاه بديست.**

**چنانکه واقعیات تاریخی نشان داد، وعده فوق خیلی زود تحقق یافت.**

**316 - در آیه 7 پیشگوئی واضحی دارد دایر بر اینکه از این پس کسانی سعی خواهند منظورهای مورد نظر خویش را به قرآن نسبت دهند و قرآن طوری تفسیر کنند که مدافع نظرات آنها باشد ، و بیش از 1400 سال است که این دائما دارد روز به روز درست در می آید و بروز اینهمه فرقه با پسوند اسلامی که برخی با برخی تخالف و تضاد فاحش هم دارند نشانه آن است .**

**317 - در آیات 10 تا 13 پیشگوئیِ تحقق یافته ای دارد راجع به بقیه کفار و مشرکان رسمی که چیزی نگذشت که به تحقق پیوست .**

**در آیه 97 پیشگوئیِ به تحقق پیوسته ای دارد که بزودی مسلمانان مهاجر خواهند توانست به حج مشرف شوند .**

**سوره حدید**

**318 - در آیه های 10 و 11 پیشگوئیِ وقوع جنگ قریب الوقوع دیگری هست که علی القاعده می باید جنگ احزاب (خندق) بوده باشد .**

**سوره احزاب**

**319 - در آیه های 1 و3 آنحضرت را برحذر میدارد از اینکه کوچکترین حرکتی در جهت کوتاه آمدن در مقابل کافران و منافقان کند و این پیشگوئیی در بطن خویش دارد که تحقق آن بعدا دیده شد .**

**320 - در آیه 21 پیشگوئی واضحی وجود دارد که آنحضرت بلند آوازه خواهد شد .**

**321 - در آیه های 45 تا 48 مجموعِ دو پیشگوئی فوق الذکر شده ، و البته تحقق یافتن آنها هم واضح است .**

**322 - در آیه 56 باز هم پیشگوئی بلند آوازگی آنحضرت به وجه پررنگ تری تکرار شده است .**

**323 - در آیه 60 پیشگوئی عجیبی در مورد منافقان دیده میشود که در سوره های بعدی تحقق آنها از متن آیاتی فهمیده میشود .**

**324 - در آیه 69 پیشگوئی میکند که مسلمانان نیز به همان رفتارهائی که در مقابل حضرت موسی میکردند گرایش خواهند یافت .**

**سوره نساء**

**325 - در آیه 15 پیشگوئیی دارد که در آینده آیاتی راجع به مطلب مندرج در آن نازل خواهد شد ، و این کار ، در سوره بعدی (سوره نور) انجام شده است .**

**326 - در آیه 71 پیشگوئی نموده که جنگ ها هنوز تمام نشده است .**

**در آیه 82 پیشگوئی نموده که در متن و مطالب قرآن اختلافی پیدا نخواهد شد .**

**327 - در آیه 94 پیشگوئی فرموده که مسلمانان کاملا دست بالا را خواهند داشت و دیگران سعی میکنند به آنها بپیوندند .**

**328 - در آیه 101 پیشگوئی فرموده که شما فارغ البال در زمین به مسافرت هایی خواهید پرداخت ، اما ، تهدیدهایی هم خواهید داشت که فراغ بال شما را محدود میکند و می باید احتیاط ها و آمادگی های لازم را نیز داشته باشید.**

**329 - در آیه 104 دستِ بالای مسلمانان را در مقابل دیگران پیشگوئی میفرماید .**

**330 - در آیه 119 پیشگوئی میکند که عده ای سعی خواهند کرد بعضی از عناصر شرک را زنده کنند .**

**331 - در آیه 151 پیشگوئی میفرماید که عده ای سعی خواهند کرد بین خدا و رسول جدائی بیاندازند و این چیزی است که همین امروز به وضوح داریم مشاهده اش میکنیم .**

**333 - در آیه 166 پیشگوئیی در مورد قرآن و معجزه بودن آن دارد .**

**سوره نور**

**331 - در آیه 55 میفرماید : خداوند به کساني از شما که ايمان آورده و اعمال شايسته انجام داده اند، وعده داده است که آنها را حتما در زمين جايگزين خواهد کرد، همچنانکه پيشينيان آنها راجايگزين کرده، و دينشان را که برايشان پسنديده مستقر خواهد كرد، و پس از خوفشان امنيت را جايگزين خواهد نمود، که مرا بپرستند و چيزي را با من شريک نگيرند، و کسي که پس از آن کفر ورزد از فاسقان است.**

**چنانکه دیدیم، مسلمانان که در هنگام نزول این سوره امنیت کامل نداشتند، بعداً به تسلط بر کافران و ایمنی از دشمنان نایل گشتند و این وعده نیز تحقق عینی یافت.**

**332 و 333- در آیه 45 میفرماید : و خداوند است که همه جنبندگان را از آبي آفريده. برخي از آنها بر شكم مي خزند، و برخي از آنهاست که بردو پا راه ميروند و برخي از آنها بر چهارپا راه ميروند. خداوند هر چه بخواهد مي آفريند که خداوند به هر چيزي تواناست.**

**در این آیه پیشگوئی های تحقق یافته ای هست :**

**1 – منشاء حیات «آبی» است .**

**2 – منشاء پیدایش دوپا ها و چهارپاها دو زیستان هستند .**

**چنانکه میدانیم نظریه اصل انواع در قرن نوزده پیداشده و در این آیه مدلول آن پیشگوئی شده است .**

**334 - در آیه 19 پیشگوئی میفرماید که کسانی هستند که دوست دارند گناهان کبیرهء آبروبَر در میان مسلمانان شایع شود . که البته تحقق یافتن این پیشگوئی نیازی به شرح و ذکر شواهد ندارد و عیان است و حاجتی به بیان ندارد .**

**335 - در آیات 36 تا 39 میفرماید که متاع کفر و دین بی مشتری نخواهد ماند و این هردو ماندگار خواهند ماند تا پیشگوئیِ دیگری که با ذکر جمله «العاقبه للمتقین» فرموده ، تحقق یابد .**

**سوره طلاق**

**336 - در این سوره میفرماید : اي پيامبر! هنگامي که زنان را طلاق ميدهيد آنها را تا سر آمد عّده شان طلاق دهيد وحساب عده را نگهداريد و از خداوند که پروردگارتان است پروا کنيد. آنها را از خانه هايشان بيرون نکنيد و خودشان هم خارج نشوند مگر اينکه كار زشت آشکاري مرتکب شوند. و اينها حدود خداست، و کسي که از حدود خدا تجاوز کند بر خويش ظلم کرده. نمي داني شايد خداوند بعد از آن امري پديد آورد (1) پس هنگامي که به سر رسيد خويش رسيدند، يا آنها را به نيکي نگهداريد، يا به نيکي از انان جدا شويد، و دو نفر از عادل هاي خودتان را به شهادت بگيريد و شهادت را هم براي خدا برپا داريد. اينها نکاتيست که اشخاصي که به خدا و آخرت ايمان دارند از ان پند ميگيرند و هر کس که تقوا پيشه کند خداوند برايش راه نجاتي قرار ميدهد (2) و از جائي که فکرش را هم نمي کند روزيش ميدهد، و هر کس که به خدا توکل کند او را بس است. البته خداوند كار خود را به سرانجام ميرساند. البته خداوند براي هر چيزي اندازه اي قرار داده است (3) آن زنانتان که يائسه شده باشند در صورتيکه شکي داشته باشيد، يا آنهائي که حيض نديده اند، عده آنها سه ماه است. و عدّه زنان حامله تا وضع حمل است. و هر کس که تقوا پيشه کند خداوند از فرمان خويش براي او آسانيي قرار ميدهد (4) اين فرمان خداست که بسويتان نازل کرده، و کسي که تقوا پيشه کند خداوند زشتي هايش را مي پوشاند و پاداشش را بزرگ ميفرمايد (5) آنان را در همان مساکني که بر حسب توانائي خود داريد سکونت دهيد، و از جهت اينکه آنها را در تنگنا قرار دهيد به آنان ضرر نرسانيد، و اگر حامله هستند خرجشان را بدهيد تا بزايند و اگر براي شما شير دادند مزدشان را بدهيد، و بين خودتان به خوبي مشورت کنيد، و اگر (در توافق) سخت گيري کرديد يکنفر ديگر شيرش دهد (6) توانگر بايد متناسب با توانائي خويش خرج كند، و تنگدست بايد از آنچه خدا به او داده هزينه کند، خداوند به هيچکس جز مطابق با قدرتي که به او داده تکليفي نمي کند. خداوند بعد از سختي آساني قرار ميدهد (7)**

**در این پاراگراف، مقررات طلاق با ذکر جزئیات دقیق وضع شده و مکرراً توجه و تأکید به تقوی یادآوری شده و نسبت به عواقب بی­توجهی به آن هشدار داده شده و در هیچ جای دیگر قرآن کریم راجع به یک حکم اینقدر به تقوا سفارش و نسبت به بی­توجهی به آن هشدار داده نشده است. علت آن قابل فهم است.**

**در جامعه­ای که اولین بار مخاطب این آیات بوده­اند، اقوام عرب اعم از ساکنان مکه و مدینه و یا بدویان خارج از این دو نقطه، درجه خشونت زندگی زیاد بوده و مردان، غالب مطلق، و زنان، ضعیف و بی­اختیار و مغلوب مطلق، بوده­اند و تقریباً هیچ حقوق شناخته شده­ای نداشته و هرگونه تعدی نسبت به آنان عادی شمرده می­شد.**

**لذا آنهمه تأکید به تقوا را باید در این واقعیت جستجو کرد.**

**اگر بخواهیم تأکیدات و تصریحاتی را که راجع به موضوع طلاق در این سوره آمده منظم کنیم به جدول ذیل می­رسیم:**

|  |  |
| --- | --- |
| شرح | آیه |
| اهمیت:  الف) اهمیت امور مربوط به طلاق:  به اقامه شهادت بعنوان یک عمل دینی نگاه کنید.  ب) دو نفر عادل که آنها را بعنوان عادل می­پسندید به گواهی بگیرید. | 2  2 |
| عِدّه:  الف) طلاق (جدائی) پس از سر آمدن (عده) است.  ب) حساب عده را نگهدارید.  ج) عده زنان یائسه یا مشکوک یا حیض ندیده سه ماه است.  د) عده زنان حامله، تا وضع حمل است. | 1  1  4  4 |
| مسکن زن مطلقه:  الف) از خانه­هایشان بیرونشان نکنید.  ب) خودشان هم از خانه­هایشان بیرون نروند.  ج) آنها را در مضیقه قرار ندهید که ضرری به آنها برسانید. | 1  1  6 |
| هزینه:  الف) اگر حامله هستند خرجشان را بدهید تا بزایند.  ب) اگر بچه­ را شیر می­دهند مزدشان را بدهید. | 6  6 |
| رابطه انسانی خوب:  الف) پس از رسیدن سررسید (عده) یا به نیکی نگهدارید یا به نیکی جدا شوید.  ب) در همان مساکنی که برحسب توانائی خود دارید سکونتشان دهید.  ج) بین خودتان به خوبی مشورت و همکاری کنید.  د) توانگر باید متناسب با توانائی خویش خرج کند.  تنگدست هم باید آنقدر که می­تواند بدهد. | 2  6  6  7  7 |

**ملاحظه می­فرمائید؟**

**قرآن در بیش از 1400 سال پیش، برای عده­ای از افراد بشری، در جامعه­ای که آنها را داخل آدم حساب نمی­کردند، و با آنها مانند اشیاء و اموال رفتار می­کردند، و حتی وقتیکه شخصی می­مُرد، زنان او به ارث می­رسیدند و بین پسرانش تقسیم می­شدند، قرآن در آن زمان برای چنین موجوداتی با این دقت و صراحت راجع به اهمیت جدا شدن از آنها، و راجع به مسکن آنها، راجع به هزینه زندگی آنها، و راجع به رابطه انسانی خوب با آنها، چقدر نکته­سنجی نموده و چقدر نکات ظریف و دقیقی را مطمح نظر قرار داده و بصورت دستورات محکم شرعی و قانونی جاودانه نموده و بعنوان ضمنانت اجرا، چقدر «تقوا» را به یاد آدمی آورده و چقدر تأکید و توصیه و تهدید برای بی­توجهی به تقوا پیش­بینی نموده و خلاصه چنان کرده که امروز در جوامع انسانی اسلامی (و تا حدودی غیراسلامی نیز در اثر تأثیرپذیری از اسلام) ازدواج و طلاق یک امر صد در صد قانونمند و سیستم­دار شده و زن بعنوان همسر، دارای حقوق محکم و معروف و تثبیت شده­ای گردیده که از همه جوامع دیگر با فاصله­ای زیاد جلوتر است.**

**آیا امروز، که در اوائل هزاره سوم، و در آستانه دهکده جهانی، و اِشراف به کهکشانها، و کشف ثروتهای اعماق زمین، و رفع اختلافات هزاران ساله بشری هستیم، انصافاً، حتی امروز، راجع به زنان، در متون رسمی مانند حقوق بشر و امثال آن، چیزی هست که با این احکام برابری کند؟**

**معمولاً سنگ بطرف ارتفاع کمتر می­افتد و حمار کوتاهترین مسیر بین دو نقطه را انتخاب می­کند و عقل معمولی هم گزینه­ای را که هزینه کمتر دارد ترجیح می­دهد. اگر آدمی هم بخواهد دنبال آسانی و راحتی و هزینه کم باشد، عقل به او می­گوید آن موجود بی­دفاع را بزن و بیرونش کن.**

**رعایت اینهمه مقررات و اینهمه پیچیدگی برای چه؟**

**به همین دلیل است که در این سوره اینهمه به تقوا تأکید شده است زیرا می­خواهد چیزی را در ذهن بشر بنشاند که سخت و هزینه­بر و خلاف عادت اوست و برعکسِ مسیر آب است که راه آسان را انتخاب می­کند و حمار که نزدیک­ترین راه را.**

**خداوند برای اینکه بشر گزینه مشکل­تر را انتخاب کند اولاً مقادیر زیادی «نکات تشویقی» می­آورد. مثلاً:**

|  |  |
| --- | --- |
| شرح | آیه |
| نمی­دانی شاید خداوند بعد از آن، امر جدیدی پدید بیاورد. | 1 |
| هر کس که تقوا پیشه کند خداوند برایش راه نجاتی قرار می­دهد. | 2 |
| و از جائی که فکرش را هم نمی­کند روزیش می­دهد. | 3 |
| خداوند بعد از سختی، آسانی قرار می­دهد. | 7 |
| هر کس به خداوند توکل کند او را بس است. | 3 |

**بطوریکه ملاحظه می­فرمائید قبول انجام این دستورات را :**

**اولاً اینطور برای بشر شیرین می­کند که شاید این برای تو بهتر باشد (ردیف 1 جدول فوق)**

**بعد می­گوید که انجام این دستور برای تو فایده دارد (ردیف 2 و 3)**

**بعدش می­فرماید که بنظر تو سخت می­آید اما خواهی دید که بعدش راحتی خواهی داشت (ردیف 4)**

**در نهایت هم می­گوید اگر هم بنظرت سخت می­آید به خدا توکل کن و خدا تو را کمک خواهد کرد (ردیف 5).**

**با این ترتیب ذهن بشر را متوجه این نکته می­کند که انجام این تکلیف که بنظر سخت می­آید، در حقیقت مانند رنجی است که آدمی برای تصاحب گنج باید ببرد و سرمایه­گذاریی است که بعداً سود در پی خواهد داشت و باین ترتیب ذهن آدمی را از نوع رفتار جمادات و حیوانات بالاتر می­برد.**

**ضمناً طی ذکر نکات دیگری فکر آدمی را باز هم بالاتر می­برد. مثلاً:**

|  |  |
| --- | --- |
| شرح | آیه |
| خداوند به هیچکس جز مطابق قدرتی که به او داده تکلیف نمی­کند. | 7 |
| خداوند برای هر چیز قدر و اندازه­ای قرار داده. | 3 |
| خداوند فرمان خود را به انجام می­رساند. | 3 |

**اگر اندکی دقت فرمائید، در این مطالب، خداوند حکمت­های مدلولات جدول قبل را برای ذهن آدمی تعلیل می­کند.**

**مثلاً در ردیف 1 و 2 می­فرماید این تکالیف، آنقدر هم سخت نیست و در قدرت شما هست.**

**و در ردیف 3 می­فرماید بالاخره هم این کار را انجام خواهید داد.**

**و بالاخره نکاتی را می­فرماید که توجه به آن وجه تمایز آدمی با سایر موجودات (مثلاً سنگ و حمار) است:**

|  |  |
| --- | --- |
| شرح | آیه |
| از خداوند پروردگارتان تقوا کنید. | 1 |
| اینها حدود خداست. و کسی که از حدود خدا تعدی کند بر خویش ظلم کرده. | 1 |
| کسی که تقوا کند، خداوند زشتی­های او را می­پوشاند و پاداشش را بزرگ می­فرماید. | 5 |

**چنانکه ملاحظه می­فرمائید حکمت تقوا را این قرار داده که فرموده «پروردگارتان» است (ردیف 1) او که شما را تا اینجا رسانده و شما را از سنگ و حمار بالاتر قرار داده، هموست که این را می­گوید و لذا اجرای این توصیه در جهت کمال شماست. و اگر هم این توصیه را گوش نکنید به خودتان ضرر رسانده­اید (ردیف 2) و اگر هم گوش کنید بنفع خودتان است (ردیف 3)**

**و باین ترتیب است که آن رفتار پرخشونت وحشیانه با زنان در مدتی بسیار کوتاه و کمتر از یک نسل به چنان رفتار سامان یافتۀ متمدنانه­ای بدل شد .**

**سوره فتح**

**337 - در آیه 3 میفرماید : و به ياريي که از آن بالاتر نباشد ياريت کند.**

**چنانکه میدانیم ظهور این پیشگوئی در روز فتح مکه بود که هنوز زمان زیادی از نزول این سوره نگذشته بود .**

**338 - در آیه های 18 و 19 میفرماید : البته خداوند از مومنيني که زير آن درخت با تو بيعت کردند راضي شده، و دانست چه در دلشان ميگذرد و آرامش را بر آنها فرو فرستاد و پيروزيي نزديک عطايشان کرد (18) و غنيمت هاي زيادي که خواهند گرفت و خداوند پيروزمند فرزانه است (19)**

**339 - از آیه 3 می­فهمیم که پیامبر(ص) در موضعی بود که توطئه­های سهمگین برای عقیم گذاشتن مأموریتش در تکوین بود و او می­باید مبارزات خویش را با وسعت و عمق بیشتر، و در حوزه­های جدید پیگیری کند و لذا به یاری سطح بالاتری از قبل نیاز داشت.**

**موضوع «پیروزی نزدیک» آیه 18 اشاره به فتح خیبر است و غنیمت­های آیه 19 که بسیار زود، و درست پس از صلح حدیبیه، محقق شد از پیشگوئی های عجیب قرآنی است. زیرا به یکماه هم نرسید که تحقق یافت.**

**340 - در آیه 7 پیشگوئیی بطور مطلق در باره آنحضرت میفرماید که تحقق آن دیده شد .**

**341 - در آیه 16 پیشگوئی یک جنگ شده ، که با توجه به تاریخ نزول این سوره ، می باید همان جنگ دفاعی باشد که در سوره توبه مطرح است.**

**342 - در آیه های 24 و 25 پیشگوئیی وجود دارد که مفسران آن را به صلح حدیبیه تطبیق کرده اند که به نظر این قلم نمیتواند درست باشد و اینجا جای بحث در آن نیست و خواننده کنجکاو به تفسیرمان مراجعه فرماید .**

**اما موضوع آن مربوط است به برخوردی که مطابق پیشگوئی قرار بود بین مسلمین و مشرکین در بگیرد و در آن میان چون ممکن است مردان و زنانی در بین دست و پای طرفین باشند و در اثر درگیری لطمه ببینند خداوند از آن درگیری جلوگیری خواهد کرد ، که هیچ واقعه ای جز فتح مکه با این مشخصات تطبیق ندارد و لذا در این دو آیه پیشگوئیِ فتح مکه شده است .**

**343 - در آیه 27 میفرماید : البته خداوند خواب رسولش را راست آورد که اگر خدا بخواهد با ايمني وارد مسجد الحرام خواهيد شد بدون اينکه ترسي داشته باشيد، سرتان را خواهيد تراشيد و موهايتان را کوتاه خواهيد كرد ...**

**مسلمانان در سال­های طولانی از سوی مشرکان مکه ممنوع­الحج بودند و در حالیکه کفار و مشرکین از همه جای نقاط دور و نزدیک از شام و یمن گرفته تا عراق و طائف و کجا و کجا به عادتی که داشتند به زیارت کعبه و مسجدالحرام می­رفتند، مسلمانان که پیغمبر خدا نیز در میانشان بود به علت منع مشرکان مکه نمی­توانستند حج کنند.**

**تصور بفرمائید که نزول این آیات چه شور و شوقی در میان آنان افکند! همچنین تصور بفرمائید چه صبر و انتظاری در میان دشمنان اسلام ایجاد کرد. منافقان که در صفوف مسلمانان بودند و یهودیان نیز که همسایه آنها بودند چگونه مترصد بودند که آیا واقعاً این ادعا به حقیقت خواهد پیوست؟**

**البته آنچه بعداً اتفاق افتاد معلوم است. و ما باید این مورد را هم به پیشگوئی­های تحقق­یافته قرآن اضافه کنیم.**

**سوره ممتحنه**

**344 - در آیه های 1 و 7 پیشگوئیی هست که نشان میدهد برخی از مسلمانان مهاجر برای اینکه ضرری متوجه خانواده هایشان که هنوز موفق به هجرت نشده بودند نشود ، روابط صمیمانه ای را با مخالفان آنحضرت حفظ کرده بودند که در این آیه بشدت منع میشوند و در این منع این پیشگوئی هست که بزودی اوضاع در جهت مطلوبتان عوض خواهد شد.**

345 - در آیه های 8 و 9 اعتماد به نفس عجیبی به چشم می آید که تلویحا حاوی ایت پیشگوئی هست که بزودی شما دست غالب را پیدا خواهید کرد .

**346 - در آیه های 10 و 11 پیشگوئیی هست که نشان میدهد زنانی بدون رضایت شوهرانشان به عنوان مهاجر به مدینه خواهند آمد و طی آن احکامی ذکر شده که از لحاظ حقوق بشری خیلی قابل توجه است .مطلب از این قرار است که پس از صلح حدیبیه اینطور بود که اگر از مشرکان کسانی به مدینه مهاجرت کنند آنحضرت موظف بود آنان را برگرداند ولی اگر از مسلمانان کسانی خواستند به مشرکان بپیوندند انها موظف نبودند برشان گردانند .**

**البته حالت دوم که اتفاق نمی افتاد ، اما ، چند مورد از حالت اول اتفاق افتاد و آنحضرت آنها را برگرداند ، اما ، مرجوع ها به حالت سابق بر نمی گشتند بلکه در سر راه کاروان های تجاری مشرکان به جنگ و گریز می پرداختند و مایه درد سر مشرکان میشدند و پس از مدتی این جریان چنان قوی و موثر شد که مشرمان به آنحضرت مراجعه کردند و در قبالِ اعمالِ نفوذ آنحضرت که گروه مذکور را از ایجاد زحمت برای کاروانهای تجاری بازدارد ، از درخواست ادامه اجرای ماده مربوط به حالت اول کوتاه آمدند .**

**اینطور بود که مهاجرت از مکه به مدینه هم سرعت بیشتر و هم حجم زیاد تر یافت ، و موضوعژ زنان مهاجر در آیه مذکور در اینچهارچوب مفهوم است که در آیه پیشگوئی شده است ، اما ، مطلب جالبتر وجهِ حقوق بشریِ موضوع است.**

**در آیه گفته شده که خرجی را که شوهرانشان برای ازدواج با آنها کردند بدهید و نگفته آنها چون مشرک اند دیگر آدم نیستند و خرجی هم که کرده اند باد و هوا است و چشم شان کور ، بلکه گفته خرجی که شوهرانشان کردند بدهید و اگر از زنان مسلمان هم کسی بسوی مشرکان برگشت (که البته مورخین میگویند یک مورد هم برنگشت) شوهر مسلمانِ آن زنِ برگشته باید خرجی را که کرده مطالبه کند .**

**ملاحظه کردید؟ آیه نازل شده که طی آن هزینه ای را برعهده طرفین گذاشته که در عمل فقط به نفع مشرکان شد ، چرا؟ فقط برای محترم داشتن امر ازدواج و انسان دانستن مشرکان و برابر دانستن آنها با مسلمانان در شانی از شئون انسانی ، آنهم کی؟ بیش از 1400 سال قبل!**

**347 - در آیه 13 پیشگوئیی کرده که شبیه به این است : ای مسلمانان شما از حالا جریان شرک و اردوگاه شرک را مرده حساب کنید !**

**348 - در آیه 10 یک پیشگوئی دیگری هست که این قلم آن را عینا از کتابّ دیگرِ خویش عینا نقل میکند :**

برای شروع بحث آیه 10 سوره ممتحنه را با هم میخوانیم :

**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُم مَّا أَنفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَن تَنكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَاسْأَلُوا مَا أَنفَقْتُمْ وَلْيَسْأَلُوا مَا أَنفَقُوا ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿10﴾**

**اي مسلمانان ! هنگامي که زنان مسلمان مهاجر بسوي شما آمدند امتحانشان کنيد .** {البته خداوند به ايمان آنها داناتر است} **پس اگر آنها را مومنه يافتيد بسوي کفار برشان نگردانيد . نه اينها براي آنها حلالند ونه آنها براي اينها . وآنچه آنها خرجشان کرده اند بهشان بدهيد و گناهي ندارد پس از اينکه اجر و مهرشان را بدهيد با آنان ازدواج کنيد . وبه دامن زنان کافر چنگ نيندازيد . بايد آنچه را که خرج کرده ايد مطالبه کنيد و آنها هم بايد آنچه خرج کرده اند مطالبه کنند . اين حکم خداست که بين شما حکم مي کند . و خداوند داناي فرزانه است (10)**

با ذکر جمله پرانتزی «الله اعلم بایمانهنّ» تلویحا فرموده شما بروید علم مورد نیازتان را خودتان بسازید نه اینکه دنبال این باشید که نظر خداوند در مورد یکی یکیِ هر کدام از خانم های مهاجر چیست .

برای درک بهتر موضوعِ اخیر ، آن قسمت از آیه را مجددا می بینیم :

**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ** اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ **فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ**

**جمله الله اعلم بایمانهنّ «پرانتزی» است ، دلیلش هم این است که اگر قبل و بعدش را به هم وصل کنیم روال سخن صاف و یکدست شده و لذا خط اصلی سخن همان است که با حروف پر رنگ دیده میشود .**

**چرا جمله - به قول ما - پرانتزیِ مذکور را در اینجا فرموده ؟**

**چنین به نظر می آید که علتش این باشد که قضاوت در باره ایمان یا عدم ایمان مردم برای مسلمانانِ آن روزهایِ صدر اسلام مشکل بوده ، و آنها فکر میکرده اند ایمان یک امر قلبی است و فقط خداوند است که میتواند به ایمان هرکس علم داشته باشد ، ولذا اگر تشخیص آنها با تشخیص خداوند مغایر باشد در آخرت چه جوابی خواهند داشت؟**

**برای راحت کردن خیال آنها این جمله در متن حکم قرار داده شده و تلویحا به آنها فهمانده شده که نگران مطلب مذکور نباشند و کار خویش را کنند .**

**یعنی در هر موردی نزد رسول خدا (ص) نروند و نگویند «یا رسول الله ایمان فلان زن مهاجر مورد تایید خداوند هست یا نه؟»**

**آیه فرموده «فان علتموهن مومنات» (اگر آنها را مومنه تشخیص دادید) ، . .**

**یعنی اینکه تکلیف آنها بطور واضح روشن شده بوده بود که می باید ایمان آنان را احراز کنند .**

**آنها چگونه باید به این تشخیص میرسیدند؟**

**معقول و واضح است که از کسانی که دربین مهاجران بوده و قاعدتا آنها را می شناختند ( و جمعیت مهاجران هم کوچک بود) راجع به صداقتشان و سابقه ایمانیشان و بستگی احتمالی شان با سران کفار پرس و جوئی مقدماتی میکردند و زود به تشخیص میرسیدند و تازه اگر هم تشخیص شان غلط میبود اتفاق مهمی نمی افتاد زیرا فقط می باید او را به خانواده اش بر می گرداندند و اگر او مومن واقعی هم نبود چیز مهمی نبود زیرا بعنوان یک تازه وارد بطور طبیعی مدتها زیر نظر بود و اگر خلاف تشخیص شان ظاهر میشد میتوانستند اخراجش کنند .**

**کم کم موضوع مهاجرت ابعاد بزرگتری به خود گرفت و موضوعِ این حکم جدی تر شد و ما دقیقا نمیدانیم در مورد اجرای این حکمِ چه اتفاقی افتاد اما معقول است که فکر کنیم تدریجا برای این موضوع ضوابطی برقرار شد و کسی هم مسئول این قضیه گشت.**

**اما ، آین آیه ، ارزش فکریی بیش از آن حکم خاص دارد ، و خطی بین موضوعاتی که ما آنها را «زمینی» و «آسمانی» می نامیم کشیده و صراحتا فرموده برای امور زمینی چشمتان را به آسمان ندوزید و خودتان مشکلات زمینی تان را حل کنید .**

**(پایان نقل قول)**

**سوره نصر**

**349 - در باره پیشگوئی این سوره دیگر چه بگوئیم که از شدت وضوح چشم را میزند!**

**در این سوره پیشگوئی شده که مردم فوج فوج داخل دین اسلام خواهند شد و شد .**

**سوره توبه**

**350 - در آیه 2 میفرماید : پس چهار ماه در زمين بگرديد و بدانيد که نميتوانيد خدا را عاجز کنيد و خداوند خوار کننده کافران است .**

**موضوع مربوط به فتح مکه و «اعلامیه بیزاری» در سوره توبه است. و منظور ما از آیه 2 عبارت «چهار ماه» است که پس از فتح مکه صادر و «چهار ماه» برای مشرکان مهلت قائل شد.**

**از آنجا که این ضرب­الاجل درست در آمد و نهضت اسلام در خلال آن مدت مضمحل نگردید و از بین نرفت و برعکس، مشرکان از بین رفتند، این آیه نیز در عداد معجزات و وعده­های تحقق­یافته قرآنی قرار گرفت.**

**باید توجه داشت که پایه های حکومت آنحضرت آنقدرها مستحکم نشده بود و اتفاقی که درست پس از فتح مکه افتاد (که جنگ حنین و هوازن باشد که طی آن اوضاع لشکر اسلام به موئی رسید و نگرانی شکست آنان کاملا جدی بود) نشان میدهد که تعیین این مهلت چهار ماهه یک پیشگوئیِ به تحقق پیوستهء بسیار مهمی است .**

**351 - در آیه 33 میفرماید : هموست كه رسولش را با دين حق فرستاد که آنرا برهمه دين ها غالب گرداند ولو اينکه مشرکان نپسندند.**

**درست درآمدن پیشگوئی فوق را قبلا در سوره صف دیدیم.**

**352 - در آیه 40 که اشاره به جنگ تبوک دارد پیشگوئی مربوط درست در آمد .**

**353 - در آیه 122 پیشگوئیی نموده که درست در آمدن آن خیلی واضح است و آنهم این است که تلویحا مقرر نموده که از هر آبادیی برخی از ساکنینش برای کسب عام سفر کنند و سپس برای هدایت اهالی خویش بسویشان برگردند .**

**کسی که کمی به تاریخ اسلام آشنا باشد میداند که تمام موفقیت های علمی مسلمانان در مدتی حدود شش قرن پس از نزول قرآن که صدای تحسین و اعجاب جرج سارتن (پدر تاریخ علم) و ویل دورانت (پدر تاریخ تمدن) را بلند کرده ، در پی توجه به همین آیه بوده که مسلمان کسب علم را عبادت – بلکه اشرف عبادات – تلقی میکردند .**

**سوره حجرات**

**354 - در آیه 13 میفرماید : اي مردم! شما را از يک مرد و يک زن آفريديم، و به صورت تيره هاي بزرگ و تيره هاي کوچک قرارتان داديم تا شناخته شويد. البته گراميترين شما از نظر خداوند با تقواترين شماست. البته خداوند داناي آگاه است.**

**تا عبارت «حقوق بشر» را می­شنویم یاد «سازمان ملل متحد» می­افتیم.**

**چنانکه می­دانیم، در قرن بیستم دو جنگ جهانی در گرفت که اولی در 1919 تمام شد و دومی از 1938 شروع و در 1944 خاتمه یافت.**

**فکر تشکیل سازمان ملل درست پس از پایان جنگ اول در ذهن عده­ای از روشنفکران آن روزها پیدا شد و پس از مدتی بصورت ایجاد یک تشکیلات سیاسی بروز کرد که نتیجه­اش ایجاد یک اتحادیه سیاسی بود که در آن روزها بنام «جامعه ملل» خوانده شد. و «اعلامیه حقوق بشر» که امروز کاملاً معروف و مشهور است در اواسط فاصله بین دو جنگ مذکور توسط بعضی روشنفکران آن روزهای اروپا صادر و بعداً بصورت منشوری از آن سازمان مطرح گردید.**

**در هر حال نه آن «اعلامیه» و نه آن «جامعه» نتوانستند مانع بروز یک جنگ بین­المللی دیگر و حتی بسیار وسیع­تر و با نتایجی بسیار دلخراش­تر بگردند و شد آنچه که شد و تقریباً همه ما که امروزه در سال­های آغازین قرن بیست و یکم و اصطلاحاً در رده میانسال­ها هستیم، چیزهائی از آثار و عواقب و گستره و ابعاد آن جنگ به یاد داریم.**

**اما در هر حال فکر ایجاد یک تشکیلاتی که اولاً در حوزه بین­المللی کار کند و ثانیاً مسائل اساسی را پیگیری نماید نه تنها از ذهن روشنفکران جهان بیرون نرفت بلکه با پیگیری­ شدیدتری دنبال شد.**

**تا اینکه بالاخره این «سازمان ملل متحد» فعلی بوجود آمد که گرچه در دهه­های اولیه تأسیس خویش چندان عمل افتخارآمیزی در کارنامه خویش نداشت اما انصافاً در این دهه­های اخیر از لحاظ پیگیری­هائی در زمینه­های عناصر حقوق بشری کارنامه افتخارآمیزی دارد.**

**مطالب فوق، مطالبی است بسیار خلاصه و بسیار واضح، بطوریکه تقریباً همگان آن را تصدیق می­کنند.**

**اما از مطالب فوق، چیزی که موردنظر ما است، این نکته است که کل تاریخ دغدغه­های روشنفکران جهان درباره اموری که به مفهوم «حقوق بشر» مربوط می­شود، تاریخی کمتر از یک قرن دارد.**

**اعلامیه حقوق بشر چه می­گوید؟**

**خلاصه و چکیده اعلامیه حقوق بشر این است که بشر از این لحاظ که بشر است (صرفنظر از نژاد و طبقه اجتماعی و ثروت و ملیت و دین و غیره) حقوقی دارد که خلاصه و چکیده آن، برابری از لحاظ قانونی است.**

**مغز این بحث این است که اعلامیه حقوق بشر که محصول کوشش مشترک روشنفکران در سراسر جهان است، و حداکثر هفتاد سال سابقه دارد هنوز از این آیه که قدمتش بیش از چهارده قرن است عقب است.**

**مطابق این آیه، خداوند بین افراد انسانی تمایزی قایل نیست و کسی را بر کسی برتری نداده. و ملاک برتری را در چیزی قرار داده که پس از قیامت مورد ارزیابی واقع می­شود.**

**مفهوم این آیه به صراحت این است که همه با هم برابرند و کسی بالاتر از دیگری نیست. بعبارت دیگر این آیه را می­توان اینطور هم قرائت کرد:**

**ای مردم! شما را البته از یک مرد و یک زن آفریدیم و گرچه بصورت تیره­های بزرگ و تیره­های کوچک دسته­بندی می­شوید اما تعلق شما به آن تیره­های بزرگ یا کوچک سبب بالاتر بودن بعضی از شما نسبت به بعض دیگر نمی­شود. و البته گرامیترین شما نزد خداوند کسانی هستند که صفاتی دارند که آن صفات قبل از آخرت ارزیابی نمی­شود.**

**نکته­ای که بسیار جالب هم هست این است که معمولاً خطاب­های قرآنی در سوره­های پس از هجرت «یا ایها الذین آمنوا» (= ای مسلمانان) است اما در اینجا پس از پنج بار خطاب «یا ایها الذین آمنوا» خطاب فرموده «یا ایها الناس» یعنی ای مردم.**

**بعبارت دیگر در این سوره، خداوند حتی بین مسلمانان و غیرمسلمانان نیز از لحاظ حقوقی تمایزی قایل نشده و لذا این آیه یک سند منحصر به فرد است که از لحاظ «حقوق بشر»ی بر همه سندهای دیگرِ حقوق بشری سبقت می­گیرد.**

**لطفاً توجه فرمائید که این نکته یک نکته بسیار ظریف است.**

**واضح است که مؤمن و کافر با هم فرق دارند و در آخرت بهشت مخصوص مؤمنان واقعی است اما در این جهان، مطابق آیه فوق، حتی بین مؤمن و کافر نیز فرقی گذاشته نشده زیرا درست است که تقوا را دلیل کرامت دانسته اما می­دانیم که تقوا در دنیا قابل ارزیابی نیست.**

**بعبارت دیگر در این آیه حتی مسلمانی را از لحاظ «حقوق بشر»ی سبب کرامت ندانسته. یعنی اینکه همه افراد بشر را از لحاظ بشر بودن، یعنی حق حیات، حق آزادی، حق احترام، حق انتخاب شغل، حق کسب علم، حق مجاز بودن برای بالا بردن وضعیت خویش، و غیره مساوی قلمداد فرموده است.**

**سوره مائده**

**355 - در آیه 67 میفرماید : اي رسول! آنچه را که از جانب پروردگارت بسويت نازل شده تبليغ کن، و اگر نکني رسالتش را نرسانده اي، و خداوند تو را از مردم حفظ ميکند، خداوند قوم کافران را هدايت نمي کند.**

**آیه فوق بسیار معروف است و همان آیه­ایست که برحسب قوی­ترین روایات اعم از شیعه و سنی، موضوع آن مربوط به نصب امیرالمؤمنین(ع) به خلافت پس از پیامبر(ص) می­باشد. اما در اینجا تکیه ما روی جمله «... و خداوند تو را از مردم حفظ می­کند ...» است.**

**از متن جمله فهمیده می­شود که گویا پیامبر در معرض سوء قصد بوده و عده­ای توطئه ترور آن حضرت را پرورده بودند و با آنچه که آن حضرت مأمور به ابلاغ آن شده بود (یعنی خلافت امیرالمؤمنین(ع)) نه تنها موافق نبودند بلکه بسیار مخالفت شدیدی هم داشتند تا آنجا که مصمم به کشتن پیامبر هم شده بودند.**

**در هر حال این آیه نازل شده بود و پیامبر نیز همانگونه که روش معمول او بود آنرا بر مردم خوانده بود و همه گوش به زنگ اوضاع و احوال بودند که چه پیش خواهد آمد ... .**

**بالاخره روز غدیر خم فرا رسید و پیامبر(ص) امیرالمؤمنین را به دستور خداوند نصب کرد و اتفاقی هم نیفتاد و آنحضرت بر اثر مرگ طبیعی وفات یافت و این آیه نیز به مجموعه معجزات تاریخی پیوست.**

**هیچکس نمی­تواند یک دقیقه بعد خودش را تضمین کند. سکته­های قلبی و مغزی، انواع خطرات ارضی و سماوی و مهمتر از همه درباره رهبران سیاسی، دشمنان سازمان­یافته و خطر سوء قصد و ترور بشدت مطرح است.**

**پیامبر اکرم(ص) هم هیچ گارد و محافظی نداشت اما ضمناً دشمنان سازمان­یافته خبیث و بد ذات و جدی و مصمم زیاد داشت. همان­ها که کوچکترین فرصت جهت برگرداندن جامعه به حالت قبل از اسلام را از دست نمی­دادند.**

**با وجود این، با چنان لحن محکمی، چنین اطمینانی به پیغمبر داده شده و حفظ جان او تضمین شده و آنهم با این عبارت صریح و روشن و در مقابل چشم و گوش ده­ها هزار نفر و از جمله اعضاء آن باند توطئه­گر، برانداز و منافق.**

**این نیز یکی دیگر از پیشگوئی­های عجیب تحقق­یافته است.**

**تحلیل**

سخت ترین پیشگوئی ها در باره اوضاع و احوال جوامع انسانی ، به ترتیبِ سختی به قرار زیر است :

1 – پیشگوئی های کِشدار ، مثلا اینکه کسی بگوید این روش زندگی تا ابد ماندگار خواهد بود .

2 – پیشگوئی های مربوط به صد سال آینده ، مثلا اینکه کسی بگوید این شهر در صدسال آینده نیز پایتخت خواهد ماند .

3 – پیشگوئی های مربوط به چند ماه آینده ، مثلا اینکه کسی بگوید دو ماه دیگر فلان جنگ تمام میشود و طرفِ پیروز فلان طرف است .

4 – پیشگوئیهای مربوط به چند سال آینده ، مثلا اینکه کسی بگوید در چهار سال آینده درآمد سرانه فلان کشور از فلان رقم به بهمان رقم خواهد رسید .

5 – پیشگوئی های مربوط به چند دهه آینده ، مثلا اینکه کسی بگوید در بیست سال آینده آلمان و فرانسه در وضع فعلی شان که رهبری کشورهای اروپائی است خواهند ماند .

**قرآن در همه این سطوح پیشگوئی هایی دارد ، ضمن اینکه حتی یک مورد هم پیشگوئی خطا ندارد .**

و اینک ذیلا نمونه های هریک را عرض میکنیم :

**1**

**پیشگوئی های کِشدار**

این پیشگوئی ها که بیشتر به قرآن و معجزه بودنش و محفظ ماندنش و بی خطائیش و این نوع مطالب مربوط است ، در متن ، تحت شماره های ذیل درج و شرح شده است :

27 – 73 – 102 – 103 – 111 – 127 – 128 - 190 – 225 – 280 – 290 – 326 – 333

**2**

**پیشگوئی های مربوط به صد سالِ – یا بیشترِ - آینده**

5 – 23 – 31 – 32 – 36 – 37 – 38 – 39 – 45 – 48 – 49 – 50 – 63 – 65 – 76 – 87 – 107 – 133 – 147 – 148 – 149 – 161 – 169 – 186 – 196 تا 198 – 214 – 230 – 231 – 242 – 243 – 245 – 247 – 281 – 282 – 283 – 291 – 316 – 330 – 331 – 332 – 333 – 334 – 335 – 336 – 348 – 353 – 354

**3**

**پیشگوئی های مربوط به چند ماه آینده**

1 – 2 – 3 – 7 – 14 – 15 تا 20 – 70 – 81 – 102 – 259 – 260 – 263 تا 267 – 275 تا 279 – 293 تا 295 – 216 تا 218 – 298 تا 300 – 303 تا 306 – 312 – 318 – 319 – 320 – 322 – 324 – 325 – 334 – 338 – 344 – 345 تا 352 - 355

**4**

**پیشگوئیهای مربوط به چند سال آینده**

1 تا 4 – 6 – 7 – 14 – 15 – 17 تا 20 – 21 – 24 – 62 – 70 – 81 - 135 – 146 – 189 – 200 – 201 – 206 – 208 تا 213 – 215 تا 229 – 231 تا 237 – 239 تا 241 – 244 – 246 – 250 تا 259 – 261 – 269 – 271 – 273 – 285 – 286 تا288 – 289 – 292 – 294 – 296 – 297 – 301 – 302 – 307 تا 311 – 313 تا 315 – 317 – 324 – 326 تا 329 – 331 – 334 – 337 – 338 – 342 – 343 – 353

**5**

**پیشگوئی های مربوط به چند دهه آینده**

1 تا 4 – 6 تا 26 – 28 تا 30 – 34 – 35 – 40 تا 44 – 46 – 47 – 51 تا 59 – 64 – 66 تا 72 – 74 – 75 – 77 – 78 – 79 تا 86 – 88 تا 101 – 104 تا 106 – 108 تا 110 – 112 تا 117 – 113 تا 126 – 129 تا 132 – 134 – 135 – 136 تا 145 – 151 تا 160 – 162 – 163 تا 167 – 168 –170 تا 185 – 187 – 188 – 191 تا 195 - 199 – 202 تا 205 – 207 – 238 – 250 – 262 – 270 تا 272 – 334 – 353

**اینها تعدادی از پیشگوئی های تحقق یافته قرآنی است که بطور «تورق»ی از آن استخراج شده ، و اگر میخواستیم بصورت «مطالعه»ای و دقیق این استخراج را انجام دهیم ، از این تعداد بسیار فراتر میبود .**

**فایده همه این حرفها چیست؟**

**مستقیم ترین و نزدیک ترین فایده بحث انجام شده فوق ، این است که می بینیم در قرآن اینهمه پیشگوئی تحقق یافته وجود دارد ، و نتیجه قهریِ آن این است که عقل سالم می پذیرد که آن پیشگوئی هایی هم که هنوز تحقق نیافته ، تحقق خواهد یافت ، مثلا قیامت واقع خواهد شد و نسل بشر در نهایت به اصلاح خواهد گرائید و شرور از زندگی بشر دور خواهد شد و . .**

**اعجاز قرآن چیست و وجوه اصلی و کلیِ آن کدامند؟**

**چون این بنده در یک انجمن قرآنی عضو هستم و اخیرا در آنجا بحثی پیرامون اعجاز قرآن درگرفته و نظرات متشتتی وجود داشت ، به این وجهِ غیر قابل تردیدِ اعجازی قرآن پرداختم .**

**اما ، چون صحبت از اعجاز شد ، به نظرم به مقوله اعجاز قرآن از چند لحاظ مختلف دیگر هم میتوان به نحو غیر قابل تردیدی نزدیک شد.**

**یکی از از آن ها همان کثرت پیشگوئی های درست درآمده است،**

**یکی دیگر از آن ها ، غلط در نیامدنِ حتی یک مطلب قرآنی در این چهارده قرن و اندی است .**

**یکی دیگر این است که قرآن یکی است اما مخاطب هایش در تغییر و تکامل است و باوجد اینکه در این مدت طولانی مخاطبان قرآن تغییراتی در حد مقایسه با تغییرات طفل کمسال به فرد بالغ داشته از احترام و وابستگی و احساس نیاز به قرآن نه تنها چیزی کم نشده بلکه به آن افزوده شده است .**

**یکی دیگر این است که آورنده قرآن در ابتدای نزول آن ضعیف و فقیر و کم پیرو بود و پس از مدتی قوی و توانا و پرپیرو و مسلط شد . اما هر آدمی که این حرکتِ از حضیض به اوج را طی میکند گفتار او با موقعیتش تناسب دارد و هنگام ضعف موقعیت ، گفتارش ضعیفانه و گدایانه ، و در هنگام قوتِ موقعیت ، گفتارش تسلطگرایانه و خودمحورانه میشود ، اما قرآن در تمام این دوره بیست و سه ساله نزولش گفتمانی ثابت دارد و این نیز یکی از وجوه اعجازی آن است .**

**وجه دیگر از وجوه اعجازی قرآن این است که همین امروز نیز قرآن حالت الهامبخشی خود را برای بشر امروز قرن بیست و یکمی نیز دارد.**

**ما در این کتاب فقط به یک وجهِ اعجازی قرآن پرداخته ایم . وجوه دیگری که مطرح شد هریک کاری میخواهد مفصل و از سرِ فراغت و فرصت ، که امیدوارم کسانی به آنها بپردازند .**

**غلط نشدن هیچ مطلب قرآنی**

بیش از 1400 سال است که قرآن در جهان وجود دارد. همیشه هم اسلام دشمن داشته. دشمنان اسلام نیز بزرگ، و از همه لحاظ (اعم از مالی و علمی و نظامی و غیره) قدرتمند بوده­اند.

با وجود این هیچکس تاکنون نتواسته یک مورد «غلط» به قرآن نسبت دهد و بتواند آنرا اثبات هم بکند.

برای اینکه مطلب به ذهن نزدیک شود ناچاریم مثالی بزنیم.

قرآن ادعای رهبری و هدایت بشر را دارد. «سرمایه» نوشته کارل مارکس نیز همین داعیه را دارد.

«سرمایه» ، که در سال 1867 منتشر شده و اینک 149 سال از انتشارش میگذرد از لحاظ مقبولیت چه جایگاهی دارد؟ و قرآن پس از نزدیک به 1500 سال چه جایگاهی دارد؟

هر کتابی را که داعیه رهبری و هدایت بشر و بشریت را دارد، بنظر ­آورید و از لحاظ «طول دوره مقبولیت» با قرآن مقایسه کنید، فوراً به نتیجه­ای مانند نتیجه مقایسه فوق می­رسید.

این دشمنان قدرتمند و ثروتمند منسجم اسلام به جای اینهمه کارهای سخت و هزینه­بر در رابطه با ضدیت با اسلام اگر می­توانستند یک غلط از قرآن بگیرند، موفق­تر بودند زیرا با درآمدن حتی یک غلط، قرآن از حجیت می­افتاد و خیمه اسلام فرو   
می­ریخت.

همینکه تاکنون چنین نشد، این معنی را می­دهد که سعی آنان به نتیجه نرسیده و نتوانسته­اند چنان کنند. البته ممکن است کسی یک حرفی بزند و به قول خودش غلطی و تناقضی را در قرآن ادعا بکند اما در طول این 1400 و اندی سال چنین بوده که فوراً جواب محکم را دریافت کرده و قضاوت عمومی بشر نیز به سخافت آن ادعا رای داده وگرنه، آن ادعا پررنگ می­شد، و می­ماند. نه اینکه فوراً از بین برود و فراموش شود.

**عدم اختلاف**

سخن شخصی که ضعیف و فقیر است و اطرافیان ضعیف و فقیری نیز دارد و در عین حال دشمنان قوی پنجه­ای نیز لحظه به لحظه مترصد او و اطرافیانش هستند و همه­گونه توطئه و تعقیب و آزار و فشار علیه او و اطرافیانش اعمال می­شود با سخن شخصی که غالب است و وضع اطرافیانش نیز چندان بد نیست و آینده روشن و امید بخشی نیز در انتظارشان هست فرق می­کند.

شخص فرودست، عدالت­طلب و خواستار محدودیت قدرت قدرتمندان است. اما اگر همین شخص فرادست شود، قدرت را حق موروث خود می­شمارد و هیچ محدودیتی را هم در خصوص اِعمال آن خوش نمی­دارد و حتی آنرا گسترده­ تر هم می­ خواهد.

پیغمبر اسلام رهبری امتی را بدست داشت که در ابتدا اندک و اغلب آنها فقیر و ضعیف بودند و در مقابل خود دشمانی با نفوذ و قدرتمند و ثروتمند داشت که از تعقیب و آزار و بلکه قتل پیروان اسلام نیز پروا نمی­کردند. بطوریکه عده­ای از مسلمین مجبور به جلای وطن شدند و بعداً بقیه مسلمین و خود پیغمبر نیز مهاجرت نمودند. دشمنانشان در هر دو مورد به تعقیب آنها پرداختند و جنگ­های بزرگ پر خونریزیی را بر آنها تحمیل کردند و سالیان درازی نیز بر همین منوال گذشت تا اینکه کم­کم کفه دشمنان سبک و کفه اسلامیان سنگین شد و بالاخره مسلمانان به کلی غالب شدند و دشمنان، بدون قید و شرط تسلیم آنها گردیدند.

سخن و نوع بیان و حساسیت­های قرآن در هر دو این حالات یکی است. پیغمبر اسلام که در حالت دوم علاوه بر موضوع «ابلاغ پیام» ، سنگینی وظیفه «اداره» جامعه مسلمین را نیز بر دوش خود یافت و حالا دیگر علاوه بر رساندن وحی باید به فکر آب و نان مردم، چگونگی معاملاتشان، و علاوه بر آن، چگونگی رابطه با حکومت­های همسایه و غیرهمسایه و بطور کلی جهان خارج از اسلام، و نیز مرگ و میر مسلمانان و آداب مربوطه و انجام عبادات و مناسک و آداب معاشرت و پایه­گذاری سنگ­بنای تمدن اسلامی نیز باشد، و اگر قبل از آن، یک فکر داشت و آن هم جا انداختن توحید و معاد و نبوت برای عده­ای قلیل بود اینک کلیه امور زندگی پیروان اسلام در ید قدرت او در آمده و او اینک مقتدرترین و گشاده دست­ترین حاکم مناطق عرب­نشین اطراف خود است، محور سخنان او و حساسیت­های او هیچ فرقی نکرد.

قرآن در خلال بیست و سه سال و در خلال شکل یافتن این دگردیسی عظیم و به تدریج نازل شده است. اما این تغییر عظیم در زندگی پیغمبر و نیز زندگی و موقعیت مسلمانان هیچگونه تغییری را در کلام قرآن، اصول آن، و مطالب اصلی آن ایجاد نکرد.

ترساندن گناهکاران از عذاب الهی، نفی کامل شرک، ترغیب مردم به رعایت فقیران و ضعیفان، وعده پاداش اخروی به اعمال نیک، با همان شدت و صراحتی که از اولین روزهای آغاز نزول وحی در قرآن دیده می­شود، در روزهای قدرت و ثروت و پیروزی در جنگها و اخذ غنائم نیز با همان شدت و صراحت مشاهده می­گردد. و این چیزی است که در هیج مکتب بشری دیده نمی­شود.

روشن­ترین و نزدیک­ترین مثالی را که از یک مکتب بشری که آنهم داعیه رهبری همه جانبه حیات بشر را داشت، می­توانیم بزنیم، مارکسیسم است که توانست حکومتی تشکیل دهد و بیش از هفتاد سال حکومت نماید که شصت سال آن حکومتی جا افتاده و بلامعارض، مسلط، و در سطح بین­المللی نفوذمند و تأثیرگذار بود بطوریکه یکی از دو ابرقدرت مسلط جهان گشت و آنگاه بدون اینکه خون از بینی کسی جاری شود فرو پاشید و از بین رفت و اینک فقط نامی آن در کتابهاست و خاطره­ای در موزه­ها.

اما می­دانیم دگردیسی در این مکتب به طرز حیرت­آوری شدید و غلیظ است. به محض اینکه کمونیست­ها، بر مبنای مارکسیسم، حکومت تشکیل دادند، فوراً فهمیدند که نمی­شود فقط بر تکیه بر مارکسیسم حکومت کرد لذا اصلاحات پیشنهادی لنین را نیز به آن اضافه کردند و گفتند حکومت ما بر دو مبنا استوار است: مارکسیسم و لنینیسم. (یعنی در مدت بسیار کمی اصول خود را تغییر دادند)

و اصلی­ترین اصول حکومتی­شان مردمی بودن آن و بی­طبقه بودن جامعه بود و همه چیزشان بر «شورا»ها تکیه داشت و حتی نام حکومتشان نیز «شوروی» بود. اما آنچه در واقعیت انجام شد، شدیدترین و عریان­ترین، و ظالمانه­ترین شکل دیکتاتوری بود که هرگز تاریخ بشر، آنرا با این شدت، در این گستردگی و به این صراحت ندیده بود. و هر چند یکبار کنگره­ای تشکیل می­شد و اصول اصلی مارکسیسم – لنینیسم مجدداً مورد تعبیر و تفسیر و تجدیدنظر قرار می­گرفت تا اینکه در زمان آخرین رئیس جمهورشان، اصول کمونیسم، بطور کلی، هم در حوزه نظری هم در حوزه عملی مورد طرد و انکار قرار گرفت تا اینکه اصل و اساس حکومت فرو پاشید. و همه این اتفاقات در زمان ما اتفاق افتاد. از 1917 تا 1990.

و اگر کسی بخواهد اختلاف­های واقع شده در اصول کمونیسم را از 1917 تا 1990 از داخل مصوبات کنگره و مصوبات «پولیت بورو» و تفسیرهای دفتر سیاسی حزب کمونیسم از اصول مارکسیسم؛ و قوانین مجلس ملی (دوما) تدوین کند، چنان اختلاف­های حیرت­انگیز پرحجمی بدست می­آید که بیش از هفتادها من کاغذ خواهد خواست.

اما در مورد قرآن، که منشور و مانیفست اسلام و مسلمانان است، از ابتدا که دوره ضعف و آزار و تعقیب و شکنجه است تا شکوفائی که استقرار و دفاع و پیروزی و غلبه و حکومت است، هیچ اختلافی در اصول و حتی شدید و رقیق شدن آنها را نمی­بینیم.

پیغمبر در حالی که ضعیف و فقیر و مغلوب بود، از قول خدا حرفی می­زند. در روزهای قوت و ثروت و غلبه و حاکمیت نیز درست همان حرف را می­زند.

اینجاست که این آیه را بهتر می­فهمیم که می­فرماید:

**«آیا در قرآن تدبر نمی­کنند که اگر از نزد غیر خدا بود، هر آینه اختلافات زیادی در آن می­یافتید».** (سوره نساء / آیه 82)

بنابراین «عدم اختلاف» در پیام­های قرآنی را [که در طول بیست و سه سال و در شرایط مختلف زندگی و فراز و نشیب­های سنگین، به تدریج و متناسب با آن موقعیتها نازل شده] می­توانیم یکی از خصوصیت­های کلی آن بدانیم که در هیچ کتاب دیگر بشری وجود ندارد و از این لحاظ منحصر به فرد بوده است.

این «عدم اختلاف» نیز چندین محور دارد که یکی از واضح­ترین آنها همان «اصول ثابت آن علیرغم حدوث تغییرات شدید در شرایط بیرونی» است اما هر چه زمان می­گذرد محورهای جدیدی شناخته می­شود.

**یک مثال :**

در سوره نجم که «لمم» را معفوّ دانسته ، اوائل نزول وحی و هنگام ضعف موقعیت آنحضرت بود که گناهان صغیره را معفوّ اعلام کرد .

در سوره نساء که سیئات را معفوّ دانسته ، اواخر نزول وحی و هنگام قوت کامل موقعیت آنحضرت بود که باز هم گناهان صغیره را معفوّ اعلام کرد .

این یک مثال خوب است و از این مثالها (بخصوص در اصول تعالیم قرآن) فراوان است.

**هدایت­کنندگی دائمی بشر**

وظیفه اصلی قرآن، هدایت بشر است. در جایی می­فرماید: ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم: «البته این قرآن به طریقی که از همه طریق­ها درست­تر است هدایت می­کند» (سوره اسراء، آیه 9)

کتاب انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور: «کتابی به سوی تو فرستاده­ایم که مردم را از تاریکیها خارج کرده بسوی نور ببری» (سوره ابراهیم آیه 1)

البته این درست است که:

قرآن فصیح و بلیغ است آنهم در سطحی اعجازی و غیرقابل معارض. و بطور اعجازآمیزی دارای ابعاد متعدد معانی است. و بطور معجزه­آسائی زیباست. اختلافی در آن نیست. اعجاز عددی حیرت­انگیزی دارد. پیشگوئی تحقق­یافته کوتاه­مدت تاریخی دارد. پیشگوئی­های تحقق­یافته کوتاه مدت کشدار دارد. پیشگوئی­های تحقق یافته­ای دارد که تا زمان ما ادامه یافته و هنوز هم درست است، پیشگوئی­های علمی دارد که امروز درستی آن محقق شده. در بیان خود صریح و مطمئن و قاطع است و ... و هیچیک از صفات فوق در کتاب­های محصول فکر بشر یافت نمی­شود و لذا قرآن از هر یک از نقطه­نظرهای فوق معجزه است.

همه اینها درست است.

اما:

کار اصلی قرآن ارائه سبک ادبی و هنری و انجام پیشگوئی نیست بلکه کار اصلی قرآن هدایت انسانها، نجات و آزاد کردن آنها از ظلمات جهل و خرافات و سنت­های غلط ناشی از جهالت است. کار اصلی قرآن رساندن بشر از ذلت به عزت و از بندگی هوا و هوس و خرافات به پیروی حق و حقیقت و ارزشها و رساندن او به آزادی و سرافرازی است.

و البته قرآن در این زمینه کاملاً موفق بوده و آنقدر موفق بوده که هیچ رقیبی ندارد. و هیچ کتابی هرگز موفق نشده است اینقدر در این زمینه توفیق یابد.

قرآن موفق شده اعراب جاهل وحشی بد دین را در مدتی کمتر از عمر یک نسل متمدنِ نیک دین کند. قرآن بعداً موفق شده به تمدن اسلامی هویت خاص آن را ببخشد و آن را از گمراهی­های تمدن یونان و روم نجات دهد. قرآن موفق شده پیروان خود را به این خودآگاهی برساند که آنچه دارند بهتر از چیزی است که دیگران دارند و آنها را در پیروی خود استوار بدارد.

قرآن هم اکنون نیز دارد همان نقش هدایت­کنندگی را برای کل جهان بشریت امروز انجام می­دهد و این نقش هدایت­کنندگی، هم اکنون نیز ادامه دارد.

و چون این بحث اهمیت خاصی دارد آنرا در فصل­های جداگانه­ای عرضه   
می­ کنیم:

1

نمونه­ای از هدایت­کنندگی

قرآن در جامعه­ای نامتمدن ظهور کرد اما همه عناصر اصلی یک جامعه متمدن عالی را در خود داشت.

جامعه­ای که قرآن در آن طلوع کرد، جامعه­ای بود با مشخصات ذیل:

1- حکومت نداشتند و بصورت قبایلی اداره می­شد.

2- غیر از یکی دو تا آبادی متمرکز مانند مکه و طائف و یثرب که به اصطلاح امروز می­توان آنها را شهر بدون شهردار نامید، بقیه مردم آن محدوده قبایل متفرق چادرنشین اسکان نیافته بی­تمدنی بودند که زندگی خویش را از شکار و کرایه دادن شتر و راهزنی و غارت دیگران می­گذراندند.

3- خط و سواد و پزشکی و علوم و صنعت نداشتند.

4- ضروری­ترین احتیاجات مادی خود را از طریق دو بار تجارت زمستانه و تابستانه در سال تأمین می­کردند. و این تجارت نیز به همسایه نزدیکشان یعنی شام محدود می­شد.

قرآن در چنین جامعه­ای طلوع کرد اما در آن هیچ آیه­ای نیست که از ارزش­های بدوی و چادرنشینی و خانه بدوشی و کولی­گری و کوچ­گرایی حمایت شده باشد اما آیاتی که در آنها از ارزش­های جوامع متمدن حمایت شده باشد زیاد است.

عناصر اصلی تمدن­های بشری عبارت است از:

1- از لحاظ افراد – یعنی شهروندان آن تمدن – اعتماد به نفس و احترام به خویش.

2- از لحاظ خانواده، محترم دانستن کانون خانوادگی، علاقه و دوستی داخلی بین اعضاء خانواده، اهمیت دادن و دقت در مقررات مربوط به ازدواج، طلاق، ارث و غیره.

3- از لحاظ اجتماعی، اهمیت دادن به آداب معاشرت و وضع مقررات لازم و اهمیت دادن به اجرای شایسته آن و اصلاحات مداوم در جهت بهبود وضع فردی و اجتماعی مردم.

4- از لحاظ اقتصادی، اهمیت دادن به کشاورزی، صنعت، تجارت، و وضع مقررات عادلانه راجع به آنها.

5- از لحاظ حکومتی، مشخص کردن حق حکومت نسبت به مردم، تعیین دقیق مالیات و مشخص کردن چگونگی خرج آن، وضع قوانین مشخص راجع به دفاع و پرداختن به امور نیروی انسانی و نیز جنگ­افزار و سایر مقررات مربوطه.

6- از لحاظ فرهنگی، توجه نشان دادن به علوم و مبارزه با بی­سوادی و نیز توجه نشان دادن به هنرها.

در قرآن کریم به همه این عناصر، و جزئیات مربوط به آن، توجه شده و به آنها پرداخته و آنها را مورد اهمیت قرار داده و تشویق شده است.

نتیجه­اش هم که مشاهده شد! عده­ای آدم­های وحشی، غارتگر، بی­فرهنگ، زنده بگور کننده دختران، سوسمارخوار، در مدتی کمتر از یک نسل به چنان موقعیتی رسیدند که رشک سایر جوامع شده و الهام­بخش آنان و تأثیرگذار بر آنان گردیدند. و تمدنی آفریدند که باید تاریخ تمدن ویل دورانت را خواند تا به گوشه­هائی از عظمت آن پی برد.

2

اصلاح عقاید دینی کل بشریت

چنانکه می­دانیم قرآن در زمانی نازل شده که بدون تعارف کل بشریت دچار واضح­ترین و علنی­ترین نوع شرک بود.

در شاخه غربی جهان متمدن آن روز یعنی روم عملاً سیستم چند خدائی روم باستان به داخل عقاید رسمی مسیحیت نفوذ کرده و توحید مورد تبلیغ حضرت عیسی(ع) را بصورت تثلیث در آورده بود و در شاخه شرقی نیز که ایران دوره ساسانی باشد توحید مورد تبلیغ زرتشت را به سیستم دو خدائی دوره ساسانی تنزل داده بود.

از بقیه جوامع نیز که بهتر است دیگر چیزی نگوئیم. زیرا در هندوستان حتی در همین زمان معاصرمان یعنی همین الان هم آشکارترین نوع شرک بطور وضوح دیده می­شود و دیدن آن فقط یک مسافرت می­خواهد. سایر ممالک شبه قاره هند نیز به همچنین. شرک آشکار هزاران خدائی اقوام سرخپوستی و قبایل شمال اروپا نیز معروف­تر از آن است که نیاز به شرح و توضیح داشته باشد. همگان اسم «اودین» (خدای خدایان) و «والهالا» (مقر خدایان اقوام شمال اروپا در آسمان­ها) را شنیده­اند و این مختصر جای شرح و بحث آن نیست.

یعنی اینکه شرک علنی و آشکار چیزی نیست که لازم باشد بگردیم و جستجو کنیم و آثارش را بیابیم بلکه خودش و پیروانش را می­توانیم همین الان هم به آسانی پیدا کنیم.

اما همین امروز، همین مشرکان، شرک خود را «توجیه توحیدی» می­کنند.

مسیحیان می­گویند درست است که ما سه «اقنوم» را مؤثر می­دانیم اما آنها مانند سه ضلع یک مثلث از یکدیگر تفکیک­ناپذیرند زیرا مثلثی که یکی از اضلاعش مستقل باشد هر چه باشد، در هر حال دیگر مثلث نیست. و لذا آنها سعی می­کنند با «توجیه توحیدی» تثلیث، آنرا معقول و منطقی کنند.

تقریباً همه ادیان دیگر نیز همین طرز بیان را دارند.

زرتشتیان نیز بجای «دو مبدأ مؤثر جداگانه»، امروز به «دو وجه مختلف از یک حقیقت» تأکید می­کنند.

و سایرین نیز همچنین. گرچه در بحث و اثبات سخن خویش در می­­مانند اما حرفشان همین است. «یک حقیقت که به وجوه مختلف جلوه­گری می­کند» را تبلیغ می­کنند.

خلاصه اینکه امروز مشرکان عالم، نوعی «شرک اصلاح شده» را تبلیغ می­کنند که شباهتی به توحید اسلامی پیدا کرده است.

خلاصه اینکه قرآن سبب شده است عقاید کل مردم جهان اصلاح شود ولو اینکه اسم اسلام را نپذیرند.

3

سایــر

سه مورد که قبلاً اشاره شد «کلی» بود و مربوط به «مجموعه تعالیم قرآنی»   
می­شد که روی کلیت فکر و ذهن افراد تأثیر می­گذاشت و سبب تغییر اصولی و ذاتی آنها می­شد و این نه فقط سبب اصلاح خودشان می­گردید بلکه جوامع آنها و بالاخره کل جهان انسانی را نیز تحت تأثیر قرار می­داد.

اما اگر بخواهیم دنبال موارد جزئی و این آیه و آن جمله و این عبارت و آن مفهوم قرآنی که حتی همین امروز هم چنین نقشی دارند بگردیم، موارد بسیار زیاد است و تحقیق بسیار گسترده­ای را می­طلبد که از توان افراد خارج است بلکه مؤسسات علمی و تحقیقی خاصی باید در این جهت سازمان یابند تا بتوانند بطور مستمر چنین مأموریتی را پیگیری کنند زیرا به میزان رشد و توسعه جوامع بشری، آیات بیشتری از قرآن فهمیده می­شود و پیشگوئی­های تاریخی و علمی جدیدتری به تحقق می­پیوندد و به همین نسبت پیشگوئی­های جدیدی که تا آن موقع مورد غفلت قرار گرفته، مورد توجه قرار می­گیرد و به ذهن بشر و بشریت «خط» می­دهد و «ارائه طریق» می­کند.

مثلاً «امر هم شوری بینهم» که اساس حکومت­های دموکراسی است در آن روزهای اولیه نزول قرآن تا دو قرن قبل فقط یک «دستور اخلاقی برای زبدگان مؤمنان» تلقی میشد اما اینک بعنوان یک «روش زندگی» جا افتاده است و امروز دیگر «اصل آن» بعنوان یک «خواسته» مطرح نیست بلکه امروز «اجرای کامل آن» بعنوان یک «خواسته» مطرح است.

چنین مواردی در قرآن کریم بسیار زیاد است و گرچه نمی­توان همه آنها را ذکر کرد اما ذکر تعدادی از آنها بعنوان نمونه برای جلب توجه محققان و فرهیختگان لازم و مفید است.

لذا در صفحات آینده، بعضی آیاتی را که در آنها چنین حالتی بطور وضوح دیده می­شود مطرح، و شرح مختصری نیز در رابطه با نوع «هدایت­کنندگی» آنها عرض   
می­شود:

**مثال1 : آینده اسرائیل**

در سوره اسراء چنین میفرماید :

و درباره بني اسرائيل در آن کتاب مقرر کرديم که شما حتمأ در زمين دوبار فساد مي کنيد و سركشي بزرگي خواهيد كرد (4) و وقتيکه موعد اولتان سر رسيد، بنده اي از بندگان خويش را عليه شما برگماشتيم که بسيار نيرومند بود تا اينکه درون شهرهايتان را نيز جستجو کردند و اين وعده (قبلاً) انجام شده است (5) سپس شما را مجددأ بر آنها برگردانديم و به اموال و فرزندان مددتان داديم و شما را از آنان بيشتر نموديم (6) اگر احسان کرديد بنفع خودتان است و اگر هم بدي کرديد به ضرر خودتان کرده ايد و وقتيکه موعد دوم بيايد چهره هايتان اندوه بار خواهد شد و آنها حتمأ داخل آن مسجد ميشوند همانطور که بار اول داخلش شدند و آنچه را که برآن مسلط شدند نابود خواهند کرد (7) و پس از آن به بني اسرائيل گفتيم در آن سرزمين سکونت کنيد، و هنگامي که موعد آخر بيايد همگي شما را با هم (باز) مي آوريم (104)

با توجه به آیات قبل معلوم می­شود منظور از کلمه «مسجد» در آیه 7 همان «مسجدالاقصی» است.

این آیات، یعنی آیات 4 تا 7 و نیز آیه 104 سوره اسراء به وضوح آینده سخت و نامطلوبی را برای اهالی کشوری به نام اسرائیل پیشگوئی می­کند. و جمله «همانطور که بار اول داخلش شدند» در آیه 7 این معنی را می­دهد که یهودیان لااقل یکبار بشدت دچار پراکندگی شده­اند بطوریکه اساس اجتماعشان در هم پیچیده شده و به شدت تحت تعقیب قرار گرفته و به حالت فرار به همه جا سرازیر شده­اند.

این جریان همان است که در زمان نبوت حضرت الیاس(ع) که مقارن پادشاهی «بخت­النصر» (نبوکد رزار) بود که توسط همو اتفاق افتاد که صحنه­های مختلف آن را باید در تواریخ جستجو کرد و آنها آواره، و مدتها بعد و در زمان (زنده­یاد) کورش هخامنشی، و بدست همو، دوباره به مأمن خویش باز گردانده شدند.

در تاریخ یهود غیر از این واقعه چیز دیگری نمی­یابیم که تأویل قسمت آخر آیه 5 باشد.

البته این را هم باید بدانیم که یهودیان هرگز به آن آقائی و شوکت و قدرت و حرمت دوره داود و سلیمان(ع) نرسیدند و درست است که کورش کبیر آنها را برگرداند اما آن حکومت ضعیف تحت الحمایگیِ بیگانگان کجا و آن دوره سیادت دوره داود و سلیمان کجا؟

اتفاقی که در سال 1948 افتاد که دولت اسرائیل تشکیل شد و تاکنون حدود شصت و هشت سال از آن می­گذرد، و پیدایش این قدرت و شوکت فعلی یهودیان محصول آن است و با مدلول آیه 6 کاملاً همخوانی دارد.

اما حفظ و دوام قدرت و شوکت حکومت مذکور، در آیه مشروط به «احسان» آنها شده و چون می­دانیم که احسان و بنی­اسرائیل مانند جن و بسم­الله دو موضوع متنافرند، لذا، طبعاً سرنوشت آنها همان خواهد بود که در انتهای آیه 7 ذکر شده است.

در هر حال از این آیات به وضوح و روشنی کامل چند چیز فهمیده می­شود:

1- بنی­اسرائیل دو بار در روی زمین فساد می­کنند.

2- دفعه اول وعده­اش سر آمد و آنها به شدت سرکوب و پراکنده شدند.

3- بعداً دوره­ای می­آید که وضعشان کم­کم روبراه می­شود و سری توی سرها در می­آورند و بلکه در بعضی جهات شاخص هم می­شوند.

4- اما کم­کم (در اثر عملکرد خاص ذات بنی­اسرائیل­شان) مورد نفرت عمومی واقع می­شوند و «آنها» (= دشمنانشان) وارد «آن مسجد» خواهند شد و سپس هرچه را که بر آن استیلا یافتند نابود خواهند کرد و بطور کلی طومار آنها در هم پیچیده خواهد شد.

ضمناً این نکته هم در بطن مطالب فوق هست که این عاقبتی که در انتظار بنی­اسرائیل هست، کاملاً منصفانه و عادلانه است زیرا نتیجه افساد آنهاست و می­توانست آنطور نباشد و می­توانست در صورتیکه آنها بجای افساد، احسان می­کردند، از دیگران نیز احسان ببینند. اما چون نمی­توانند جلوی خود را بگیرند و جز افساد کار دیگری از آنها بر نمی­آید، به چنان عاقبتی دچار خواهند شد.

لذا وجه هدایتی این آیات در دو جهت است یکی از نظر مسلمانان و آن این است که روی این عاقبت اسرائیل سرمایه­گذاری کنند و مبارزه را رها نکنند و با اطمینان به پیروزی، در جهت سازماندهی و دفاع و مقاومت فکر و عمل مؤثر کنند.

از جهت دولت­های غیراسلامی (مثلاً دولت­های اروپائی و ملت آمریکا و غیره) نیز این امر قاعدتاً باید قابل توجه باشد که روی طرف بازنده سرمایه­گذاری نکنند. اسرائیلی که طومارش در هم پیچیده خواهد شد قابل و لایق این همه حمایت­های مالی و تسلیحاتی و اطلاعاتی و علمی و تبلیغاتی نیست.

این یک نمونه کوچکی است از هدایت­های قرآنی که هم اکنون خطاب به همین بشر امروزی اوایل قرن بیست و یکم دارد انجام می­شود.

اینک که ما این نکات را درباره حکومت فعلی اسرائیل فهمیدیم خود بخود این سئوال برای ما پیدا می­شود که این نابود شدن اسرائیل چگونه صورت خواهد گرفت؟

پیدا کردن پاسخ سخت نیست.

اسرائیل حکومتی است بسیار بد رفتار و تنها **حامی موثر** آن نیز آمریکاست و خود آمریکا نیز مشکلات حاد درونی دارد و در آینده­ای نه چندان دور نمی­تواند در مقابل مدعیان جدید دنیا مانند چین و اتحادیه اروپا و قدرت­های اقتصادی و علمی و تکنولوژیکی جدیدی که در دنیا در حال شکل­گیری است (که نوعاً در قاره آسیا متمرکزند) تاب بیاورد و لذا اسرائیل با از دست دادن تنها حامی خویش، در مقابل دریاهای خروشانی از کسانی که مورد نفرت آنهاست و در زمانی طولانی، به آنها ظلم کرده و حقوقشان را غضب نموده و فرزندانشان را کشته و آنها را بی­خانمان نموده و غیره، تنها می­ماند و در آن صورت معلوم است چه بر سرش خواهد آمد.

از آیه 104 چنین فهمیده می­شود از بین دو حالت ممکن، اسرائیلیان، آن مسیری را انتخاب خواهند کرد که به نابودی آنها منجر می­شود و تأکیدی است بر اینکه این امر حتماً اتفاق خواهد افتاد. (بخصوص توجه کنید به دو آیه قبل که به نتیجه دنیائی - و نه آخرتی - فرعون توجه می­دهد)

نکته:

اما واقعاً خوانندگانی که قبل از سال 1948 میلادی این آیات را می­خواندند، این چیزهائی را که ما امروز به وضوح و روشنی از آن می­فهمیم می­فهمیدند؟

این آیات چنان تر و تازه است که انگار همین الان و برای ما نازل شده است.

ملاحظه فرمودید؟

در این چند آیه، چگونه یک پیشگوئی دقیق از چنین موضوع حساس و مهمی یافتیم و چطور به سهولت «نقشه راه» آن را نیز پیدا کردیم و چگونه در اثر همه این چیزها توانستیم بفهمیم که برخورد ما با پدیده­ای بنام اسرائیل چگونه باید باشد؟

این یک نمونه کوچک است از: الهام­بخشی، رهنمود دهی، بارور نمودن ذهن مومنان، و هدایت­کنندگی دائمی قرآنی.

قرآنی که مسلمانان از این جهت کمتر به اهمیت آن پی برده­اند و کمتر از این لحاظ به آن مراجعه کرده­اند. بطوریکه می­توان گفت چه بسا شکایتی که در روز قیامت از قول پیغمبر(ص) راجع به بی­توجهی نسبت به قرآن در آیه 30 سوره فرقان نقل شده است راجع به همین وجه قرآن باشد که چرا مسلمانان برای «چیزی فهمیدن» و برای «فکر جدید یابی» و برای «اصلاح فکر خویش» و برای «رشدیابی» به قرآن کریم مراجعه نمی­نموده­اند.

**مثال 2 : یک نمونه از بارور نمودن ذهن مومنان در خصوص یک موضوع مربوط به باستان­شناسی.**

در کتاب خویش به نام «آثار قوم لوط» (ر. ک. سایت) عرضی کرده ایم که خلاصه آن این است که محل شهر لوط در قرآن با دقت زیاد تعیین شده است .

اگر کسی این سرنخ را پیگیری کند و به حفاری بپردازد چنان دستاورد های جالب و جاذبی بدست خواهد آمد که جدا ارزشمند خواهد بود . مثلا :

1 – زمان حضرت لوط که متعلق به «ما قبل تاریخ» است به «دوره تاریخی» انتقال خواهد یافت .

2 – زمان حضرت ابراهیم نیز که معاصر لوط بوده به «دوره تاریخی» انتقال خواهد یافت .

3 – علم تاریخ بشر بسیار غنی تر خواهد شد .

4- پیشگوئی های تحقق یافته قرآنی بسیار غنی تر خواهد گردید .

5 – توجه جهانیان به قرآن جلب و عده زیادی تقویت ایمان خواهند یافت .

و بعبارت دیگر قرآن مطالبی دارد که به تدریج و در طول زمان و همراه با رشد فکری بشریت مفهوم می­گردد.

یعنی اینکه قرآن برای مردم هر عصر «پیام»هائی دارد که مردم اعصار قبل از آنها نمی­توانند آن پیام­ها را بگیرند زیرا به حد درک و فهم آن پیام­ها نرسیده­اند. امروز هم همینطور است.

امروز هم قرآن برای مردم زمان ما «پیام»هائی دارد که اگر دقت کنیم شاید بتوانیم آنها را بگیریم. که در مطالب دو فصل قبل دو تا از آن­ها را دیدیم.

مثلا پیامهایی که امروز میتوانیم از قرآن دریافت کنیم و بوسیله پیگیری سر نخ های آن مشکلات بشری خویش را حل کنیم چه چیزهایی میتواند باشد؟

مهم ترین درد بشرِ امروز اضطرابات متنوع و مهمی است که به آنها دچار شده است.

باندهای پرقدرتِ همه نوع جنایات ، جانوران غول شده ژنتیکی ، مهاجمان احتمالی تازنده از کرات دیگر ، تحقیقات مخفی سازمان های پرقدرت نظامی و امنیتی که منجر به تولیداتی میشود که کل حیات را در روی این کره زمین تهدید میکند ، گسترش فساد سازمان یافته در ارکان سیستم های حکومتی بطوریکه همه دزد شده اند و هرکس بالاتر است دزد تر است ، وجود سلاح های منهدم کنندهء دارای اثر عمیق و وسیع ، ازدیاد بی کنترل جمعیت ، آلوده شدن روز افزون محیط زیست ، کم شدن و بلکه تقریبا از بین رفتن عواطف انسانی بخصوص داخل خانواده ها و حتی از بین رفتن و فروپاشی نظام خانواده و نگرانی هرکس که وقتی پیر شوم عاقبتم چه خواهد شد ، سرعت عجیب پیشرفت تکنولژی و فورا عقب ماندنِ عده زیادی از آن ، زیاد شدن تنوع تخصص ها و در نتیجه بیچارگی بشر عادی که در بین اینهمه گرفتاری گیر میکند که رفع هریک از یک متخصص بر می آید که برای آن مطالبه کلان دارد ، خطراتی که هر لحظه در کمین هر کسی است و صفحه حوادث روزنامه ها گوشه ای از تنوع و کثرت آنها را باز میگوید ، سیل ها و طوفان ها و اپیدمی ها و امثال آنها ، مسابقه دیوانه واری که همگی در آن شرکت دارند که خود را و زندگی خود را مانند کسانی کنند که به خیالشان از آنها «بالا تر» اند کنند و تحمل هزینه سنگینِ دائما مد عوض کردن که نتیجه اش این است که به محض اینکه چیزی را تهیه کردند فورا باید یک مدل جدیدتر را که به بازار آمده جایگزین آن کنند ، گسترش جرم و جنایت های هولناک ، و . . .

نتیجه همه اینها احساس تنهائی و بی پناهی و بی دلخوشی و اضطراب و باز هم اضطراب بشر است که بزرگترین درد امروز است و «افسردگی» آنقدر شایع است که بیماری قرن لقب گرفته است .

بشر به خیال خویش برای تسکین روح افسرده خود به مخدرها و الکل و سرگرمی ها و خرافات و جادو جنبل و عرفان های کاذب و خلاصه هر کسی که آدرسی برای رهائی از این گرداب ها میدهد روی میکنند که البته اکثر آنها هم دروغ و خرافه و اباطیل تحویل میدهند .

امروزه سیستم ها و سازمان هائی وجود دارند ، و دائما ، هم به تعداد، و هم به دامنه فعالیت شان، افزوده میشود ، که خروجی فعالیت شان چیزی جز پمپاژ پر حجم اضطرابات در روح و روان بشر و تزریق خرافات و اباطیل در ذهن او نیست .

به اینهمه اباطیل و مزخرفات که دائما از برخی موسسات تولیدات سینمائی و نیز برخی کتاب ها و مجلات ، دم به ساعت بیرون می آید ، نگاهی بیاندازید : مثلا :

**1/2- خرافه «فضائی ها»**

مطابق یک ضرب المثل ، برای اینکه کسی یک حق را زیر پا بگذارد می باید ده ها باطل را روی چشمش بگذارد .

پذیرفتن خرافه فضائی ها هم همینطور است .

اینک که اواخر سال 1394 باشد این نگارنده تقریبا 70 ساله است و به یاد می آورد که از حدود 15 سالگی خویش ترجمه هائی در یکی از مجلات شِبه علمی آن روزها میخواند که در روی زمین آثار و علائمی هستند که نشانه موجوداتی پیشرفته تر از انسان است که از کرات دیگر به زمین آمده و مدتی هم در زمین توقف کرده اند و دلایلی هم ارائه میکردند و مثلا میگفتند اهرام مصر از برخی قطعات یکپارچه سنگی تشکیل شده که وزن بعضی از آنها بیش از صد تن است و چگونه ممکن است توسط فراعنه ساخته شده باشد در حالیکه در زمان آنها هنوز چرخ و اهرم اختراع نشده بود و نتیجه میگرفتند که این نوع آثار دلیل بر موجوداتی برتر و پیشرفته است که از کرات دیگر به زمین آمده و این آثار را به عنوان نشانه هائی برای همانندان خویش در زمین گذاشته اند تا آنها بتوانند هنگام سفر به زمین با شناسائی این نشانه ها پایگاه های خود را یافته و ماموریت هایشان را دنبال کنند .

اکنون که چندین دهه از آن روز ها میگذرد جهان در مقابل سیلی از نوشته ها ، کارتون ها ، فیلم ها ، و بازیهای کامپیوتری ، و سایر روش های القاء این مطلب بوده ، و تاثیری که از این مسیر پذیرفته این است که امروز حتی برای کودکان هم این نکته جا افتاده که نگران «فضائی ها» باشند که روزی عده ای با تکنولژی بالاتر به زمین بیایند و زمینیان را برده خویش کنند و ذخایر زمینی را ببرند .

یکی از بهترین نمونه های این نوع فیلم ها فیلم «دروازه ستارگان» است که امروز براحتی از هر سی دی فروشی میتوان خرید و در آن نشان داده میشود که «مباشر زمینی» آن فضائی ها چطور جای پیامبران را در مدل اعتقادی ما گرفته و چطور فرمان های آنان را به عنوان احکام دینی به «مردم» ابلاغ میکرده است .

اگر کسی از مبلغانِ این لاطائلات بپرسد «آن موجودات برتر فضائی علم و تکنولژی خود را از کجا گرفته اند؟» حتما خواهند گفت آنها هم از موجودات «برتر» تر گرفته اند ، و با این جواب فقط صورت مسئله را یک قدم دیگر به عقب برده اند ، نه اینکه جواب مقنعی داده باشند .

قرآن به این دغدغه خاطر بشر ، (**که ایجاد آن ، نتیجه کوشش ده ها هزار آدم نخبه از قبیل نویسندگان و روزنامه و مجله داران و فیلمسازان وغیره و غیره و صرف میلیاردها دلار هزینه و زمانی در حدود 70 سال**  **برای رسیدن** **به آن منظور باشد)** این پاسخ را میدهد که نگران مهاجمان بیرونی نباشید که ما آسمان را مانعی برای نفوذ شریران قرار داده ایم ، آنجا که می فرماید : **انّا زیّنا السماءالدنیا بزینة الکوکب و حفظا من کل شیطان مارد (آیه های 6 و 7 سوره صافّات)**

قرآن با این آیه ها ، و آیات دیگر در جاهای دیگر ، آن اضطراب حاصل از آن خرافه را باطل و آرامش فکری و روانی شایسته و بایسته را به بشرِ معتقد باز میگرداند .

**2/2 – سایر خرافاتِ اضطراب زا**

موجودات غول شده ژنتیکی (مثلا گودزیلاها و امثال آن) ،

مدت کمی پس از جنگ جهانی دوم و فاجعه انفجار هسته ای در دوشهر ژاپن که به تسلیم آنها منجر شد ، اولین فیلم های «گودزیلا»ئی توسط خود ژاپنی ها تولید و مورد استقبال بینندگان قرار گرفت ، که خود این استقبال مشوق سازمانهای فیلم سازی هالیودی – که قدرت مالی و هنری بالاتری داشتند – گشت که بطور تولید انبوده از این نوع فیلم ها بسازند و روانه بازار کنند .

خود اصل فیلم های اولیه گودزیلائی بازتاب نگرانی عمیق و گسترده مردم بود که نکند دوباره کسی دکمه ای را فشار دهد و فاجعه هائی مانند هیروشیما و ناکازاکی به بار آید ، اما ، فروش خوب فیلمهای مذکور و مزه کردن شیرینی پول زیر زبان تهیه کنندگان آن نوع فیلمها ، مشوق قوی تری برای تولیدات بیشتر فیلم های دیگری در زمینه های دیگری – غیر از گودزیلا اما با همان عنصرِ موجودات خطرناکِ غیر قابل مهار – که کلا به «ژانر وحشت» موسوم است – گردید که هر روز بر دامنه تنوع و گستردگی آنها افزوده میشود و خود این موضوع یک عامل دائمی برای ایجاد نگرانی در روح و روان کودک و نوجوان و بزرگسال است که چه نشسته اید که در هر لحظه ممکن است یک موجود غول آسای بشدت خطرناک و ویرانگر که کل ارتش های دنیا هم قادر به مقابله اش نیستند پیدا بشود و زندگی شما را نابود کند .

واضح است که کل این نوع موضوعات چیزی جز دروغ و تخیلات بی اساس نبوده و یک برگه تایید علمی هم ندارد ، اما ، از این موضوع – یعنی ایجاد ترس و نگرانی برای میلیونها مردم – پول های هنگفتی برای سازندگان این قبیل فیلمها حاصل میشود که نمیتوانند از آن بگذرند ، و لذا می بینیم روز به روز ، هم به تعداد و هم به تنوع آنها ، افزوده میشود .

جادو و شیطان و نفوس شریر و شبح و روح ،

وجود جادو - و به عبارت قرآنیِ آن «سحر» - با توجه به آیه 102 سوره بقره ، اجمالا مورد پذیرش است ، اما ، به این بی در وپیکری و وسعت دامنه ای که در داستانها و افسانه های ملل مطرح است ، البته مورد قبول نیست . داستانهای هزار و یکشب و داستانهای اروپائی ، از قبیل سیندرلا و کوتوله ها و سفید برفی و امثال آنها که با وسعت و شدت زیاد وارد اذهان کودکان و نوجوانان ما میشود ، البته همه اش خرافات و باطل است .

البته هر قومی افسانه هائی دارد ، مثلا ما شاهنامه فردوسی را داریم که جمع آوری افسانه های اقوام آریائی قدیم است که نشاندهنده چگونگی متمدن شدن آنان و خروج از زندگی کوچ نشینی و شکارچیگری و رو نمودن به کشاورزی و استقرار است ، و همچنین در غرب ایلیاد را داریم که همان کارکرد شاهنامه را در مورد آنان دارد که توسط هومر تدوین شده که هردو مربوط به زمان های خیلی دور است و نیز هردو پر است از مطالب عجیب و غریب و غیر قابل باور و خدایان که البته عادت کرده ایم آنها را همان «افسانه» بنامیم و چندان جدی نگیریم .

اما افسانه های پیدایش انگلستانِ جدید خیلی به ما نزدیک است و نه تنها به هزار سال هم نمیرسد که بیش از دور و بر پانصد سال هم قدمت ندارد و با داستان «آرتور» شاه شروع میشود و مقارن است با برچیده شدن ملوک الطوایفی و پیدایش قدرت مرکزی و پذیرفته شدن مسیحیت .

پیدایش آرتور شاه – چنانکه بطور خلاصه از افسانه های آنان نقل میشود - از همان ابتدا بطور جادوئی شکل گرفت بطوریکه مادرش که جادوگر بود از طریقی جادوئی شوهرش را کشت و زن کسی شد که آرتور از نطفه او است .

آرتور از همان بدو کودکی بدستور یک جادوگر از خانواده جداشد و تحت تعلیم «مریلین» که جادوگر و معلم او بود بزرگ شد ، تا اینکه در سن جوانی به وجهی جادوئی در جنگی که داشت بطور کامل باخت را نصیبِ طرف مورد علاقه آرتور میکرد پیروز شد و حکومت مرکزی تشکیل داد و سپس در اثر جادو های اعمال شده توسط خاله اش بنیان سلطنتش ضعیف شد و در جنگی که در اثر ضعف او در گرفت توسط خواهر زاده اش که ضمنا پسر خودش هم بود – زیرا او به وجهی جادوگرانه بدون اینکه بداند با خواهر خودش مجامعه کرده بود – کشته شد .

این افسانه بسیار مشهور و موضوع کتابها و داستانها و فیلم های زیادی – از جمله «مِه های آوالون» - است که در سی دی فروشی ها عرضه میشد که من آن را دیده ام .

افسانه های جادوگری انگلیسی چنان در سطح وسیع و چنان در عمق زیاد پذیرفته شده که اسامی برخی از شخصیت آن افسانه ها به عنوان اسم روی بچه ها گذاشته میشود ، مثلا اسم «مریلین مونرو» بازیگر مشهور دهه شصت از اسم همان جادوگرِ معلم آرتور گرفته شده است .

بطورکلی موضوعات مربوط به جادو و جادوگری چنان با فرهنگ انگلیسی عجین است که اگر آن را از این جدا کنیم چیزی باقی نمی ماند ، مثلا از آثار شکسپیر در صورت خذف عناصر جادوئی و جادو گری ، کل «مکبث» حذف میشود و قسمت عمده ای از سایر آثار او نیز حذف میشود .

این عجیب نیست که این مزخرفات هری پاتری اینقدر پرفروش شده و بهمین جهت یک زن معمولی با استعدادهای معمولی را ناگهان سوپر میلیونر کرده ، دلیلش این است که این نوع اباطیل با باورهای رسوخ یافته در عمیق ترین لایه های فکرشان قرابت فامیلی دارد.

البته وقتیکه میگوئیم «فرهنگ انگلیسی» ، باید بدانیم که «فرهنگ آمریکائی» نیز همان است زیرا آمریکا تاریخی ندارد و از «سرریز» اروپا به وجود آمده ، اما چون بعدا به عللی که جای شرحش اینجا نیست آمریکائیان قدرتمند و ثروتمند شدند فرهنگشان هم توسط کشورهای فرودست وارد شد و چون ذات آنها جادوگرپندار بود اول هالیوود مقادیر زیادی فیلمهای جادوگر مآبی (مثلا درزمان جوانی بنده فیلم جک غول کش و امثال آن) ساخت که بعدا سینماهای کشور های دیگر و مخصوصا هندوستان و دیگران و اخیرا چین – که دیگر واقعا آن را به حد بالای ابتذال رسانده – همین نوع فیلم را ساختند و اینطور شد که موضوعات جادو و روح و شبح و جن و شیطان و هیولاها اینقدر در همه جا دیده میشود و طوری شده که اگر کسی بگوید همه اینها دروغ و بی اساس و مهمل و باطل است با تعجب به او خیره میشوند که این معنی را میدهد که آقا سرت به جائی نخورده؟

اما ناگزیریم لا اقل اینقدر به موضوع بپردازیم که بر اساس مندرجات قرآن کریم منشاء سحر ، آنطور که در آیه 102 سوره بقره – در داستان هاروت و ماروت - آمده ، منحصر به موارد محدودی بوده ، و تازه ، تاثیرش هم – مانند هر چیز دیگر – مقید به «اذن الله» است ، و خود آن بر دو نوع است : واقعی و قلابی .

نوع قلابیِ سحر شعبده بازی است ، که در داستان موسی و فرعون آمده ، که ساحران مصری چیزهائی را – به تعبیر قرآن «حبالهم و عِصیّهم» (ریسمانهائی و چوبهائی) – را می انداختند و آنها در اثر حقه های فیزیکی – شیمیائی حرکت هائی میکردند و مردم - به تعبیر قرآن «یخیّل انّها تسعی» (تصور میشد که به تندی حرکت میکنند) - چنین تصور میکردند که آنها واقعی هستند .

موضوع فوق ، یعنی اتفاقی که در داستان موسی و فرعون افتاد در حقیقت جادو نیست بلکه فیزیک و شیمی و مکانیک است واسمش هم شعبده است و قابل آموزش دادن و آموزش یافتن است .

اما ، سحر را فقط در قرآن و در داستان هاروت و ماروت (آیه 102 سوره بقره) می یابیم ، که البته دامنه بسیار محدودی دارد و ثانیا با پناه بردن به خدا بی اثر است .

اما در همان آیه چیز دیگری راهم مطرح میکند و آن این است که - به تعبیر قرآن: «ماتتلوا الشیاطین علی ملک سلیمان» (آنچه که شیطان ها بر فرمانروائی سلیمان خواندند) – است که ممکن است آن را نیز از باب سحر بدانیم که اینطور نیست و آنهم از باب علم است .

البته توضیح این فقره مفصل است ولی چاره ای نیست و شرح مختصری میدهیم :

سلیمان نبی (ع) وقتیکه میخواست تخت پادشاهی ملکه سباء را به تشکیلات خودش منتقل کند – آنطور که قرآن میگوید - با اعضای ستادش مشورت کرد و یکی گفت من آن را «قبل از اینکه از جایت برخیزی» به نزدت می آورم (که مدت لازم میتواند از چند دقیقه تا چند ساعت باشد – بسته به اینکه «از جایت برخیزی» چه معنیی داشته باشد - ) و دیگری گفت من آن را در چشم بهم زدنی نزدت می آورم و این نفر دوم کسی است که قرآن اورا چنین توصیف کرده : کسی که نزد او علمی از آن کتاب بود .

لذا کار او از نوع «علم» بود .

همچنین کار سامری – چنانکه در سوره طه آمده - که عملی انجام داده بود که آن مجسمه گوساله که بنی اسرائیل به پرستش گرفته بودند صدائی – احتمالا مانند صدای گاو – در می آورد ، که البته واضح است این نیز از نوع حقه های شعبده بازان است ، یعنی این هم از نوع علم است .

هم کار اعضاء ستاد موسی (ع) در قضیه انتقال تخت ملکه سباء از یمن به فلسطین ، و هم کار سامری در قضیه صدا در آوردن از مجسمه گوساله از نوع کار علمی بود.

در دستگاه سلیمان از نوع علم ها بود .

وقتیکه سلیمان مرد ، شیاطین و جن هائی که در آنجا به بیگاری گرفته شده بوند آزاد و راحت شدند و می باید مقداری از این نوع علم ها توسط آنها به سرقت رفته و مورد سوء استفاده آنها واقع شده باشد . که کار این سارقینِ آن نوع علم ها ممکن است به غلط سحر قلمدادشود که خطا است و در حقیقت از نوع علم است که توسط اشخاص نا صالح مورد سوء استفاده واقع میشود . اما این هم هست که تعداد این قبیل اشخاص آنقدر کم و آنها آنقد نادرند که در حکم «لاموجود» میباشند .

شیطان و نفوس شریر و شبح و روح ،

به صراحت قرآن کریم ، شیطان قدرت هیچگونه تصرفی را در فیزیک این جهان ندارد، تنها حوزه عمل که برای او مجاز است حوزه ذهن است که میتواند در آنجا به وسوسه بپردازد – که آنهم محدود است به اذهان گناهگاران و بی ایمانان – و لذا اینهمه فیلم و کتاب و سریال و کارتون راجع به شیطان و ارواح شریر از قبیل کتاب «فاوست» (از گوته آلمانی) که مطابق آن ، شیطان از راه وعده موفقیت دادن به یک جوان نا امید روح اورا میخرد و مدتی یک زندگی موفق برایش تهیه میکند و وقتیکه موعدش تمام شد می آید روح او را ببرد که جوان به او کلک میزند ویک جوری سرش را به طاق میکوبد و داستان آن اسقف در داستان «گوژپشت نتردام» (از ویکتورهوگو فرانسوی) که عاشق آن دختر زیبا روی کولی میشود و وصل او را میخواهد که جواب مثبت نمی بیند و لذا به این جمع بندی میرسد که آن دختر مامور شیطان است که آمده شاءن روحانی او را خراب کند و تصمیم به قتل دختر میگیرد و فیلم های «طالع نحس» (که در دو داستانِ سریال مانند و در دو فیلم ، یکی با بازی گریگوری پک و دیگری رکس هاریسون) و «جن گیر» و . . همه شان از دم دروغ و باطل و بی اساس است و ذره ای واقعیت ندارد و اصلا جای نگرانی نیست .

از آن جالب تر داستان کشیشی است که در فیلم معجزه سوم مطرح است که او برای اینکه بتواند کارهای خیری مانند شفا دادن مریضان و امثال آن را انجام دهد روحش را به شیطان فروخت و به این ترتیب موفق به انجام معجزاتی شد . خیلی مضحک است که شیطان که ماموریتی جز ایجاد شرور ندارد یکی از پیروان خویش را کمک کند که او به کارهای خیر بپردازد ، یعنی از شیطنت استعفا دهد !

حتی ساده ترین شکل جادو که «چشم زدن» و چشم خوردن باشد به شرحی که در تفسیر خویش (در جلد سوم در ذیل آیه آخر سوره قلم در همان سایت) عرض کرده ایم خرافه است ، و اصلی ندارد ، و **اینهمه تابلو های «وان یکاد» ، از آن لحاظ** **که کلام خدا است ، بالای چشم جا دارد ، اما از لحاظ باطل السحر بودن برای چشم زدن ذره ای به آن مربوط نیست و خرافه است ، گرچه به این گستردگی در بین مردم شایع باشد .**

شبح و روح هم که اینهمه در این فیلم ها و سریال ها مورد داستان سرائی های ترسناک شده و میلیاردها دلار به جیب سازندگان آنها سرازیر کرده ، همچنین .

**خیلی جالب است که این ارواح و اشباح ملیت اروپائی و امریکائی دارند و اتفاقات مربوط به آنها معمولا در آن خطه ها روی میدهد و از اینهمه داستانهای روح و شبح در شرق اسلامی خبری نیست !**

مطابق عقاید آنها کسی که کار «ناتمام»ی داشته باشد پس از مرگش روح او نا آرام است و آنقدر این در و آن در میزند و برای این و آن مزاحمت – های گاهی بسیار خطرناک – پیش می آورد تا بالاخره آن کار ناتمام او انجام شود .

آیات مربوط به برزخ بما میگوید مرگ نقطه قطع کامل ارتباط آدمی با این جهان است، و زندگی در عالم برزخ ادامه می یابد و هیچ ارتباطی با زندگی زمینی ندارد .

وغیره

امروزه صدها شرکت و سازمان فیلم و سریال سازی – در همه جای این دنیا - دست اندرکار تولیداتی هستند که مستقیما در ذهن میلیونها بینندگان خویش دلهره و اضطرابی که اساسش واهی و باطل و دروغ است ایجاد میکنند و در بسیاری از موارد این اضطرابات در ذهن مخاطب ثابت و ماندگار میشود ، و مطالب آنها عمدتا چیزهایی است که فوقا برشمرده شد یا ذیلا برشمرده میشود :

فعالیت ها و تحقیقات برای خلق ورژن هائی از بشرِ دارای قدرت فوق العاده که کاری جز کشتار و جنایت در مقیاس فوقِ وسیع ندارند (مثلا ترمیناتور و سرباز جهانی و ماتریکس و . . . .) برای تسلط بر امور جهان و برده نمودن همگان ،

فعالیت ها و تحقیقات برای تسلط عده ای قلیل بر کل شئونات زندگی بشر ،

و تولید انبوه ویروس ها و میکرب ها برای کسب قدرت بر آلودن محیط زیست و به خطر انداختن زندگی آحاد انسانی ،

و یا سایر موضوعاتی که از آنها نام نبرده ایم ولی خودتان میتوانید حدس بزنید .

اما ، قرآن ، حاوی مطالبی است که «باطل السحر» همه آنها است ، و ما ، از باب «مشتی از خروار» و «کمی از بسیار» ، به عنوان نمونه ، ذیلا بعضی از آیات آن را ذکر میکنیم :

**ماتسقط من ورقة الا باذنه** (هیچ برگی مگر به اذن او نمی افتد) [آیه 59 سورهانعام]

**ما کان لنفس ان تموت الا باذنه** (هیچ کسی را نمیرسد که بمیرد مگر به اذن او)[آیه 145سوره آل عمران]

**ما کان لنفس ان تومن الا باذنه** (کسی را نمیرسد که ایمان بیاورد مگر به اذن او)[آیه 100 سوره یونس]

**ما اصاب من مصیبه الا باذن الله** (هیچ مصیبتی جز به اذن خداوندنمیرسد) [آیه 11 سوره تغابن]

**ما اصاب من مصیبه فی الارض و فی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان نبراها** (هیچ مصیبتی در زمین و در جان هایتان اصابت نمیکند مگر اینکه درکتابی هست – حتی – قبل از اینکه آن را بیافرینیم) [آيه 22 سوره حدید]

**من یتوکل علی الله فهو حسبه** (هرکه بهخداوند توکل کند همو وی را کفایت خواهد کرد) [آیه 3 سوره طلاق]

**من یتوکل علی الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب** (هرکه به خداوند توکل کند همو برایشگریزگاهی قرار میدهد و از آنجائی که فکرش را هم نمیکند روزیش میدهد) [آیههای 2و3 سوره طلاق]

**قد جعل الله لکل شی قدرا** (خداوند برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است) [آیه 3 سورهطلاق]

**ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و مساجد یذکر فیهاالله کثیرا** (اگر اینطور نبود که خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع میکند حتما صومعه ها و معابد و مساجدی که خدا در آنها به فراوانی یاد میشود منهدم میشد)[آیه 40 سوره حج]

**ولینصرن الله من ینصره** (وخداوند کسانی را که به راه او یاری میرسانند یاری میکند) [آیه 40 سورهحج]

**ان تنصروا الله ینصرکم** (اگر راه خدا را یاری کنید یاریتان میکند) [آیه 7 سوره محمد]

**حقا علینا نصر المومنین** (یاری مومنان در تعهد ما است) [آیه 47 سوره روم]

**انا کل شی خلقناه بقدر**(البته همه چیز را به اندازه آفریده ایم) [آیه 49 سوره قمر]

**ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم** (خداوند اوضاع و احوال مردمانی را تغییر نمیدهد تا اینکه آنهااوضاع و احوال شخصیتیِخویش را تغییر دهند) [آیه 11 سوره رعد]

**ولو ان اهل القری آمنوا واتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء والارض** (و اگر اهل قریه ها ایمان بیاورند و تقوا پیشهکنند حتما برکات مهمی را از آسمان وزمین برآنها میگشاییم) [آیه 96 سورهاعراف]

اینها نمونه ای از آیاتی است که معتقدین را به کوهی محکم و استوار تبدیل میکند ، مانند پیامبرمان (ص) که در آن اوضاع و احوال ، با امکاناتی تقریبا در حد صفر ، به چنان موفقیتی رسید که میدانید چه ها بود و قرآن پر است از این نوع .

**قرآن برای بشر قرن بیست و یکمیِ امروز ، که چنان اضطرابات و نگرانی هائی دارد ، چنین آیاتی را به عنوان نسخه شفابخش تجویز میکند .**

**برخی رهنمودهای قرآنی برای بشر امروز در عرصه سیاسی**

اینک که وارد فصل آخر این بحث شده ایم بجا است خلاصه ای از ابتدای این کتاب تا اینجا را به خلاصگی مروری کنیم :

قبل از اینکه وارد این بحث بشویم بهتر است ببینیم وضع فعلی بشر چیست؟

**فسادِ عریانِ اکثریتِ قریب به اتفاقِ حاکمانِ جهان ، ناتوانی اکثر حاکمان جهان از حل مشکلات مهم ، خرافات و بدفهمی های گسترده و عمیق در مفاهیم دینی ، ظلم های عظیم و عمیق و گستردهء رو به افزایش ، خشونت افسارگسیختهء رو به گسترش تقریبا در همه جا ، خرابی وسیع و رو به گسترش محیط زیست ، وقوع روزافزون جرائم و جنایات سازمان یافته در حالت کاملا عریان علیرغم وجود نهاد های پلیسیِ مجهز به تکنولوژی های پیشرفته ، عادی شدن اخبار مرگ انبوه انسان ها در اثر گرسنگی ، تفاوت زیاد سطح زندگی بطوری که عده کثیری دچار فقر سیاه و عده کمی برخوردار از رفاه های افسانه ای هستند و اکثریت مردم نیز که بین این دو حالت اند درحال دوندگی دائمی برای حفظ وضع موجودِ خویش می باشند ، اعتیاد گسترده روزافزون به الکل ومواد مخدر و سایرمخدرهای شیمیائی نوظهور ، انحطاط عمیق و گسترده اخلاقیات و اشاعه گسترده فسادهای جنسی وغیره وغیره**

بله ، این است وضع فعلی بشر !

در قرآن ، در باره آینده سیاسی بشر سه نکته واضح و برجسته گفته شده :

**1 :**  اینکه خداوند چنین میخواهد که «کسانی که در زمین ضعیف شمرده شده اند» **(الذین استضعفوا فی الارض)** ، «نعمت بسیار بزرگ به آنها داده شود» **(ان نمنّ علیهم)** و «پیشوائی» **(نجعلهم الائمة)** داشته باشند و «وارث» (همه چیز) گردند **(ونجعلهم الوارثین)** ،

**2 :** اینکه «زمین به بندگان شایسته الهی به ارث رسد» **(انّ الارض یرثها عبادی** **الصالحون)**

**3 :** اینکه دین مردم پاکسازی و خالص و صحیح شود (**ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله)**

البته فعلا یک مقدماتی از وقوع این مژده ها به وقوع پیوسته ،

مثلا دموکراسی که شیوه حکومتیی است که بسرعت دارد پذیرفته میشود و با تخمین مقبولی میتوان گفت بزودی (و حد اکثر تا یک نسل دیگر) کاملا فراگیر خواهد شد یکی از نشانه های تحقق موضوعی است که با شماره 1 مشخص کرده ایم .

از نشانه های دیگر همان موضوع این است که می بینیم زبدگان و نخبه های مدیران اقتصادی و سیاسی و رسانه ای این مطلب را درک کرده اند که تصمیمات مردم عادی است که جریان های مسلط دنیا را به وجود می آورد و آنها سعی میکنند مردم عادی را در جهت مطلوب های خویش به تصمیم برسانند و در این جهت حتی دروغ های بزرگ هم میگویند .

مثلا می بینیم اهالی رسانه به مردم دروغ میگویند تا به این تصمیم برسانندشان که – مثلا - کانال های تلویزیونی آنها را ترجیح دهند ، و احزاب به مردم دروغ میگویند تا تشویقشان کنند که به کاندیدای آنها رای دهند ، و عرضه کنندگان کالا و خدمات به مردم دروغ میگویند تا وادارشان کنند تقاضایشان را از بازار آنها تهیه کنند ، و با این طرز رفتار «اعتراف عملی» میکنند که **پیشوایان جهان** مردم و بلکه **عادی ترین مردم** میباشند .

در مورد اصلاح و محدود کردن و قانونمند کردن و پاسخگو کردن صاحبان قدرت (یعنی موضوع شماره 2 فوق) نیز رفتارهای خوبی دارد در کل جهان مشاهده میشود.

در مورد پالایش ادیان و مذاهب (موضوع شماره 3) نیز امروز حرکات مهمی را به روشنی می بینیم که همگی در جهت زدودن خرافات و سعی در تشخیص اصل و اصول پیام های الهی است .

صرفنظر از اینکه ریشه های این سه جریانِ اصلیِ گرایش های بشری از کجا آب میخورد ، سرنخ های سه گانه مذکور بما میگوید این جریان ها و این گرایش های بشری اصیل و صحیح است و در آینده تعمیق و گسترش و پررنگ تر شدن آنها را خواهیم دید .

بله ، حرف در این موضوع زیاد است ، و فعلا بحث ما این است که قرآن برای بشر امروز چه رهنمودهایی دارد و چنانکه قبلا نشان داده ایم رهنمود های قرآن متنوع و هریک کاملا اساسی است و ما «از باب نمونه» و «مشتی از خروار» و «کمی از بسیار» برخی را برشمردیم و در این قسمت همان سه مطلبی که فوقا با شماره مشخص کرده ایم کافی است که بشر ناتوان و مایوس امروزی را نوید دهد که به این چنبره های در هم تنیده حصارهای موجود نگاه نکن ، دین از حصار خرافات ، و تو نیز از حصار بردگیِ مدرن بدر می آیی .

اگر کسی بپرسد **مسیر این رهائی ها چیست؟** میگوئیم (مثلا) این آیه :

**ولو ان اهل القری امنوا واتقوا لفتحنا علیم برکات من السماء و الارض** (اگر اهل قریه ها ایمان و تقوا در پیش گیرند حتما برکت های آسمان و زمین را برآنها میگشائیم) [آیه 96 سوره اعراف]

با توجه به مفهوم **قریه** ، در آیه فوق ، که مفهوم **جوامع کوچک** را در خویش دارد چنین نتیجه میگیریم که علیرغم ظلماتی که کل زندگی بشر را احاطه کرده ، **( و** **در ابتدای این بحث شمّه ای از آن را برشمردیم)** برای برون رفت از این موقعیت ناپسند ، تشکیلِ جمعیت های حتی کوچک در جهت دفع رذایل و کسب فضایل نیز مورد واکنش مثبت سیستم های جهانی و تعمیق و تقویت آن ها خواهد شد و این است راهی که اهداف سه گانهء بشر (که در آن سرنخ های سه گانه ذکر شده) را متحقق خواهد نمود و این هم چیزی است که شروع آن را در قالب تشکیل NGO ها- که بسرعت دارد گسترش می یابد – ناظریم .

البته در این مورد نیز NGO های خوب و بد داریم که در طول زمان مانند سایر زمینه های فعالیت های بشری ، بدها حذف خواهند شد

**(فاما الزبد فیذهب جفائا** **واما ما ینفع الناس فیمکث فی الارض** – کف به کنار میرود و آنچه برای مردم مفید است بجا میماند – سوره رعد)

**از این قلم :**

**الف – کتب مرتبط با علم تفسیر قرآن**

**1 – آموزش تفسیر قرآن کریم**

خودِ اصلِ تفسیر ده جلدی ما که « **سخن نو در تفسیر قرآن**» نام دارد مبتنی بر یک رویکرد تفسیری جدید است که با توجه به مبانی و قابلیت ها و آثار و نتایجش تا کنون نظیر و مشابهی نداشته است و لذا واقعا « **سخن نو**» میباشد و میتواند مطلوب نواندیشان و روشنفکران مسلمان باشد .

**مبنای اصلی تفسیری ما در تفسیر « سخن نو» این است که قبل از اینکه وارد کارِ تفسیرِ یک قطعه قرآنی بشویم ، می باید پیشاپیش دانسته باشیم که «خلاصه محتوا»ی سوره ای که قطعه مورد نظر ما در آن است ، و همچنین خلاصه محتوای خود قطعه قرآنیِ مورد نظر چیست .**

ما برای این کار (یعنی دانستنِ پیشاپیشِ آن دو مورد پیشگفته) «روش» و «الگوریتم»ی ساخته ایم که به روشنی و تفصیل در این کتاب توضیح داده شده است .

روش مذکور شباهتی دارد به کار کسانیکه در آزمایشگاه ها با درصد گیریِ نتایج و رسم نمودارها نتیجه گیری هایی میکنند ، و نیز شباهت دارد به کار تحلیلگرانی که – مثلا - در سازمان ملل متن سخنرانی رهبران کشورها را بررسی میکنند و در این راه از شمارش کلمات و میزان تکرار آنها سعی میکنند منظور غائی سخنران را کشف کنند ، و همچنین شباهت دارد به کار کسانیکه در مراکز آمارگیری با تجزیه و تحلیل داده های آماری نتایج کیفی میگیرند . به عبارت دیگر در این روش نیز از یافته های کمّی نتایج مفهومی گرفته ، و بوسیله آن متن اصلی بهتر فهمیده میشود .

روش مذکور علاوه بر کمک موثر در درک بهترِ معنی متن قرآن کریم فواید ارزشمند مهم دیگری نیز دارد که ذیلا عرض میکنیم :

(**1) - استفاده از این روش ، سبب حفظِ خطِّ سیرِ مطلبِ سوره­ هایِ بلند** **در ذهن تلاوت کننده میشود** .

**(2) - استفاده از این روش به تنظیم لیست مطمئنی از «ترتیب نزول** **سوره­ها» کمک نموده است .**

**(3) - با استفاده ازاین روش ، ابهام 1400 ساله حروف مقطعه گشوده شده** **، و برای آنها معانی معقول و قابل پذیرشی پیشنهاد ­شده است .**

**(4) – با استفاده از این روش در بسیاری از جاهای پراختلاف بین مفسران رفع اختلاف شده است** (برای توضیح بیشتر در بارهردیف های 2و3و4 فوق در قسمت های آتی همین بروشور مطالبی آمده است)

**(5) - با استفاده از این روش برای قَسَم­های قرآنی معانی معقول و مقبولی** **ارائه ­شده** (درحالیکه معمولا در تفاسیر می بینید هنگام معنی کردن قسم ها از روایات و یا نقل قول قدمااستفاده میشود)

**(6) - با استفاده ازاین روش برای بسیاری از آیات ، معانی جدیدی** **ارائه ­شده است .**

**(7) – با استفاده از این روش به یافتن معانی و نکات جدیدی که پیشینیان متعرض آنها** **نشده­اند کمک شده است .**

**(8) – با استفاده از این روش انسجام ارتباطیِ آیات در داخل سوره­ها نشان داده شده است .**

در این کتاب **هشت کلید تفسیری مهم** ارائه داده ایم که بی توجهی به آنها ، و رعایت نکردنشان ، نه تنها مفسر را از رسیدن به نتیجه مطلوب دور میکند ، بلکه ، اغلب ، سبب خطاهای مهم نیز میگردد .

در این کتاب ضمن توضیح کافی مطالب فوق ، نمونه و **سرمشق آموزشی** هم ارائه کرده ایم تا نوآموزان این رشته بتوانند اولین قدم های خویش را با توجه به آن سر مشق ها بردارند ، و همچنین از طریقِ طرحِ برخی **سئوالات تیپیک** ، به عنوان نمونه ، به نو مفسران کمک کرده ایم در بحث های خود سوال های ممکن خوانندگان خود را پیشاپیش در نظر گرفته و با جواب دادن به آنها کار اصلی خویش را (که تفسیر متن قرآنیِ در دست باشد) پی گیرند .

این کتاب به اشخاص مستعد و علاقمندِ کارِ تفسیری کمک میکند خودشان راسا به استنباط از قرآن کریم بپردازند .

**2 – آسیب شناسی تفاسیر قرآن کریم**

تفاسیر قرآن کریم – حتی برخی تفاسیر مطرح و مشهور – از آنجا که برخی از کلید های تفسیری ما را نمی شناخته اند و لذا رعایتشان نکرده اند ، بعضا در استنتاج های نهائی خویش دچار خطاهای فاحشی شده و معانیی ارائه کرده اند که نمیتواند مقبولیتی داشته باشد .

در این کتاب برخی از این نوع خطا ها را مطرح نموده تا مفسران جوان اهمیت کلید های تفسیری مذکور را درک نموده و آنها را به دقت رعایت کنند .

**3 – صدها ایراد بر تفاسیرِ کلاسیک**

این کتاب نیز بار آموزشی دارد ، و منظور از تدوین آن نشان دادنِ کاملترِ خطاهائی است که بطور خیلی مجمل و اشاره ای در کتاب آسیب شناسی تفسیر قرآن کریم (ردیف 2 فوق) مطرح شده ، و البته اجابت درخواست برخی از خوانندگان عزیز همان کتاب نیز (که خواهان نمونه های بیشتری بوده اند) در نگارش این کتاب موثر بوده است .

در این کتاب بیش از دویست ایراد ، مربوط به نصف حجم قرآن کریم (به ترتیب نزول) آورده شده ، و فیش - یاداشت های بیش از دویست و پنجاه ایراد دیگر نیز تهیه شده ، که پس از فراغت از کارهای در دست – انشاءالله بزودی- بصورت جلد دوم همین کتاب ارائه خواهدشد. در این کتاب برای استخراج ایراد ها ، مطالعه تفاسیرِ مورد نظر بصورت «تورق» (ونه خیلی دقیق) انجام شده و اگر بطور دقیق کار میشد ایرادهای بسیار بیشتری ظاهر میشد اما چون منظور ما به همین مقدار هم حاصل میشود از تدقیق بیشتر صرفنظر نموده و انتظار داریم مفسران جوان به آن بپردازند .

**4 – سخن نو ، در ترتیب نزول ، و زمان نزولِ ، و حروف مقطعه**

نکته بسیار مهم در باره این کتاب این است که ضمن اینکه به سه موضوع جذابِ ( ترتیب نزول ، تاریخ نزول ، و حروف مقطعه) می پردازد و نو ترین سخن را در باره آنها عرضه میکند ، در جریان این کار از **دو کلید تفسیری مربوط به این روش تفسیری** استفاده نموده ، و اگر از آنها استفاده نمیشد نتایجی که که در این کتاب حاصل شده است حاصل نمیشد ، و این موضوعی است که قاعدتا نباید از دید نومفسران و جوانان مفسر دور بماند .

**5 – هند بوکِ مفسرانِ موضوعی**

موضوع این کتاب «جستجویِ موضوعی» در موضوعاتی با تنوع زیاد در متن قرآن کریم است که در فایل word آن صورت میگیرد .

متن کتاب طوری طراحی شده که **اولا** به ترتیب نزول و **ثانیا** با تقطیع کافی و **ثالثا** ترجمه روان و **رابعا** عصاره گیریِ محتوائی پاراگراف ها و **خامسا** امکان دسترسی به تفسیر مفصل هر پاراگراف از طریق بهره گیری از امکانات hyperlink در نرم افزار فوق الذکر و **سادسا** امکانِ تکمیل توسط خود کاربر برای رفع نیاز های ویژه خویش است و **سابعا** مزایای دیگری نیز دارد که ، در مجموع ، این کتاب را به پایه یک مرجع بی بدیل در موضوع کتاب های علوم قرآنی میرساند .

هایپر لینک اشاره شده ، برای مراجعه به پاراگراف مربوطه در خود تفسیر اصلی ، است و فقط وقتی بطور کامل کار میکند که این کتاب با ده جلد تفسیر اشاره شده در فضای واحد قرار داشته باشد (مثلا هند بوک و تفسیر ده جلدی در یک فولدر یا در یک سی دی قرار داشته باشند)

**6 - سره و ناسره در روایات معراج**

در این کتاب دو روایت در باره معراج نقل شده که یکی موافق قرآن است ودیگری که خیلی هم بلند و طولانی – حدود بیست صفحه با قلم ریز - است ، و دائما در اینجا و آنجا (مثلا منابر و تفاسیر) نقل میشود ، **لا اقل** ، حاویِ 16 مورد مخالفت با قرآن ، 10 مورد مخالفت با عقل ، و 4 مورد مخالفتِ قسمت هائی از روایت با قسمت های دیگری از همان روایت است ، و این از باب نمونه است ، و نتیجه گرفته که در باب تفسیر قرآن می باید درستیِ روایات را از قرآن فهمید نه بر عکس ، و اینکه اگر مفسر به ترتیب نزول کار کند دچار این نوع خطا ها نمیشود .

**7 – تفسیر به رای و چند موضوع مرتبط**

این کتاب حاوی بحثی در مبانی تفسیری است و به ردّ یک خرافه (که برطبق آن ، عده ای ، بسیاری از کارهای تفسیری را «تفسیر به رای» قلمداد میکنند) می پردازد ، و برای مفسران جوان بسیار مفید است .

**8 – هزاران سوال تفسیری**

این کتاب شامل دو بخش اصلی است که **اولی** کم حجم و **دومی** پر حجم است .

بخش **اول** شامل مجموعه ای از سوال ها است که هر مفسر به هنگام تفسیر هر پاراگراف می باید به مجموعه آنها نظر داشته ، و متعرّضِ برخی از آنها که به پاراگراف موردِ تفسیر او مربوط است ، بشود .

بخش **دوم** شامل سوالاتی است که این قلم به هنگام تفسیر خویش از پاراگراف های قرآن کریم به آنها برخورد ، و برای راهنمائی مفسران جوان آنها را در داخل تفسیر پاراگراف ها تحت عنوان «سوالات» نگاشته است .

مطرح کردن آنها در داخل متن تفسیر برای حصول دو منظور بود:

1 – رعایت اختصار (از طریق نگفتنِ چیزی که خود خواننده با یک پرسش کوتاه میتواند بفهمد ) 2 - آموزش از طریق غیر مستقیم .

چون معمولا مردم حوصله مطالعه متون مفصل را ندارند ، برخی از این سوال ها را انتخاب نموده و به عنوان یک متن کمک آموزشی (برای مفسران جوان) در این کتاب قرار داده ایم . این کتاب (با توجه به ترتیب نزول) حدود یک سومِ اولِ متن قرآن کریم را شامل میشود و امیدواریم که تدریجا تکمیل و (انشاءالله بزودی) تمام حجم قرآن کریم را در بر گیرد ولی همین مقدار هم ارزش آموزشی کافی را (برای نو مفسران) دارا است .

**9 – خلاصه ترین تفسیر قرآن (متن عربی + درس و درب ها)**

این کتاب در حقیقت متن عربی ِ قرآنِ به ترتیبِ نزول است که هم – برحسب همگن بودنِ آیات - پاراگراف بندی شده ، و هم «درس» (عصاره مطلب سوره) و هم «درب ها» (عصاره مطلب پاراگراف ها) را دارد . وبرای کسی که مختصری عربی بداند خلاصه ترین تفسیر قرآن است و خود این نگارنده برای مطالعه روزانه قرآن از این کتاب استفاده میکند .

**10- تفسیر تک جلدی فارسی (متن ترجمه فارسی + اِعمال نتایج تفسیری)**

این کتاب در حقیقت ترجمه کتاب قبلی است که همه خصوصیات مثبت آن ( ترتیب نزول ، پاراگراف بندیِ کمک کننده به فهم) را دارد . بعلاوه انتخاب ترجمه ای از کلمات خاص که تناسب بهتری با عصاره مفهوم پاراگراف داشته باشد ، مشخص کردن محل التفات ها ، و واگذاری به مخاطب ها ، و . . . لذا نمیتوان آن را صرفا یک «ترجمه» نامید ، بلکه با توجه به ویژ گی هایش یک تفسیر است ، اما ویژگی آن کم حجمی اش است که پس از جذب خواننده وادارش میکند برای رفع تشنگی معنویی که احتمالا پس از مطالعه آن بدست آورده ، به سراغ جلدهای دهگانه خودِ تفسیر برود .

**ب – کتب نگاشته شده بر اساس این دیدگاه های تفسیری**

**11 - پیدایش انسان ، برگزیدگی آدم ، ماهیت شیطان**

پس از انتشار کتاب «اصل انواع» در قرن 19 به قلم چارلز داروین کلیسای کاتولیک به شدت در مقابل آن موضع گرفت و آن را کفر آمیز خواند ، و از آن پس تا کنون هم این موضع را حفظ کرده ، و حق هم دارد زیرا در مندرجات و استنتاجات آن کتاب مطالبی هست که بطور وضوح مغایر نصوص «کتاب مقدس» آنها است . اما جای تعجب است که چرا علمای اسلام هم وارد همین موضع شدند زیرا مندرجات و استنتاجات آن کتاب با « کتاب مقدس مسلمانان» تضاد و تنافری ندارد ، زیرا او بر اساس مشاهده و تجربه به چیزی رسید و آن را نوشت ، و مشاهده و تجربه هم چیزی است که قرآن دائما همه را به آن دعوت میکند .

در این کتاب ، موضوع «پیدایش انسان در روی زمین» که روایتِ این جهانیِ پدیده مذکور است ، از موضوع «برگزیدگیِ آدم» که روایتِ فرا جهانیِ آن پدیده است ، جداگانه ، و تماما باذکر آیات قرآن و استنتاج از آن ، به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شده که خلط دو بحث سبب آن سوء تفاهم بزرگ گردیده است و قرآن مخالفتی با نتایج علوم تجربی ندارد .

ضمنا چون ابلیس و شیطان نیز یکی از عناصر روایتِ فرا جهانیِ مذکور است در باره ماهیت شیطان نیز بحثی قرآنی در این کتاب وجود دارد .

**12- سیر و سلوک قرآنی**

«تعالی نفس» همیشه یکی از دغدغه های خاطر برخی از انسان ها بوده و از این پس هم خواهد بود ، و مکاتب گوناگون از قبیل متصوفه (اعم متصوفه مسلمان و مسیحی و یهودی ونیز هندی و بودایی و امثالهم) وغیره برای این دغدغه خاطر نسخه هائی پیچیده اند ، که نتیجه اش پیدایش اینهمه خانقاه و معبد و صومعه و دیرِ رهبانیگری است که به عنوان محل«سیر و سلوک» و «تهذیب نفس» شناخته میشود ، در این کتاب ، از لحاظ قرآنی – که صالح ترین مرجع برای این مقوله است - به این دغدغه خاطر پرداخته ، و ضمن بررسی نقادانه برخی از عناصر رایجِ مکاتبِ سیر و سلوکی ، روشهای قرآنیِ سیر و سلوک و تهذیب نفس را پیشنهاد نموده است .

**13 - آثار قوم لوط**

در این کتاب با ذکر آیات مرتبط به داستان قوم لوط و نوع عذاب آنها ، به کاوشگران و باستان شناسان سرنخ هائی از متن قرآن داده شده ، که کجا را مورد حفاری های باشتان شناسانه قرار دهند که آثار آن قوم را بیابند و از این طریق ، هم قسمتی از «ماقبل تاریخ» را به «دوره تاریخی» بیاورند ، و هم سند مهم دیگری بر اسنادِ موجودِ اعجاز قرآن بیافزایند .

**14 - حدود شفاعت**

این نگارنده در نوجوانی از یکی از وعاظ مشهورِ آن زمان شنیده بود که بالای منبر میگفت «تو شیعه باش و . . . کن» و « سنّی چه حج کند و چه . . . کند یکی است»

در این کتاب با این خرافه برخورد شده که کسی فکر نکند به صِرفِ مسلمان زادگی و شیعه زادگی همه چیزش مرتب است و مورد شفاعت واقع خواهد شد . . .

در این کتاب حدّ و حدود شفاعت را با استفاده از متن خود قرآن باز گویی کرده است .

**15 – سخن نو در اصلاحِ الگویِ رایجِ حیات اخروی**

در این کتاب در ابتدا به نقادیِ «الگوی ذهنیِ رایج حیات اخروی» پرداخته و سپس با استفاده از بحث های قرآنی الگوئی را پیشنهاد کرده که در آن آثاری از آن مواردِ انتقادیِ مطرح نیست .

**16 – رهنمود های قرآن برای بشر قرن حاضر**

موضوع بحثِ این کتاب در سه فصل عرضه شده ، که در فصل اول با شاهد آوری از آیاتی از کلام خدا نشان داده میشود که چگونه بشر ابتدائی با استفاده از رهنمودهای وحی از زندگی حیوانی فاصله میگیرد ، و در فصل دوم کارنامه قرآن را در متمدن سازیِ بشر مورد ارزیابی قرار میدهد ، و در فصل پایانی ضمن مطرح کردن برخی دغدغه های بشر فعلیِ قرن بیست و یکمی رهنمودهای قرآنی را برای درمان آلام بشری و رفع دغدغه های فکری و روانی بشر امروزی بیان میکند .

**17 - شناختِ وجوهِ کلّی اعجاز قرآن**

در این کتاب از 9 لحاظِ کلّی ، به «غیر قابل گفتار بشر بودن» قرآن ، و اینکه گوینده قرآن باید کسی باشد که آنقدر علم داشته باشد که بتواند آسمانها و زمین و خود بشر را بیافریند ، پرداخته ، و نشان داده که چرا مسلمانان قرآن را – به حق – معجزه میدانند . این کتاب برای کسانی که «مسلمانِ شناسنامه ای» بوده و مایلند در اصل مسلمانی خویش از شک و تردید بدر آیند خیلی مفید است .

**18 – جواب دکتر سروش**

در این کتاب سخنرانی اخیر دکتر عبد الکریم سروش (تحت عنوان «خواب احمد») که طی آن قرآن را «خوابنامه» پیامبر (ص) نامیده ، را به چالش کشیده و نشان داده که علاوه بر اینکه قرآن نمیتواند گفته کسی غیر از خداوند باشد ، ضمنا نشان داده که نتیجه گیری های دکتر سروش بر مبانیی بسیار سست و نا استوار مبتنی است .

**19 – خرافات زدائی در باره وجود مقدس امام زمان (ع)**

در این کتاب تصوراتِ خرافیِ رایج در باره ظهور امام زمان (ع) را تصحیح کرده ، و علاوه بر آن ، مستندات قرآنیِ وجود آنحضرت را نیز بیان نموده ، ونیز به بررسیِ برخی از روایات مرتبط با «آخرالزمان» پرداخته ، و در مجموع نشان داده که این بخش از عقاید شیعیان چقدر صحیح ، و چقدر قرآنی ، و چقدر معقول است .

**20 – تاریخ نزول وحی از ابتدا تا هجرت**

روایات شان نزول و بطور کلی روایات ، در بازه زمانی اواخر بنی امیه و اوایل بنی عباس که همدوره امام باقر و امام صادق (ع) بود به عرضه انبوه رسید و این تقریبا 9 نسل پس از وفات «اصحاب» رسول خدا (ص) است ، و همچنین پیدایش اولین « سیره» مقارن اواخر هارون و اوائل مامون عباسی است که تقریبا 11 نسل پس از اصحاب است ، و این دو منبع از آنجا که هیچگونه دسترسی شفاهی به دوره نزول وحی از ابتدا تا هجرت نمیتوانسته اند داشته باشند ، و بعلاوه ، در آن روزها کتابت روی پوست و گران بود و تعداد باسوادان نیز کم بود مطلب قابل اعتمادی در باره بازه زمانی مذکور ندارند .

این کتاب که مستند به فقط آیات قرآن است ، ضمن اینکه در نوع خویش بی نظیر است ، اولین کتاب از این نوع است که خلاء مذکور را به قابل اعتماد ترین وجه پر کرده و اطلاعات درست و روشنی از روزهای نزول وحی (قبل از هجرت) به خواننده میدهد .

در این کتاب خواهید دید که چگونه جامعه نوپای اسلام رشد میکند و به قدرت معنوی و در عین حال اجتماعیی بی بدیل تبدیل میشود و نیز می بینید گه چگونه معارضان قدرتمند و ثروتمند آن به تدریج سپر می اندازند و رنگ می بازند تا اینکه بالاخره عرصه را تسلیم میدارند .

**ج - تفسیر قرآن (به نامِ) : «سخن نو در تفسیر قرآن»**

**1- جلد 1 (شامل فهرست الفبائی تفسیرسوره ها ، مبانی و روش تفسیری ، و کلید های تفسیر قرآن ، و تفسیر چند سوره اولیه نزول قرآن به ترتیب نزول)**

**2- جلد های 2 تا 10( شامل تفسیر بقیه سوره ها به ترتیب نزول)**

این تفسیر ، چنانکه از بخش «مبانی» در جلد اول – ونیز از خودِ متن ِ تفسیر سوره ها - پیدا است ، کاملا «روش مند» و منظم و قابل آموزش است و چون به ترتیب نزول است خواننده هنگام مطالعه آن گوئی که پا به پای رسول خدا (ص) حرکت نموده و آن روزها را درک میکند و مطالبِ جنبیِ قابل ملاحظه ای رانیز علاوه بر متنِ خود تفسیر در می یابد که مجموعا از خواندن آن لذت معنوی زیادی می برد و از این لحاظ از هر تفسیری متمایز است .

ذیلا تفسیر یک پاراگراف از یکی سوره ها که بطور اتفاقی انتخاب شده را به عنوان مشتِ نمونه خروار ارائه مینماید و در همینجا این یادآوری را نیز اضافه میکند که :

**همان « اسکلت» ی را که در تفسیر این** **پاراگراف می بینید در کل تفسیر همه پاراگراف ها پیگیری شده است : متن عربی ، عصاره محتوای کل سوره (= درس) ، عصاره محتوای پاراگراف (= درب) ، درج خلاصه تفسیر پاراگراف های قبلی ، سوالات ، شرح مختصر ، و بالاخره جمع بندی و تفسیر :**

سوره بقره پاراگراف 21 آیات164تا167

|  |
| --- |
| **إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَاخْتِلاَفِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنزَلَ اللّهُ مِنَ السَّمَاء مِن مَّاء فَأَحْيَا بِهِ الأرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَآبَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخِّرِ بَيْنَ السَّمَاء وَالأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿164﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللّهِ أَندَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللّهِ وَالَّذِينَ آمَنُواْ أَشَدُّ حُبًّا لِّلّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُواْ إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلّهِ جَمِيعاً وَأَنَّ اللّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ﴿165﴾ إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتُّبِعُواْ مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُواْ وَرَأَوُاْ الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الأَسْبَابُ ﴿166﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُواْ لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّؤُواْ مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُم بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ﴿167﴾** |

**پیش تفسیر**

**درس: ساختن ثبوتي فرد و خانواده از طريق احکام صادره و ساختن سلبي آنان از طريق برحذر داشتن از الگوهاي بد (يهوديان و غيره)**

**خلاصه تفسیر پاراگراف : جلب توجه مسلمانان به آثار لطف و رحمت الهي و دعوت به سعي در رشد شخصيتي خويش و برکنار ماندن از عاقبت بد آخرت .**

**توضیح مقدماتی**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر! بیشترین مشکل تو در شرایط جدید منافقان هستند . اینک در موقعیتی متفــاوت ازگذشته هستی ، و هم مشکلاتت ، وهم وظایفت ، سنگین تر از گذشته است .(زیراعلاوه بر کفار ومومنان که قبلا هم بودند ، اینک منافقان به مشکلاتت اضافه شده وامور حکومتی به وظایفت)

در پاراگراف 2 می فرماید : ای مردم به خداوند خالقتان ایمان بیاورید و اگر در رسالت پیامبرتان شکی دارید سوره­ای مانند یکی از سوره­های قرآن به وجود آورید، و در صورت ایمان و عمل صالح از اهل بهشت خواهید بود .

در پاراگراف 3 می فرماید : مؤمنان و فاسقان در مقابل آیات الهی رفتارهای متضاد نشان می­دهند در حالی که بهتر است فاسقان به اینهمه آیات واضح توجه کرده و به خداوند کفر نورزند .

در پاراگراف 4 می فرماید : ای انسان ها قدرخویش بدانیدکه برای خلیفگی خداوند افریده شده اید واین موقعیت درگرو ایمان وپیروی هدایت های الهی است .

در پاراگراف 5 یهودیان را برای مطالبی که در متن آمده نکوهش می فرماید .

در پاراگراف 6 می فرماید : ای مسلمانان ! بنی اسرائیل که به رهبری موسی(ع) ازسلطه فرعونیان رهائی یافتند بجای رفتارهای شاکرانه منقادانه ، رفتارهای ناپسندی ازقــبیل نافرمانی وکفر وشرک وغیره وغیره درپیش گرفتند . مبادا شما مانند آنان کنید .

در پاراگراف 7 می فرماید : ای مسلمانان مبادا دو کلمه شهادتین بر زبان آورده اید خیلی غرور برتان دارد ، خداوند به گرایش حقیقی اهمیت میدهد ، از هرکس با هر دینی که باشد .

در پاراگراف 8 دو باره به نکوهش یهودیان بر می گردد .

پاراگراف 9 نیز مانند پاراگراف قبل است .

پاراگراف 10 نیز مانند قبل است .

در پاراگراف 11 می فرماید : ای مسلمانان ! شریعت موسی(ع)درزمان خودش بهترین دین بود ولی اینک دین شما بهترین(وآخرین)است ویهودیان که شمارا مسخره میــکنند ودلشان نمیخواهد که شمادراین موقعیت برتر باشید ، درحقیقت دشمن شما هستند وبهتر این است که شما این رادرک کنید واینقدربا آنها مخلوط نباشید وروابط تان راباآنها تقلیل دهید .

در پاراگراف 12 می فرماید : ای مسلمانان مانند یهودیان نباشید که نسبت به پیامبرشان نافرمانی کردند و این عبادات را به جای آورید .

در پاراگراف 13 به نکوهش یهود و نصاری و مشرکان می پردازد و به مسلمانان می فرماید به راه حق خودشان بروند .

در پاراگراف 14 می فرماید : ای پیامبر به وحیی که به تو می­شود دلگرم باش و راه خودت را برو .

در پاراگراف 15 می فرماید : ای مسلمانان ! ابراهیم وار فقط به خداوند نظر داشته باشید وچیزی جز او نظر نداشته باشید تا علاوه برآخرت دردنیــا نیز به نعمـت های بزرگ برسید .

در پاراگراف 16 می فرماید : ای مسلمانان ! درهنگام گفتگوی اعتقادی با یهود و نصارا بر مواردی که بین شماها مشترک است تاکید کنید که آنهم توحید و وحی الهی است.

در پاراگراف 17 می فرماید : ای مسلمانان ! مدتی به علــت اشغــال کعبه توسط مشرکان مجبوربودید بطرفی دیگر نمازکنید اما اینــک که ازهرلحــاظ رنگ شخصیتی مشخص خویش رایافته اید بهتراست به سوئی عبادت کنید که بیشترین قرابت را باآن دارید.

در پاراگراف 18 می فرماید : ای مسلمانان ! برای ارتقاء روحی وشخصیتی لازم است خود را به این اخلاق متخلق سازید .

پاراگراف 19 مربوط به صدور حکم حج است .

در پاراگراف 20 به نکوهش یهودیان برای حقایقی که درباره اسلام ­می دانسته اما آن را کتمان می­کردند می پردازد .

در این پاراگراف می فرماید : بعضی از مردم که علیرغم اینهمه آیات خلق و امر الهی برای خداوند همتا قرار می­دهند ، در آخرت معذب خواهند بود .

**سوالات**

1- « **وَالَّذِينَ آمَنُواْ أَشَدُّ حُبًّا لِّلّهِ** » (آیه165) با کدام کلید فهم قرآن مطابق است؟

2- درانتهای آیه165 موضوع کدام کلید فهم قران اتفاق افتاده؟

3- چه سابقه ای برای دو آیه 166و167 درسوره های قبل می شناسید؟

4- یک مثال برای موضوع دوست داشتنِ «انداد» (آیه165) بیاورید .

5 – چرا خداوند آفرینش آسمانها و زمین را در ردیف آیت هایی ذکر فرموده که بسیار کوچکتر میباشند؟

**شرح مختصر**

**پرانتزها**

آیه­های اصلی پاراگراف آیه­های 164 و 165 است.

**حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

در آیه 164 آفرینش آسمانها و زمین را یک آیت در عرض آیات دیگر (مثلا قایق رانی در آب) ذکر کرده ولی واضح است که آن یک آیت اصلا در عرض آیات دیگر نیست بلکه همه آنها فرع بر آن یکی هستند .

علت این نوع ذکر مطلب ، شاید به این علت بوده باشد که مردم آن روزها در آفرینش و اینکه منحصرا توسط خداوند انجام شده شکی نداشتند و مشکلشان اینجا بوده که بقیه مظاهر زندگی را به مراکزی مرتبط میکرده اند که آنها را «اَنداد» خداوند (همطرازان خداوند - آیه 165) حساب میکرده اند.

**جمع بندی و تفسیر**

**البته در آفرينش آسمانها و زمين ، و گردش شب و روز، و کشتييي که در دريا به نفع مردم حرکت ميکند ، و آنچه خداوند از آسمانها از آبهائي که سبب زنده شدن زمين پس از مرگش ميشود ميفرستد ، و اينکه همه جور جنبنده اي در زمين گسترانيده ، و در گردش بادها ، و ابرهائي که بين آسمان و زمين رامند ، آياتي براي اشخاصي که تعقل مي کنند وجود دارد (164) و از ميان مردم کساني هستند که براي خدا همتاياني قرار ميدهند و آنها را مانند خداوند دوست ميدارند ، ولي مومنان خدا را بيش از همه چيز دوست ميدارند ، و اگر آنانکه ظلم كردند آن عذاب را ميديدند** (ميدانستند) **که همه قدرت ها همگي مخصوص خداوند است و اينکه عذاب خداوند شديد است (165)** {آن هنگام که رهبران (گمراهي) از پيروان خويش بيزاري ميجويند و عذاب را مي بينند و سبب ها از آنها قطع ميشود (166) و پيروان آنان ميگويند کاش بازگشتي بود تا ما هم از آنان بيزاري جوئيم همانطور که آنان از ما بيزاري جستند. خداوند اعمالشان را با چنين حسرت هائي به آنها نشان ميدهد و از آن آتش خارج نخواهند شد}(167)

علامت { } مربوط به مطالب فرعی ، و {{ }} مربوط به مطالب فرعی در فرعی است .

**مطالب فوق در سایت :www.tafsir.jamal-ganjei.com هست و ایمیل :jamalganjei@gmail.com نیز در خدمت است .**

1. در این مدت طولانی یک «تاریخ نزول وحی» که مستند به قرآن ولذا قابل اطمینان باشد بوجود نیامده [↑](#footnote-ref-1)